

گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به دوازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان

بخش اول: سیر رویدادها

بخش دوم: بحران در سپهر سیاسی کشور، بایگانی شدن خالص سازی

حکومت قادر نیست به شکل پیش حکمرانی کند

بخش سوم: جنگ طلبی و آشوبگری سیاست راهبردی نظام ولایت فقیه

باتلاق جنگهای نیابتی، فروریختن برج و باروی «محور مقاومت [شرارت]»

بخش چهارم: بحران اقتصادی؛ فراتر از فاجعه و فلاکت

بخش پنجم: قتل عام طبیعت، ابربحران آب و فرونشست زمین

بخش ششم: برآشوبیدن فرودستان

پایینها نمی خواهند به شکل پیش زندگی کنند!

بخش هفتم: دیدگاهها و رویکردها

صفحه ۱۴

اجلاس میاندوره‌یی شورای ملی مقاومت ایران

صفحه ۲

موشکهای «اعتماد» ساز،
نمایشی از بی اعتمادی در
سراشیبی سقوط

زینت میرهاشمی

صفحه ۴۳

آتش بس در غزه؛
پیروزیهای ساختگی،
شکستهای واقعی

منصور امان

صفحه ۴۲

با مردم
در شبکه های اجتماعی

مرجان

صفحه ۳

دایه گیان

ماموستا شه ریف*

صفحه ۴

زینب جالیان

احکام اعدام وریشه مرادی و
پخشسان عزیزی را محکوم کرد

صفحه ۱۱

در این شماره ...

صفحه ۵ چالشهای معلمان (بهمن ۱۴۰۳) - فرنگیس بایقره

صفحه ۶ رویدادهای هنری ماه (بهمن ۴۰۳)

صفحه ۸ دانشگاه در ماهی که گذشت - کامران عالمی نژاد

صفحه ۱۲ زنان در مسیر رهایی (بهمن ۱۴۰۳) - اسد ظاهری

صفحه ۳۴ جنبش رنگین کمان بی شماران (بهمن ۱۴۰۳) - پویا رضوانی

صفحه ۴۴ یادواره /رفقا شهره صبوری و فریبرز کشاورز - امیر ابراهیمی

صفحه ۴۴ شهیدان فدایی در ماه اسفند

اجلاس میان‌دوره‌یی شورای ملی مقاومت ایران

اصل «کس نخارد پشت ما جز ناخن انگشت ما» که مسئول شورا از روز اول بر آن انگشت گذاشت، محکم و استوار ایستاده و به دیکتاتورهای شاه و شیخ «نه» گفته است. اعضای شورا تأکید کردند که تحولات شش ماه گذشته در سپهر سیاسی ایران حاکی از سترونی بودن «خالص سازی» و «تمدن اسلامی» مورد ادعای خامنه‌ای بود که همزمان با سرنگونی رژیم بشار اسد، شاکله «محور مقاومت» خامنه‌ای ساخته را به طور جبران‌ناپذیری فرو ریخته است. این واقعیت آن قدر واضح است که با نگاهی به رسانه‌های حکومتی مهر تأیید می‌خورد. امروز مردم ایران هیچ تردیدی ندارند که ریشه تمامی مشکلات و بحرانهای اجتماعی فساد و تبهکاری رژیم ولایت فقیه است. پاسخ جامعه ایران به بحرانها، کنش نیروهای انقلابی و پیشرو، در شرایط کنونی کانونهای شورشی، همزمان با خروش نیروهای کار و تهیدستان برای تحقق زندگی انسانی است. همین پاسخ است که می‌تواند با انقلاب و سرنگونی رژیم ولایت فقیه، راه‌هایی مردم ایران از ستم، تبعیض و بی‌عدالتی را هموار سازد.

ملی‌پوشان و قهرمانان ورزشی در شورا، با اشاره به اینکه سپاه و ارگان‌ها و مهره‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم ورزش ایران و فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها و کمیته‌های مرتبط با ورزش چنگ انداخته و آن را به فساد و عقب‌ماندگی کشانده‌اند، تأکید کردند که حل مسأله ورزش در ایران نیز همچون سایر مشکلات و بحرانها در گرو سرنگونی رژیم آخوندی است.

در این اجلاس رسوایی «سانسور قرن» علیه جنبش مقاومت مورد بحث قرار گرفت. اعضای شورا با افشای برخی نیرنگهای فضاحت‌بار سایبری رژیم که آن روی سکه سانسور مقاومت است، خاطر نشان کردند که پیشرفتهای مقاومت و کانونهای شورشی باعث شده رژیم علاوه بر فعالیت‌های قبلی نیابتی‌هایش در اطراف بچه شاه، یک نیروی سایبری را زیر نظر سپاه و بیت خامنه‌ای با هزاران حساب جعلی و شاهپرست راه‌اندازی کند تا به نفع بچه شاه و علیه مقاومت تبلیغ کنند. اما در برابر این تلاشهای مذبوحانه، امواج خروشان هم‌میهنان آزاده در ۲۰ بهمن و طنبن رعدآسای شعارهای «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر» و بازتابهای آن در داخل میهن اشغال‌شده، پیام آشکاری بود به تمام جهان که دوران رژیم پوسیده آخوندی و پس مانده‌های دیکتاتوری پیشین، سپری شده و ایران در آستانه فصلی نوین از تاریخ خود ایستاده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۳ بهمن ۱۴۰۳

چالشهای معلمان (بهمن ۱۴۰۳)

بقیه از صفحه ۵

تجمع نیروهای نهضت سوادآموزی در تهران

روز شنبه ۲۷ بهمن جمعی از نیروهای نهضت سوادآموزی در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران دست به تجمع زدند. معترضان خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی خود و «تعیین تکلیف نیروهای نهضتی بعد ۹۲» شدند. نیروهای نهضت سوادآموزی پیشتر نیز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند.

تجمع معلمان متعهد خدمت دانشگاه فرهنگیان

روز سه شنبه ۳۰ بهمن، جمعی از معلمان متعهد خدمت دانشگاه فرهنگیان نسبت به عدم صدور کارت پایان خدمت و بالاتکلیفی استخدامی مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران، تجمع کردند.

معترضان بر اساس ماده ۷ قانون متعهدین خدمت، پس از گذراندن دوره تعهد در آموزش و پرورش، مشمول دریافت این کارت می‌شوند، اما با وجود پیگیریهای مکرر از طریق مکاتبات اداری و مراجعات حضوری، هنوز موفق به دریافت آن نشده‌اند.

این معلمان در بیانیه‌ای که نماینده آنان با حمایت ۲۷۰ امضاکننده قرائت کرد، از وزارت آموزش و پرورش خواستند که فرایند اداری صدور کارت پایان خدمت را تسریع کند و به بالاتکلیفی آنها پایان دهد. آنان تأکید کردند که تمامی مستندات قانونی، مسئولیت انجام این فرایند را بر عهده وزارتخانه قرار داده و تأخیر در اجرای آن، موجب مشکلات متعدد برای این افراد شده است.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، هرا، انصاف نیوز، رسانک)

اجلاس میان‌دوره‌یی شورای ملی مقاومت همزمان با چهل و ششمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی در روزهای دوشنبه ۲۲ و سه شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳ با حضور رئیس جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران برگزار شد.

در نخستین روز اجلاس، جمعی از یاران شورا به عنوان ناظر حضور داشتند و شماری از آنان سخنانی ایراد کردند.

پس از اجرای سرود «ای ایران» در آغاز اجلاس دو روزه، خانم رجوی در سخنان افتتاحیه، از حضور گسترده و پرشور هموطنان، به ویژه نسل جوان در تظاهرات پاریس قدردانی کرد و به پیشتانان، راهگشایان و راهبران راستین انقلاب بهمن ۵۷ درود فرستاد.

خانم رجوی ضمن اشاره به تحولات بزرگ در فاصله دو اجلاس در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، از جمله روند فزاینده اعتراضات و تظاهرات مردم به ستوه آمده و شکست استراتژی خامنه‌ای در منطقه و از دست‌دادن سوریه و لبنان گفت: در اثر این تحولات و شکستها، تکیه‌گاه و میدانهای مانور رژیم در منطقه به میزان قابل توجهی از بین رفته است. برنامه اتمی که قرار بود برای رژیم «تضمین بقا» باشد، به عامل بحران‌زای مضاعف تبدیل شده و خامنه‌ای اکنون راه پس و پیش ندارد و توانمندیهای ضربه خورده و آسیب‌دیده رژیم قابل ترمیم نیست. در نقطه مقابل، ارتقای فعالیت‌های کانونهای شورشی، گسترش فعالیت‌های مقاومت در عرصه سیاسی و بین‌المللی و نیز استقبال جوانان و زنان از مقاومت، بیانگر موقعیت تنها جایگزین دموکراتیک و مستقل در راستای تعهد بزرگ سرنگونی و آرمان آزادی ایران است.

خانم رجوی افزود: موقعیت فعلی این آترناتیو، مرهون یک نبرد طولانی و بفرنج با استبداد مذهبی، خون پاک شهیدان و فداکاری اعضا و حامیان مقاومت در نسل‌های متوالی و راهگشایی و راهبری مسئول شورا است. امری که پیام این آترناتیو در صحنه داخلی و بین‌المللی را فراگیر کرده است. پیام این مقاومت یعنی: نه شاه- نه شیخ و برپایی یک جمهوری دموکراتیک و مستقل با جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیتهای تحت ستم. پیامی بسیار قوی و راهگشا و برخوردار از حمایت مردم ایران به ویژه زنان و نسل جوان است.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت دریایان سخنانش یاد زنده‌یاد سید احمد غزالی، نخست‌وزیر پیشین الجزایر را گرامی داشت و گفت: درود بر او که در زمانه سخت و پرآشوب، بی هیچ چشم‌داشت به دفاع تمام‌عیار از مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران برخاست. به‌راستی سید احمد غزالی از صدیق‌ترین وارثان انقلاب و مجاهدین الجزایر و از برجسته‌ترین سیاستمداران روشن بین دنیای عرب در مقابله با بنیادگرایی و فاشیسم دینی بود.

در بحث‌های پیش از دستور، اعضای شورا ضمن بزرگداشت سالگرد انقلاب بهمن ۵۷ و هم چنین حماسه راهگشای سياهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و حماسه نبرد و شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار خلق موسی خیابانی و یارانشان در ۱۹ بهمن ۱۳۶۰، تظاهرات شکوهمند ۲۰ بهمن در پاریس را نمادی شکوهمند از پیروزمندی و اعتلای نبرد رهایی‌بخش توصیف کردند.

اجلاس شورا با قدردانی از هموطنانی که از راههای دور و نزدیک به میدان تظاهرات شتافتند و ساعت‌های طولانی در سرمای زمستان در صفوفی خروشان برای آزادی ایران بی‌وقفه فریاد زدند، تأکید کرد این رخداد نشان داد که جایگزین دموکراتیک و مستقل به‌رغم همه سرکوبها و توطئه‌ها جایگاه تعیین‌کننده خود را در صحنه سیاسی امروز ایران تثبیت کرده است. صفوف انبوه و درهم فشرده این تظاهرات ترکیب شگفت‌انگیزی از اقشار و ملیتها و سه نسل از هموطنان به‌ویژه نسل جوان سرشار از آگاهی و عزم میهنی به سوی ایران آزاد و جمهوری دموکراتیک بود.

اجلاس شورا افزایش و گسترش عملیات و کارزارهای کانونهای شورشی را شایان تبریک دانست و شجاعت و اراده اعضای کانونها را در برابر پاسداران و نیروهای سرکوبگر و همچنین ایستادگی آنها در زندانها و در مقابل شکنجه‌گران را به مثابه افتخارات مردم و تاریخ ایران ستود.

اجلاس بر این اعتقاد بود که به‌رغم همه بحرانهای داخلی و خارجی، این رژیم با مباران و فشار خارجی سرنگون نمی‌شود. تغییر و سرنگونی تنها به‌دست مردم و مقاومت سازمان‌یافته آنها امکان‌پذیر است. تظاهرات پاریس می‌عادگاه انبوه ایرانیان در حمایت پرشور هموطنان از رزم قهرمانان کانونهای شورشی در داخل میهن اسیر بود؛ که با شعارهای «می‌جنگیم می‌میریم ایرانو پس می‌گیریم» و «مرگ بر دیکتاتور، نه شاه استعماری، نه شیخ ارتجاعی»، این پیام را برای مردم ستمدیده و غارت‌شده ایران داشتند که: «می‌کشیم از دهن گرگ برون، انقلابی که به سرعت برود.»

اعضای شورا سرچشمه پیروزیهای مقاومت را در ایستادگی برسر اصول آزادی و استقلال وطن دانستند و خاطر نشان کردند که این جنبش در ۵ دهه گذشته با هدایت مسعود رجوی برای آزادی و استقلال ملی مقاومت کرده و هیچ‌گاه از آن کوتاه نیامده است. این مقاومت برسر

با مردم در شبکه های اجتماعی

مرجان



۱۰ میگه ۱۰ درصد از حقوقتون و بذارید کنار سرمایه گذاری!! فکر کن یکی ۱۰ تومن حقوقشه، آخر سال ۱۲ تومن وای چه سرمایه گذاریها که نکنه! یکم وضع مملکت و نگاه کنید بعد فانتزی در کنید.

۱۰ خواهرم معلم هست سالهاست دلش می خواد ماشین بخره و هر بار که پول جمع کرده داستانی شده که دلار رفته بالا و باز به ماشین نرسیده.

ارزوی مرگ برای شماهایی که کمترین امکانات یک زندگی معمولی و از مردم دریغ کردید کمه!

۱۰ طرز وحشتناکی چهره کلی جامعه خموده، افسرده و بی انگیزه و نگران شده. تو خیابون که راه میری همه غرق در افکار خودشون هستند و بی تفاوت به اطراف سریع در حال حرکت هستند، خیلی به شدت عصبی هستند، هیچ کی از ته دل نمی خنده و گویا یه افسردگی جمعی غالب شده، شما چیز دیگه ای می بینید؟

۱۰ ولی منصفانه و شرافتمندانه نیست، من معلم بازنشسته به جای استراحت و تفریح، ۴۰ ساعت تو هفته درس بدم و به گرد پای دلار نرسم! خسته شدیم به والله!

۱۰ درامدی که پس انداز کردنش ارزشی نداشته باشه تبدیل میشه به عامل گذرانی در لحظه آنهم بدون ایجاد شادی و لذت عمیق! مثلا میدانی که ۵ میلیون پس انداز ماهیانه تا ۵۰ ساله دیگه هم تو را حتی به آرزوهای نزدیک هم نمی کنه، بنابراین با آن یکی دو بار در ماه می روی به رستوران لاکچری و در حالیکه داری غذا می خوری عمیقا بابت اینکه باید دور آرزوهایت را خط بکنی غمگینی!

این تازه وضعیت افرادیست که با وجود این تورم وحشتناک و افسار گسیخته در جامعه هنوز مقداری از درامدشان پس از کسر هزینه های ضروری ته حسابشون باقی می ماند که صرف لذت لحظه ای کنند.

۱۰ تورم تازنده و سرکوب دستمزدها بزودی کار کردن و نکردن را یکسان می کند و مراکز تولیدی را خالی از نیروی انسانی می کند و قفل شدن طرف تقاضا موجب تعطیلی این مراکز می شود و در نهایت به ورشکستگی نظام توزیع می شود جز مراکز فروش لاکچری که سوپر میلیاردرها پر رونق شان را تضمین می کنند.

رویدادهای بیهوی

۱۰ یکی از هم مدرسه ایهای خواهرم خودکشی کرده یه دختر ۱۷ ساله...تا اینجا قابل دارک است، ولی نه به اندازه وقتی که می فهمی این دختر حلوی خودش رو پخته بوده و توی دیس گذاشته بوده....

۱۰ داشتم میرفتم سر کار ، پشت چراغ قرمز به لحظه قیمت دلار رو چک کردم؛ یه لحظه پیش خودم گفتم واقعا الان برا چی دارم میرم سرکار !!!؟ زدم کنار یه ربع همینجوری نشسته بودم تو ماشین و داشتم فکر می کردم الان واقعا باید چکار کنیم؟! واقعا نمی دونیم باید چکار کنیم امید و انگیزه ما رو کشتید....

۱۰ چند سال پیش نزدیک عید که می شد یه قشری که خیلی هم پولدار نبودن ولی هنوز قدرت خرید داشتن، یکی پارچه مبلش رو عوض می کرد، یکی پرده نو می خرید، یکی ملافه های جدید، یکی می رفت دو دست پیش دستی جدید برای پذیرایی از مهمونهاش می گرفت.

۱۰ الان چی؟ الان فقط تلاش برای گرسنه نمودن

۱۰ بیهو تصمیم می گیری کل کشور رو تعطیل کنی، این وسط تکلیف اونیه که چک داره، اونیه که اجاره داره، اونیه که شب عیدی کاسبه و فروش ندره چیه؟ تکلیف مایی که داریم توی این کشور با تورم لحظه ای زندگی می کنیم چیه؟!

۱۰ اگر به جای "کمبود" بگویند "ناترازی"، کمبودها برطرف می شود؛ مگر به جای "فقیر" که گفتند "مستضعف" و بعد شد "محروم" بدتر "اقتدار اسیب پذیر" و حالا شده "دهکهای پایین جامعه"، چیزی از فقر مردم کم شد؟ و اگر به شما فقط بگوئیم "بیب" واقعا فکر می کنید که داریم برایتان بوق می زنیم؟

۱۰ با هیچ کاری نکردن هم می توان ویران کرد، حتما می شود ، به کارنامه چند ماهه دولت پزشکیان نگاه کنید چون هیچ کاری نمی کند همه چیز رو به ویرانی می رود . در ادامه ولی با شتاب بیش تر از دولت قبلی و قبلی تر.

بقیه در صفحه ۴

این مجموعه حرفهای مردم در شبکه های اجتماعی با اندکی ویرایش است.

دارو مثقالی چند؟



۱۰ گوشت، برنج، سیب زمینی و میوه شاید از زندگی مردم حذف شود؛ اما دارو را نمی توان از زندگی بیماران کنار گذاشت. واضح است که این دولت وارث مشکلات گذشتگان است، اما گرانی دارو به هیچ عنوان قابل توجه نیست! آقای پزشکیمان! از بودجه هایی که هیچ توجه ندارد حذف می کردی و دارو را گران نمی کردی.

۱۰ تعداد دیابتیهای کشور از ۶۰۰ هزار نفر در سال ۶۵ به ۱۲ میلیون نفر رسیده است. هنوز نوار تست قند خون جزء بیمه نیست!

۱۰ بایام بیمارستان بود و داروها تو کیف من / داشتم می رفتم بیمارستان، که دوتا موتوری به من حمله کردن و تا خوردم کتکم زدن که کیفو بدم! راستش به خاطر داروهای پدرم مقاومت کردم و نهایتا بردن. خونین و مالین رفتم کلانتری که سرکوپه بود!!! فقط بهم گفتن: برو خداروشکر کن نکشتنت! همین!

۱۰ مامانم سالهاست دیابت داره و یک بسته قرص ۳۰ تاییش (گلوتریو) یهو از ۴۰۰ هزار تومن به حدود ۱ میلیون تومن رسیده. مامانم از شوک قیمتها، وقتی قرصش تموم شد، دیگه نخریدش. تا اینکه پاهاش روم کرد و ما فهمیدیم.

۱۰ خبر کوتاه بود و جانسون؛ قرصی که باید دوساعت قبل از پرتو درمانی بخوره و سفارش دادیم ۸۰ میلیون، زنگ زد گفت! ماده ست، فقط ۱۱۰ میلیون، بفرستم؟

۱۰ کار داره به جایی می رسه که ضعیفها و بیمارها حذف طبیعی بشن. دارو روز به روز گرون تر می شه، درمان تبدیل به عمل شاهانه شده (شاهانه رو جای لاکچری گفتم) خلاصه انتخاب طبیعی قراره نسل ما ایرانیها رو تعدیل کنه احتمالا.

مذاکره و رفع تحریم مخالف یا موافق

۱۰ چون غم نان ندارند، چون نمی دانند چند شیفت کار کنی و همچنان ۳۰ میلیون زیر خط فقر باشی یعنی چه، چون نمی دانند چه درناکه صبح از خواب بیدار شوی و از دیشب فقیرتر باشی، چون نه مستاجرند و نه از افزایش قیمت دارو در رنج!

۱۰ با مذاکره مخالفند چون از مردم نیستند

۱۰ کسانی که می گویند الان وقت مذاکره به هزار دلیل نیست . یادشان می رود بگویند بدیل عدم مذاکره چیست و می خواهند با فقر و فلاکت مردم چه کنند . البته چون خودشان مشکل معیشت ندارند . این بحران دهشتناک به نظرشان آقدر خرد و ریز می آید که ترجیح می دهند آنرا جارو کنند زیر فرشهای نفیس شان.

۱۰ روسیه بعد از جنگ تنها ۳۵ درصد از ارزش پول ملی اش را از دست داد، اما جناب همی در ۴ ماه، بدون جنگ، ۵۰ درصد از ارزش پول ملی را کاهش داد.

دردهای بی درمان

۱۰ آنهایی که دارند ماهی ۱۰۰ میلیون هم حقوق می گیرند بواش بواش دارند به خط فقر نزدیک می شوند. شما که شنا و پارتی دارید و دمتون به دم الیگارشها بسته شده از ماه دیگه رقم را بالاتر ببر که دیگه نمی صرفه!

۱۰ خروجی سیستمی که دلار زده ها برنامهش رو ریختن همین میشه! برنج رو تنی ۳۰۰ دلار گران وارد کردند و حداقل ۱۴۰۰ میلیارد تومان هزینه به کشور تحمیل کردند! ۶۰ هزار تن برنج تقلبی وارد کشور کردند! ۵۵۰۰ تن لاشه گوسفند فاسد هم پیدا شده!

۱۰ دیگه چیزی از ته دل خوشحالمون نمیکنه، جوونیمون دود شد رفت هوا، کوچکتترین خاسته هامون به بزرگترین رویاهامون تبدیل شده.

با مردم در شبکه های اجتماعی

بقیه از صفحه ۳

دایه گیان

ماموستا شه ریف*

دایه گیان بگری له سه ر خاکم که وا شینم ده و زور بگری ئ دایه گیان فرم ئسکی خوئینیم ده وئ من گولی سه دی ااره زووی ژینم له خاکا خه وتووه خاکی مه یدانی خه بات په نگینی خوئی من بووه دامه نیشه دایه گیان بؤ هانتی من چاوه پئچ دلنیا به به سه تی بؤ ده نگی ده رگا مه گره گوئ دایه گیان سوئندم به فرم ئسکی گه ش و یئشی دلت دایه گیان سوئندم به چه ور و مه بنه تی بئ حاس لت من ده مئ که چه رگی سووتاندوم هه ناسه ی سه ردی گه ل دلنپری کردوم خه می ده سکورتی و په نگی زه ردی گه ل من کوری کوردی شه هیدی پئی خه باتم دایه گیان کؤتری خوئینی په ری باخی ولاتم دایه گیان من له شاری خؤم غه ریب و بؤ هه موو بئ گانه خوم کؤتری کوژراوی پئی گای لانه خوم بئ لانه خؤم دایه گیان بگری له سه ر خاکم که وا شینم ده وئ زور بگری ئ دایه گیان فرم ئسکی خوئینیم ده وئ

مادر جان

مادرم گریه کن بر مزارم زار که اینک زاری رواست ؛ فراوان گریه کن مادرم، سرشک خونینت رواست ؛ گل صد ارزوی زندگی من در زیر خاک خفته است ؛ خاک میدان مبارزه به خون من رنگین گشته است ؛ مادر جان چشم براه بازگشت من منشین ؛ مطمئن باش که دیگر بس است.. گوش به صدای در منشین ؛ مادر جان به اشک خونینت و به درد دلت قسم ؛ مادر جان به تلاش و رنج بی حاصلت قسم ؛ اه سرد ملت مدمت هاست که جگرم را سزاندند است ؛ غم دست تنگی و زرد ملت مدمت هاست ؛ مادر جان من فرزند کورد شهید راه مبارزه هستم ؛ مادر جان کیوتر خونین پر باغ ملت هستم ؛ مثل لیل بیگانه، دل پر از ناکامی و ناخوشی، از این همه دست دستی نبود که بیاید و دستم را بگیرد من در شهر خود غریبم و با همه بیگانه ام کیوتر شهید راه لانه ام که بی لانه ام ؛ مادرم گریه کن بر مزارم زار که اینک زاری رواست ؛ فراوان گریه کن مادرم، سرشک خونینت رواست ؛ مادر جان ان دختری که میخواستی عروس تو شود؛ خودت را نشان بده تا به امید من نباشد تا خودش ببیند که سرتا پا سیاه پوشیده ای شاید هم برود و من را از یاد ببرد ؛ مادرم گریه کن بر مزارم زار که اینک زاری رواست ؛ فراوان گریه کن مادرم، سرشک خونینت رواست

*این شعر را ماموستا شه ریف؛ در سوگ جوانان کردی سروده که در سال ۵۸ به دست رژیم اعدام شدند. این شعر در همایش پنجاه و چهارمین سالگرد رستاخیز سیاهکل به وسیله رفیق صتم خوانده شد.

*دوره ی بعدی ریاست جمهوری اگر یک میلیون نفر برای انتخابات ثبت نام کنند، هیچ تعجبی ندارد. کشور داری اینقدر راحت بود و ملت خبر نداشتند؟ بدون دانش رییس جمهور بشی. هیچ کاری نکنی. کشور رو هفتگی تعطیل کنی. بدون کمترین نظارتی توسط مجلس و قوه قضاییه.



کوروش کمپانی را یادتون میاد

*حداقل ۶۳ هزار میلیارد تومان، معادل ۸.۵ تن طلا در پلنفرم های آنلاین خرید/فروش طلا خالی_فروشی شده. ۶۴ برابر بزرگتر از کوروش_کمپانی ۱۰ میلیون نفر رفتند از این سایت های فروش طلا، طلا خرید کردند، طلاشونو خواستند و سایت نداشته بده و شکایت کردند، می دونم خاطرات یه سری زنده میشه ولی مجبورم کوروش کمپانی رو یادآوری کنم.

چی بخوریم؟ کجا بریم؟

*نه صداسیما کی مخاطب بودجه اش واقعی میشه/ نه بودجه به نهادهای دینی و مذهبی بدون خروجی قطع میشه/ نه مازوت سوزی متوقف میشه/ نه ناترازی انرژی سروسامان میگیره و نه... کلا فرقی هم نداره کی رییس جمهور باشه، یکی از سیاستهای کلی نظام دهن کجی به خواسته مردم است.

*بلیط سینما هم ۱۰۰ هزار تومان شد! یعنی رفتن یک خانواده به سینما با ساندویچ کالباس و چیپس و پفکش یک میلیون تومان آب خواهد خورد. این زندگی هست که برای مردم ساختند و دم از مقاومت و قله هم می زنید.

*روزی ۱۷ میلیون لیتر بنزین و گازوییل به کشور واردات میشه و روزی ۳۰ میلیون لیتر بنزین و گازوییل از کشور قاچاق میشه! ظاهراً قاچاقچیان خیلی گردن کلفتن و جلو قاچاق رو هم نمی تونن بگیرن، دولت بیاد از قاچاقچیهامون مستقیم بنزین رو بخره حداقل ارزونتر بیفته براش *برنجی رو که همین سه چهار ماه پیش میخریدم کیسه ای ۷۹۰ تومن الان رفتم گفت شده یک میلیون و هشتصد. پولم نرسید برنجم رو عوض کردم به برنج ارزونتر گرفتم.

*دو هفته پیش بلیط اتوبوس از رامسر به تهران گرفتم ۳۹۰ هزار، امروز گرفتم ۴۴۰ هزار، حقوق من مگه اضافه شده؟ مگه دستمزدها اضافه شده؟

توروخدا اقتصادی که مال خره بدین به همون خر ادارهش کنه، بخدا بهتر عمل می کنه. *سراغ هرچی که میری بخری قیمتش شده خدادنومن!!! رفتم چایی بخرم کیلو ۸۰۰ هزار تومان!!! آقا چه خبرتونه؟ به کجا داریم میریم؟ هنوزم دست از توهم نمی خوایید بردارید؟ *امروز «یک میلیارد دلار» از صندوق توسعه ملی نسبه گرفتند تا از هفته آینده کوپن به مردم بدهند برای زنده ماندن.. سلام به مقاومت اجباری و زندگی کوپنی با گوشت برزیلی و صف های مرغ یخ زده..حکومت فلج!

اون بالا چه خبره؟

*بزودی خونبازی مافیها برای حذف برخی از مهره های کلیدی نظام شروع می شود. شکاف درون نظام برای تصاحب قدرت است. حداقل ۵ باند مافیایی برای تصاحب قدرت در تلاشند. اگر مردم نظاره گر باشند، قدرت بین گرگها دست به دست می شود.

*وقتی می گویم ج اسلامی عامل نابودی ایران و آبادی همسایه هاست یعنی این! قسمت بزرگی از صادرات کشور امارات RE exports یا صادرات مجدد به ایران! و سایر کشور هاست!

چرا ج اسلامی تحریم دوست داره؟ چون انگله زاده ها در دبی دفتر دارند و کالای وارداتی را در آنجا به بهانه تحریم تحویل می گیرند و با ۴ برابر قیمت به ایران صادر می کنند!!!!!! در حالت عادی کشور کوچک و کویری امارات متاعی برای ارایه ندارد .

پیش بینی دقیق:

*بیانیه اژانس/ تحریم بیشتر/ مکانیسم ماشه/ بمباران/ کوپن برای ۶۰ میلیون و سپس همه جیره بندی برق آب گاز/ گرانی و گرانی/ از بین رفتن کاسبیها از پایین به بالا/ افزایش نیروهای نظامی و امنیتی و بودجه هاشون/ شعار شعار رجز رجز/ مقصر دانستن ملت و دولت از بوقها کوباییزه شدن و تمام.

چالشهای معلمان (بهمن ۱۴۰۳)

فرنگیس باقره

حکومت مسئول مرگ دلخراش دانش آموزان دختر نخبه کرمانی



با تاسف بسیار، روز پنجشنبه هجدهم بهمن، در پی واژگونی اتوبوس حامل دانش آموزان دختر در مسیر سیرج به کرمان، شش دانش آموز جان خود را از دست داده و دستکم ۱۵ نفر دیگر زخمی شدند.

این حادثه بار دیگر عمق فاجعه بار مشکلات زیرساختی را به تصویر می‌کشد؛ جاده‌های غیر استاندارد و خودروهای ناایمن، نشانه‌هایی از ناکارآمدی و بی توجهی رژیم ضد مردمی حاکم به جان و سلامت مردم هستند.

پس از حادثه تلخ واژگونی اتوبوس حامل دانش آموزان کرمانی، خانواده‌های داغدار با فریادهای خشم و اعتراض، علی رضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش را محاصره کردند. در حالی که درد از دست دادن عزیزانشان هنوز تازه بود، والدین دانش آموزان از بی‌کفایتی مسئولان در تأمین امنیت فرزندان شان اعتراض کردند. رسانه هم میهن در شماره روز شنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۳ از سفر مرگبار دانش آموزان کرمانی خبر داد و در همین روز ستاره صبح نوشت: «تکرار اردوی مرگ؛ مرگ روزانه پنج دانش آموز در تصادف. مرگ دانش آموزان دختر نخبه کرمانی دبیرستان استعدادهای درخشان کرمان و تراژدی مرگ و فریاد خواهر یکی از جانب‌اختگان حادثه اتوبوس دانش آموزی، بر سر وزیر آموزش و پرورش. توسعه ایرانی در روز یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ نوشت: «چند دانش آموز؛ دانشجوی؛ کارگر و ۰۰۰ باید قربانی تصادف مرگبار شوند تا مسئولان به صرافت بیفتند؟ تکرار تراژدی حوادث ناوگان فرسوده جاده ای.»

رسول بدایق از زندان اوین آزاد شد



روز یکشنبه ۱۴ بهمن ماه، رسول بدایق، فعال صنفی فرهنگیان به صورت مشروط از زندان اوین آزاد شد.

رسول بدایق، بازرس کانون صنفی معلمان، در فروردین ۱۴۰۱ توسط شعبه ۲۶ بیدادگاه انقلاب تهران از بابت به اتهام «اجتماع و تبانی» به چهار سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شد. در خرداد همان سال، این حکم توسط دادگاه تجدیدنظر استان تهران تأیید شد.

روز جمعه ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۳ جمعی از فرهنگیان، فعالان صنفی، سیاسی و اجتماعی، همچنین خانواده‌های دادخواه و هم بندیهای سابق با رسول بدایق که به تازگی از بند ستم آزاد شده و خانواده ایشان که ایستادگی و استقامت را معنایی راستین بخشیدند، دیدار کردند.

حسین واحدی به حبس محکوم شد

حکم یک سال حبس حسین واحدی (داریوش اشکانی)، از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی، توسط شعبه دوم بیدادگاه تجدیدنظر این استان عیناً تأیید شد.

بر اساس حکمی که اخیراً توسط شعبه دوم بیدادگاه تجدیدنظر استان خراسان شمالی صادر و به آقای واحدی ابلاغ شده است، وی در خصوص اتهام تبلیغ علیه نظام به تحمل یک سال حبس محکوم شده است. در دی ماه سال جاری، حسین واحدی توسط شعبه یک بیدادگاه انقلاب بجنورد از بابت اتهام مذکور به یک سال حبس محکوم شده بود.

حسین واحدی (داریوش اشکانی)، بازرس انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان شمالی، پیشتر نیز سابقه برخوردهای قضایی و محکومیت داشته است.

دیوان عدالت اداری اعتراض محمود صفدری را رد کرد

شعبه ۳۱ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، حکم کاهش رتبه شغلی محمود صفدری، فعال صنفی معلمان، به مدت یک سال را تأیید کرد.

شعبه ۳۱ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری ضمن رد اعتراض آقای صفدری، حکم تقلیل یک گروه به مدت یک سال این فعال صنفی معلمان را تأیید کرده است.

این فعال صنفی معلمان، در تاریخ ۱۹ تیرماه سال جاری، توسط هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان استان خراسان شمالی از بابت اتهام نشر اکاذیب (انتشار مطلبی در صفحه توئیتر) به تقلیل یک گروه به مدت یک سال، محکوم شد. وی در خردادماه امسال با دریافت ابلاغیه ای به این مرجع احضار شده بود.

محمود صفدری، فرزند اسفندیار، ساکن شهرستان بجنورد، متاهل و از اعضای شورای مرکزی سازمان معلمان ایران و همچنین مسئول شورای استانی این تشکل در خراسان شمالی است. او پیشتر نیز از بابت فعالیت های خود، سابقه بازداشت و محکومیت را داشته است.

تداوم اعتصاب معلمان خرید خدمات و حق التدریس در شهرستان راسک



روز دوشنبه ۱ بهمن، شماری از معلمان خرید خدمات و حق التدریس در شهرستان راسک برای دومین روز متوالی از فعالیتهای خود روزانه خود امتناع کرده و دست به اعتصاب زدند.

معلمان در اعتراض به ۱۱ سال بلاتکلیفی، عدم پرداخت حقوق معوقه چهار ماهه و نداشتن بیمه، بلاتکلیفی در وضعیت شغلی،

نداشتن امنیت شغلی و وعده‌های مکرر عمل نشده، دست به اعتصاب زده اند. اما هر سال با وعده‌های واهی مسئولان مبنی بر تبدیل وضعیت، ما را به سکوت وادار کردند. این در حالی است که موسسات با پول ما معلمان به منافع خود رسیدند و سفرهای رئیس جمهور و وزرا نیز نتیجه ای جز گفتن «این طرح پول زیادی می‌خواهد» نداشته است.

معلمان با شعار «نه تسلیم، نه سازش، استخدام بی خواهش» اعتراض خود را به این وضعیت اعلام کردند و خواستار رسیدگی فوری و عملی شدن وعده های مسئولان برای تبدیل وضعیت و بهبود شرایط کاری خود شدند.

بقیه در صفحه ۲

رویدادهای هنری ماه (بهمن ۴۰۳)

ممنوعیت حضور شروین حاجی پور در تجمعات بیش از ۳۰ نفر



به شروین حاجی پور، خواننده تیتراژ فیلم «پسر دلفینی ۲»، اجازه حضور در اولین نمایش عمومی این فیلم داده نشد و یکی از عوامل فیلم خبر داد که حضور این خواننده معترض در تجمعات بیش از ۳۰ نفر ممنوع اعلام شده است.

برنامه اولین نمایش عمومی فیلم انیمیشن «پسر دلفینی ۲» قرار بود روز جمعه سوم اسفند در سالن برج میلاد تهران برگزار شود اما پس از تأخیری دو ساعته، سرانجام نسخه قدیمی و با کیفیت پایین این فیلم به نمایش در آمد که صدای شروین حاجی پور در آن نبود.

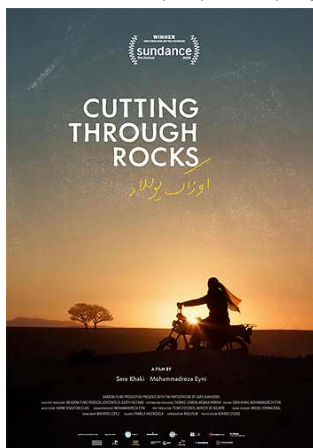
بشیر بی آزار، مدیر بخش موسیقی تیتراژ این فیلم، در اینستاگرام خود نوشت که اداره اماکن به دلیل «ممنوعیت حضور شروین در تجمعات بالای سی نفر» مجوز حضور او در این برنامه را نداد.

منبع صدور این ممنوعیت روشن نیست و مقامهای قضایی جمهوری اسلامی نیز تاکنون درباره این خبر اظهار نظری نکرده‌اند.

محمدامین همدانی، تهیه‌کننده این فیلم انیمیشن، هم در محل نمایش به تماشاگران توضیح داد که باوجود مجوزهای لازم، اجازه پخش نسخه نهایی فیلم داده نشد.

سینما

سه فیلمساز ایرانی از جشنواره ساندنس آمریکا جایزه گرفتند



فیلم «راه‌های دور» ساخته سارا خاکی و محمدرضا عینی جایزه بهترین مستند بخش سینمای جهان در چهل و یکمین دوره جشنواره «ساندنس» در آمریکا را به دست آورد و یک فیلمساز ایرانی دیگر در بخش داستانی جایزه برد.

این جشنواره معتبر که یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمای مستقل آمریکا و جهان است، شامگاه جمعه ۱۲ بهمن مراسم اهدای جوایز بر گزار کرد اما نمایش فیلمها تا روز یکشنبه ادامه خواهد داشت.

«راه‌های دور» که محصول مشترک ایران، ترکیه، آمریکا و آلمان است، درباره سارا

شاهوردی، نخستین عضو شورا در روستایی اطراف زنجان است که می‌کوشد به دختران نوجوان موتورسواری آموزش دهد و از ازدواج آنها در سن پایین جلوگیری کند و به همین دلیل با مشکلاتی مواجه می‌شود.

از سوی دیگر، علیرضا خاتمی، کارگردان ایرانی، با فیلم جدیدش «چیزهایی که می‌کُشی» توانست جایزه بهترین کارگردانی بخش سینمای داستانی جهان را به دست آورد.

فیلم قبلی آقای خاتمی، «آیه‌های زمینی»، که به شکل مشترک با علی عسگری ساخته شده بود، سال ۱۴۰۲ در بخش «نوعی نگاه» جشنواره کن به نمایش درآمد بود و او فیلم جدید خود را در ترکیه و حضور بازیگران این کشور ساخته است.

فیلمهای برگزیده جشنواره ساندنس

در مراسم اختتامیه جشنواره ساندنس چهل و یکم فیلم «آتروپیا» جایزه بزرگ داوران در بخش فیلمهای داستانی آمریکایی را برد و «بی‌همتا» ساخته «دیلام اوبراین» توانست جایزه فیلم منتخب تماشاگران را به دست آورد.

جایزه بهترین فیلم داستانی سینمای جهان نیز به «انجیرهای تیغ‌دار» از هندوستان اهدا شد. بقیه در صفحه ۷

هنر مقاومت

تازه‌ترین نمایندگان سینمای زیرزمینی ایران در جشنواره روتردام



همزمان با برگزاری جشنواره حکومتی فیلم فجر در ایران، جشنواره فیلم «روتردام» که از رویدادهای معتبر سینمایی اروپا است، با نمایش چند فیلم از جریان سینمای غیررسمی ایران برگزار شد.

در این جشنواره از جمله دو فیلم جدید ایرانی به نمایش درآمد که بدون رعایت سانسور حجاب اجباری بازیگران زن و بدون دریافت مجوزهای مرسوم فیلمسازی در جمهوری اسلامی در داخل ایران تولید شده بودند. این فیلمها تازه‌ترین محصولات جریانی هستند که به‌ویژه در دو سال اخیر به نمایندگان اصلی سینمای ایران در رویدادها و جشنواره‌های مهم بین‌المللی تبدیل شده‌اند.

فیلم «سان‌شاین اکسپرس» ساخته امیرعلی نوایی در بخش مسابقه جشنواره روتردام به نمایش درآمد. داستان این فیلم درباره گروهی است که می‌پذیرند در یک مسابقه واقع‌نما، مسافر یک قطار خیالی در داخل یک استودیو شوند با این شرط که هرچه به آنها گفته شود را بپذیرند.

بابک کریمی، محمد عاقبتی، سجاد حمیدیان، سام نخعی، شایسته سجادی، آزاده سیفی، کیانا کرماتیان، مهوش افشارپناه و آرش نعیمان از بازیگران این فیلم هستند که به نوشته وب‌سایت جشنواره روتردام «اثر استعاری فاخری در بررسی این موضوع است که چگونه ساختارهای تمامیت‌خواه موجودیت خود را از طریق همدستی جمعی حفظ می‌کنند».

فیلم بلند دیگر ایرانی نمایش داده شده در روتردام با نام «جماعت» در بخش «آینده روشن» اکران شد.

این فیلم درباره گروهی دختر و پسر جوان از نسل معروف به زد (Z) است که می‌خواهند یک مهمانی شبانه به‌مناسبت سفر یکی از دوستان‌شان به خارج از کشور برپا کنند.

در این فیلم هم بازیگران زن حجاب ندارند و شیوه پرداخت و بیان فیلم بسیار صریح و بی‌پروا است. این فیلم ساخته سهیل کبیری است که پیشتر تجربه ساخت چند فیلم کوتاه داشته است. کیوان محمدی، راضیه منصوری، شجاع گیاهی، باسط رضایی، رامبد مطلبی و درسا شیرازی از جمله بازیگران این فیلم هستند.

افزون بر این دو فیلم جدید، «دانه انجیر معابد» ساخته محمد رسول‌اف هم که نامزد دریافت جایزه اسکار در رشته بهترین فیلم بین‌المللی شده، به‌صورت ویژه با حضور سازنده‌اش در جشنواره روتردام به نمایش درآمد.

حسین علیزاده اجازه مصادره خود توسط جشنواره حکومتی را نداد



حسین علیزاده، آهنگساز و نوازنده نامدار موسیقی اصیل ایرانی، به جشنواره موسیقی فجر به‌دلیل بزرگداشت او و تقدیم اجراهای شب ۲۵ بهمن‌ماه به او اعتراض کرد.

علیزاده در بیانیه‌ای گفت: «همه افتخارم در موسیقی ایران همواره

عدم حضور در جشنواره موسیقی فجر بوده است؛ این جشنواره فرمایشی‌ست، نه هنری و نه در حد و اندازه هنر».

علیزاده افزود: «من از هرگونه بزرگداشت از طرف ارگانهای حکومتی بی‌نیاز هستم و پیوسته سیاست‌گذار مردم آگاهی‌ام که بی‌دریغ پشتیبان هنر و هنرمندان در هر شرایطی بوده‌اند».

حسین علیزاده همواره منتقد وضعیت موسیقی ایران بوده و مسوولان حکومتی را از عاملان اصلی این وضعیت دانسته است.

رویدادهای هنری ماه

متفرقه

بقیه از صفحه ۶

اعتراض هنرمندان علیه حراج آثار هنری تولید شده توسط هوش مصنوعی



خانه حراج «کریستیز» در نیویورک قصد دارد ۲ اسفند/۲۰ فوریه برای نخستین بار به‌طور انحصاری آثاری را به حراج بگذارد که با کمک هوش مصنوعی خلق شده است. هنرمندان از نقض حقوق مالکیت معنوی شکایت کرده‌اند و خواستار لغو این حراج شده‌اند.

در نامه سرگشاده ۳۴۰۰ هنرمند آمده است که مدل‌های هوش مصنوعی، با استفاده از آثار هنری آموزش داده شده‌اند، بدون اینکه برای آثار تحت حمایت قانون کپی‌رایت هزینه‌ای پرداخت شده باشد.

این هنرمندان گفته‌اند که کریستیز به چنین «سرقت گسترده‌ای» پاداش می‌دهد و انگیزه‌های بیشتری برای چنین اقداماتی ایجاد می‌کند.

کریستیز از این حراج دفاع کرده و گفته است که از هوش مصنوعی تنها به‌صورت کنترل شده استفاده شده و عموماً فقط با آثار هنرمندان خاصی به آنها آموزش داده شده است.

این حراج آنلاین با عنوان «هوش افزوده» شامل ۲۰ اثر از هنرمندانی مانند «رفیک انادول»، «کلر سیلور» و «مت درایپرست» است که شامل مجسمه‌ها، نقاشی‌های رنگ روغن و کارهای مرکبی می‌شود.

هنرمندان خواستار لغو محدودیتهای ترامپ از بنیاد ملی هنر شدند



تلاش دونالد ترامپ برای تاثیرگذاری بر نهادهای فرهنگی ایالات متحده با واکنش بیشتری مواجه شد. گروهی متشکل از بیش از ۴۰۰ هنرمند در نامه ای به «بنیاد ملی

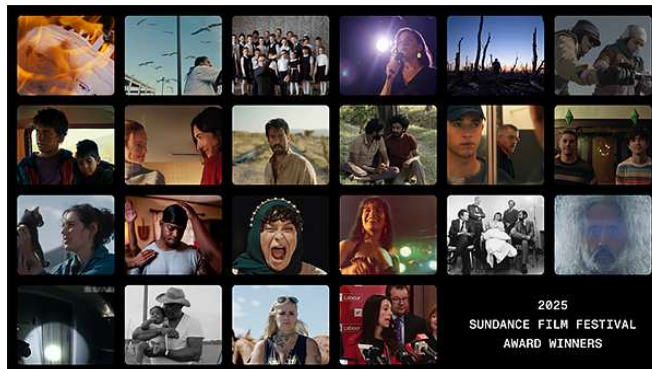
هنر» (NEA) از این سازمان خواستند تا در برابر محدودیتهای رییس جمهور در مورد بودجه پروژه های ترویج تنوع یا «ایدئولوژی جنسیتی» مقاومت کند.

این نامه که برای اولین بار توسط «نیویورک تایمز» منتشر شد، پس از آن نوشته شده که NEA اعلام کرد متقاضیان کمک هزینه فدرال - که شامل کالجها و دانشگاه ها، گروه های غیرانتفاعی، هنرمندان فردی و غیره می شود - باید از مقررات مندرج در دستورات اجرایی ترامپ پیروی کنند. اقدامات جدید بودجه فدرال را از رفتن به سمت برنامه های متمرکز بر «تنوع، برابری و شمول» یا استفاده برای «ترویج ایدئولوژی جنسیتی» منع می کند.

در این نامه آمده است: «در حالی که جامعه هنری در همبستگی با NEA ایستاده است، ما با این خیانت به مأموریت بنیاد برای «پرورش و حفظ محیطی که در آن هنر به نفع همه در ایالات متحده باشد» مخالف هستیم.»

در ادامه آمده است: «ما می دانیم که همکاران ما در NEA در موقعیت دشواری قرار دارند. شاید امید این است که با دست زدن به این سازشها، بنیاد بتواند به کار مهم خود ادامه دهد. اما رها کردن ارزشهایمان اشتباه است و از ما محافظت نمی کند. اطاعت، فقط اقتدارگرایی را تقویت می کند.»

(منابع: رادیو زمانه، جنگ خبر، دیده بان ایران، رادیوفرده، گاردین)



در بخش سینمای مستند نیز «مستیسلاو چرنوف»، روزنامه‌نگار و مستندساز برنده اسکار، با «دو هزار متر تا آندریوکا» که روایتی از جنگ اوکراین است، جایزه بهترین کارگردانی را برد. جشنواره ساندنس که بنیانگذار آن «ابرت ردفورد»، بازیگر و کارگردان سرشناس آمریکایی، است، طی بیش از چهار دهه اخیر محل کشف استعدادها و فیلمسازان جدید آمریکا و سینمای جهان بوده است.

تشکیل پرونده قضایی برای مرضیه برومند و رضا بابک به اتهام فحش در دست



افتتاحیه چهل و سومین دوره جشنواره حکومتی فیلم فجر با یک حرکت مقاومت مدنی از سوی دو هنرمند همراه بود. قوه قضاییه در واکنش به آن در اطلاعیه ای اعلام کرد: «در پی انجام این اقدام خلاف عرف، در همان روز علیه این

افراد پرونده قضایی در دادسرای عمومی و انقلاب تهران تشکیل شده و روند دادرسی این پرونده طی روزهای گذشته انجام شده است.»

نژادپرستی بخت بزرگ اسکار را به حاشیه برد



توییتهای قدیمی و نژادپرستانه منتشر شده از سوی «کارلا سوفیا گاسکون»، بازیگر فیلم «امیلیا پرز» محصول «تنتلیکس» که نامزد ۱۳ جایزه اسکار شده است، به جنجالی گسترده و تغییر کمپین جوایز این فیلم منجر شده است.

این بازیگر در توییتهای خود از جمله نوشته است که اسلام با «ارزشهای اروپایی» ناسازگار است و اسکار شبیه یک «جشنواره آفریقایی-کره ای» است. او همچنین «جورج فلویید» را یک «معتاد و ولگرد» توصیف کرده است.

فیلم سینمایی «امیلیا پرز» محصول تنتلیکس موفق شد ۱۳ نامزدی اسکار از جمله بهترین بازیگر زن (گاسکون)، بهترین کارگردان (اودیبار)، بهترین بازیگر نقش مکمل زن (زویی سالدانا)، فیلمنامه اقتباسی، موسیقی متن، چهره‌پردازی، فیلمبرداری و بهترین فیلم را کسب کند. همچنین، این فیلم نماینده فرانسه در بخش بهترین فیلم بین‌المللی است و بیشترین تعداد نامزدی را در میان فیلمهای غیرانگلیسی زبان در اسکار امسال دارد.

تنتلیکس که تهیه کننده این فیلم است، کمپین تبلیغاتی برای بردن جایزه اسکار «کارلا سوفیا گاسکون» را متوقف کرده است. همچنین تنتلیکس حاضر نیست او در مراسم جوایز پیشرو حضور پیدا کند. این مراسم شامل اهدای جوایز انتخاب منتقدان، انجمن تهیه‌کنندگان آمریکا و سانتا باربارا می‌شود.

دانشگاه در ماهی که گذشت (بهمن ۱۴۰۳)

کامران عالمی نژاد

سختگویی اورژانس استان تهران روز شنبه شمار دختران دانشجوی مسموم شده در خوابگاه دانشگاه پیشوا را ۸۰ نفر اعلام کرد و از انتقال تعدادی از آنها به بیمارستان شهید مفتاح، ۱۵ خرداد و شهید ستاری ورامین خبر داد. به گفته شروین تبریزی سختگویی اورژانس استان تهران دانشجوی معلمان دانشگاه فرهنگیان ورامین دچار مسمومیت غذایی شده اند و ۵۸ نفر از این دانشجویان مسموم شده به بیمارستان منتقل شدند.

اعتصاب غذای تر خشایار سفیدی

خشایار دانشجوی اخراجی دانشگاه هنر تهران و زندانی در زندان اوین، از روز یکشنبه ۷ بهمن ۱۴۰۳، در اعتراض به انتقال مهدی حسنی و بهروز احسانی دو هم‌زندانی محکوم به اعدام خود به زندان قزلحصار، اعتصاب غذای تر کرده. همچنین زندانیان بند ۴ زندان اوین نیز در اعتراض به این امر، اقدام به تحصن و شعاردهی علیه حکومت کرده بودند.



نه به اعدام به مثابه نه به اساس جمهوری اسلامی است

روز سه شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۳، مطهره گونه ای دانشجوی تعلیقی دندانپزشکی از دانشگاه علوم پزشکی تهران و از دانشجویان فعال انقلاب زن-زندگی-آزادی که هم‌اکنون در حال سپری کردن دوران حبس ۱ ساله خود در اوین است به مناسبت اولین سالگرد کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام در نامه‌ای از اوین نوشته:



یادداشت مطهره گونه‌ای از زندان اوین: نه به اعدام به مثابه نه به اساس جمهوری اسلامی است

در سالگرد کارزار گسترده و فراگیر «سه شنبه‌های نه به اعدام» که از سوی زندانیان

سیاسی در زندان قزلحصار و با همراهی بند زنان اوین آغاز شد و هم‌اکنون به بسیاری از زندانهای سراسر کشور رسیده است، دهها نفر از زندانیان، در خطر اجرای حکم قتل حکومتی به اتهام «بغی» هستند.

... مردمی که از سرکوب و خسوت سیستماتیک روزافزون در ساختهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برند و از خشم بی‌امان، در برابر «اساس» جمهوری اسلامی قد علم می‌کنند، مرتکب بغی نشده‌اند.

... از قضا «باغی»، همین حکومت جائر و مستبد دینی است که در مقابل اعتراض و مطالبه به حق مردم جان به لب رسیده، آتش خشم و کینه و انتقام می‌گشاید و برای بقای سیاسی خود، با صف آرای نیروهای سرکوبگر و آتش به اختیار «فضای رعب و وحشت و ناامنی» را در جامعه استیلا می‌بخشد و برای مقابله با تهدید و تضعیف بنیان پوشالی خود، از به کار بردن هر دستاویز غیرانسانی برآمده از «اسلام فقاهتی شیعی» و به نام «مصلحت امت اسلامی» هیچ ابایی ندارد.

... بنابراین امروزه شعار «نه به اعدام» به منزله مخالفت و «نه» به تمامیت ساختار و «اساس» جمهوری اسلامی است که باید نقطه ثقل و اتکا برای اشتراک فکری گروههای مختلف و متکثر و جامعه مدنی در راستای همبستگی هر چه بیشتر شود...

تجمع تعدادی از داوطلبان کنکور ارشد مقابل سازمان سنجش

روز چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳، تعدادی از داوطلبان کنکور ارشد و دکتری در اعتراض به موکول نشدن زمان آزمون به بعد از عید نوروز مقابل سازمان سنجش تجمع کردند. آنها خواستار تغییر زمان کنکور ارشد و دکتری هستند.

در این برنامه، بیانیه‌ای توسط یکی از حاضران خوانده شد که بخشهایی از آن بدین شرح است: ... ما جمعی از داوطلبان ارشد و دکتری ۱۴۰۴، هفت هاست که در تلاشیم برای برقراری

بقیه در صفحه ۹

اعتراض دانشجویان به صدور حکم اعدام



روز سه شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۳، تعدادی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس گرد هم آمده و با انتشار بیانیه‌ای همبستگی خود با کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام اعلام کرده و صدور حکم غیرانسانی اعدام را محکوم کردند. در بخشهایی از این بیانیه آمده:

... نیک می‌دانیم که حاکمیت برای بقای خود و حفظ منافع مشترک اقلیت

حامی خود، با بهره‌گیری از ایدئولوژی، مجازاتهای اسماً قانونی را وضع می‌کند و به نام «قانون» جنایتش را علیه شهروندان مشروع جلوه می‌دهد. اعدام یکی از این مجازاتهاست: پیام‌آور رعب و وحشت که فلسفه وجودی آن چیزی نیست مگر سرکوب توده مردم. آموخته ایم که آنچه دولت‌های جبار و خودکامه را نگاه می‌دارد (هرچند نه تا ابد) سیطره رعب و ترس است. این است که توسل به جوخه‌های اعدام در نظام‌های سیاسی خودکامه و استبدادی عادی دیرینه است و در جمهوری اسلامی با بهانه‌های مختلف: گناه به اسم «امنیت»، گناه به نام عدالت.

... اما آنچه باید به حکومت مستبد آموخت این است که منشأ قانون خواست و اراده مردم است نه اراده حاکمان. اعدام نفی حق حیات انسان به دست خونخواه حکومت است و «زن، زندگی، آزادی»، در گام نخست، پاسداشت زندگی است و کوتاه کردن بازوان این قدرت مسلط در گرفتن حق زیست شهروندان است.

ما دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، در همراهی با کارزار «سه شنبه‌های نه به اعدام» زندانیان سراسر کشور، آمده ایم تا اعلام کنیم در برابر اعدام، این حکم غیرانسانی و بربرگونه، تمام قد ایستاده‌ایم...

تجمع داوطلبان آزمونهای کارشناسی ارشد و دکتری در تهران

روز پنجشنبه ۴ بهمن ۱۴۰۳، گروهی از داوطلبان آزمونهای کارشناسی ارشد و دکتری در مقابل ساختمان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. تجمع این دانشجویان و داوطلبان کنکور در اعتراض به زمان برگزاری آزمونهای کارشناسی ارشد و دکتری مقابل ساختمان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تهران، صورت گرفته است. آنها خواستار تغییر زمان برگزاری آزمون مذکور هستند.

این داوطلبان در این خصوص اظهار کردند: از سال ۱۳۹۴ به دلیل سرمای هوا و شرایط نامساعد جوی کنکور کارشناسی ارشد به اردیبهشت ماه موکول شد. این رویه سبب شد که دانشجویان از فرصت تعطیلات نوروز حداکثر بهره را برای جمع بندی مطالب ببرند اما در حال حاضر این آزمون را به اسفندماه موکول و با آزمون دکتری همزمان کردند. این در حالی است که به دلیل شرایط جوی برگزاری آزمون در زمستان بسیار سخت می‌باشد.

مسمومیت دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان پیشوا



روز جمعه ۵ بهمن ۱۴۰۳، تعدادی از دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان پیشوا دچار مسمومیت شدند. بر اساس مشاهدات عینی در پی این حادثه بیش از چهار آمبولانس برای انتقال دانشجویان مسموم شده به مراکز درمانی اعزام شده است.

هنوز دلیل این مسمومیت مشخص نیست، اما یکی از دانشجویان در این خصوص گفت: این مسمومیت به دلیل وعده غذایی ظهر رخ داده است.

لازم به ذکر است، در دی ماه ۱۴۰۳ نیز تعدادی از دانشجویان دانشگاه بهشتی و دانشگاه تهران نیز به دلیل مسمومیت غذایی راهی بیمارستان شده‌اند!

تجمع داوطلبان آزمونهای ارشد و دکتری در تهران

روز یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۳، تعدادی از دانشجویان که داوطلب شرکت در آزمونهای کارشناسی ارشد و دکتری سال ۱۴۰۴ هستند، مقابل ساختمان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تهران تجمع کردند.

آنها خواستار اصلاح و تغییر زمان آزمونهای مذکور هستند شده و خواهان تحقق عدالت و رسیدگی به مطالبات خود هستند.

لازم به ذکر است، پیشتر نیز این دانشجویان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان در مقابل ساختمان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی تهران، تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند.

«فکر می‌کردیم دزد و کلاهبردار و خلافکار و اختلاسگر زندان می‌ره»



محمد استاد اخراجی دانشگاه بیرجند، از روز چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۳، جهت اجرای حکم حبس ۷ ماهه خود از بابت اتهامات تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب در فضای مجازی، بازداشت و به زندان همدان منتقل شد.

وی در ویدیویی قبل از بازداشت می‌گوید:

«وقتی بچه بودیم، فکر می‌کردیم دزد و کلاهبردار و خلافکار و اختلاس‌گر زندان می‌ره، حالا من استاد دانشگاه با ۱۳ سال سابقه می‌رم...»

او پیشتر در پی پرونده سازی اداره اطلاعات خراسان جنوبی مبنی بر حمایت از انقلاب زن-زندگی-آزادی و باور به اهل سنت، از دانشگاه اخراج شده بود.

تجمع دانشجویان رشته های پزشکی دانشگاه آزاد

روز پنجشنبه ۱۸ بهمن برای چندین بار، دانشجویان رشته های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی دانشگاه آزاد برای اعتراض به افزایش ۲۰۰ درصدی شهریه دست به تجمع مقابل مقابل ساختمان مرکزی این دانشگاه زدند.

یکی از دانشجویان گفت: این افزایش سه برابری شهریه های پزشکی به همین منوال باقی نمی ماند و هر سال شهریه ها بالاتر می رود همچنین برای رشته های پزشکی و پیراپزشکی تعهداتی قرار داده شده که بسیار ناعادلانه هست براین اساس دانشگاه آزاد تصمیم گرفت تا ۵۰ درصد از شهریه را کاهش دهد، اما این کاهش مشروط به پذیرش تعهد خدمت به مدت حداقل سه سال در مناطق تعیین شده توسط دانشگاه آزاد خواهد بود که عمده دانشجویان با این طرح مخالف هستند.

قتل یک دانشجو به دست زورگیرها



چهارشنبه شب ۲۴ بهمن ۱۴۰۳، علی محمد خالقی درمیان، دانشجوی ۱۹ ساله مقطع کارشناسی رشته کسب و کار دانشکدهگان مدیریت دانشگاه تهران در راه بازگشت به خوابگاه و در پی وقوع زورگیری و درگیری در محیط اطراف درب کوی پسران دانشگاه تهران به شدت مجروح شده و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

باوجود گزارش مداوم دانشجویان درباره این اتفاقات و ناامنی محیط های اطراف خوابگاههای دانشجویان و اعتراض و درخواست برای تامین امنیت دانشجویان به مسیولان دانشگاه تهران، دانشگاه هیچ اقدامی در این راستا انجام نداده است.

در حالیکه بخش اعظمی از سیاستگذاری و بودجه دانشگاه صرف کنترل و نظارت پلیسی-امنیتی با خرید تجهیزات و استخدام نیروی انسانی برای سرکوب می شود و این کنترل و نظارت که گستره آن تا حریم شخصی دانشجویان در خیابان و خانه و فضای مجازی کشیده و بارها با کیدواژه «امنیت» توجیه و قانونگذاری شده، مسیولان دانشگاه با بی شرمی تمام با عنوان «وقوع قتل در خارج از محوطه دانشگاه»، نه تنها پاسخگو و مسیول زندگی از دست رفته نیستند بلکه برای پیگیری منت بر سر دانشجویان هم گذاشته اند. بی شک دانشگاه، مسیول مستقیم این مرگ-قتلهاست و دانشجویان اجازه نخواهند داد بی مسیولیتی و فریبکاری مسیولان دانشگاه تاوادم یابد و زندگی دیگری را تباه کند.

بقیه در صفحه ۱۰

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۸



عدالت لیکن نه فریادمان را کسی شنید و نه عدالتی دیدیم. درخواست موکول کردن آزمونهای ارشد و دکتری به زمانی مناسبتر بعداز تعطیلات عید نوروز به دلایل خیلی محکم و به جایی خواسته ماست. محرومیت آن دسته از داوطلبانی که بیش از دوماه از وقت طلایی شان صرف اعتراض به لغو محرومیت شد باعث ازدست رفتن زمان مطالعه گشته و اکنون سازمان سنجش که مسبب اصلی این اتلاف وقت میباشد باید درصدد جبران آن برآید.

چرا آزمونی که باید درسال ۱۴۰۴ برگزار شود در ۱۴۰۳ برگزار می شود، درحالیکه سابقا این آزمونها در اردیبهشت هرسال برگزار می شد؟

تجمع جمعی از کارکنان دانشگاهها و مراکز و موسسات آموزش عالی کشور

روزشنبه ۱۳ بهمن، جمعی از کارکنان دانشگاهها و مراکز و موسسات آموزش عالی کشوروابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای اعتراض به سطح پایین حقوق شاغلان و بازنشستگان از جمله عدم همسان سازی حقوق خود با کارمندان غیربالینی وزارت بهداشت، عدم تبدیل وضعیت بخشی از همکاران و موانع موجود در خصوص مسکن دانشگاهیان مقابل ساختمان وزارت بهداشت تجمع کردند.

برپایه گزارش رسانه ای شده تجمع کنندگان مطالبات خود را با صدوربیانیه ای در ۱۰ بند به قرارزیر اعلام کردند:

- ۱- تأیید افزایش فوق العاده ویژه کارمندان وابسته به وزارت علوم در شورای حقوق و دستمزد و تأمین اعتبار آن از مهر ۱۴۰۱ طبق اصلاحیه قانون بودجه ۱۴۰۱ حداکثر تا ۲۰ بهمن ۱۴۰۳
- ۲- اجرای همسان سازی حقوق کارمندان با کارمندان غیر بالینی وزارت بهداشت
- ۳- تسریع در اصلاح و اجرای آیین نامه استخدامی ابلاغی سال ۱۴۰۳ و رفع موانعی از جمله تأمین اعتبار از شورای حقوق و دستمزد، رفع ایرادات احتمالی اعلام شده دیوان محاسبات و ایرادات صندوق های بازنشستگی
- ۴- احیای ماده ۹ آیین نامه استخدامی سالهای ۹۱ الی ۹۷ با موضوع تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی به پیمانی با بهره مندی از مجوزهای صادره با استناد به تصویب نامه هیات وزیران در سال ۹۱
- ۵- تخصیص شناسه همکاران قراردادی از سوی سازمان اداری استخدامی
- ۶- تعیین تکلیف طرح ساماندهی کارکنان دولت و نیروهای شرکتی
- ۷- رفع تبعیض و ناعدالتی درون سازمانی با اجرای همترازی کارمندان با اعضای هیئت علمی طبق ماده ۸ قانون نظام هماهنگ و احیای این ماده در وزارت علوم جهت کاهش اختلاف دریافتی بین ارکان آن
- ۸- اقدام قانونی در اجرای افزایش حقوق بازنشستگان از بهمن ۹۸ تا اسفند ۹۹
- ۹- تسریع در پرداخت پاداش پایان خدمت و توجه به رفاهیات و پرداخت معیشتی بازنشستگان وابسته به وزارت علوم
- ۱۰- رفع موانع موجود در خصوص مسکن دانشگاهیان توسط سازمان ها و دستگاه های مرتبط با توافق نامه وزارتخانه علوم و وزارت راه و شهرسازی

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۹

تظاهرات بزرگ دانشجویان دانشگاه تهران



ظهر روز جمعه ۲۶ بهمن ۱۴۰۳، دانشجویان خوابگاهی کوی دانشگاه تهران تظاهرات بزرگی در محوطه خوابگاه سازمان دادند تا با اعتراض به قتل علی محمد خالقی، دانشگاه را مسئول مستقیم کشته شدن او اعلام کنند. در جریان این تجمع دانشجویان شعار می‌دادند:

«یکی از ما کم شده، کی می‌خواد جواب بده؟»

«خونی که ریخته میشه با هیچی پاک نمیشه»

«زارع بی‌کفایت مسئول این جنایت»

در این تظاهرات دانشجویان بیانیه ای را قرائت کردند، در بخشهایی از آن آمده: ... در حالی که ادعا می‌کنند بودجه کافی برای تامین نیازهای اولیه دانشگاه را ندارند، صدها نیروی شرکتی را در حراست به کار گرفتند تا جو خفقان را در فضای بی‌رمق دانشگاه تشدید کنند.

دوربینهایشان به جای تامین امنیت محیط اطراف دانشگاه و خوابگاه، در درون فضای دانشگاهی نصب شد تا مبادا کسی نفس بکشد...

عذرخواهی وزیر و استعفای مدیر خوابگاه؛ دانشجویان به تجمع ادامه دادند



وزیر علوم روز شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳، همزمان با تجمع دوباره دانشجویان در اعتراض به کشته شدن یک دانشجوی دانشگاه تهران به دست سارقان اقدام به عذرخواهی کرد و مدیر خوابگاه دانشجویی نیز استعفا کرد. در ادامه تجمعات اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران امروز، در تجمع دانشجویان در پردیس مرکزی دانشگاه تهران یکی از نیروهای حراست دانشگاه در حال فیلمبرداری از دانشجویان بوده است که با اعتراض دانشجویان مواجه می‌شود. در پی این اعتراض، نیروهای حراست به دانشجویان حاضر در تجمع حمله کرده و آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. با وجود تلاش نیروهای حراست جهت فراری دادن حراستی مذکور، مقاومت دانشجویان منجر به پاک شدن عکس و فیلم‌های گرفته شده توسط وی شد.

طبق گزارشات دانشجویان، تجمع دانشجویان و فضای ملتهب در دانشگاه تهران همچنان ادامه دارد.

بنا بر گزارشهای منتشر شده، حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، ضمن عذرخواهی از مردم در پی حادثه کشته شدن یک دانشجوی دانشگاه تهران ادعا کرد که در جریان تجمع جمعه شب دانشجویان در کوی دانشگاه، هیچ دانشجویی بازداشت نشده است.

این ادعا در شرایطی است که منابع خبری از به تنش کشیده شدن تجمع اعتراضی دانشجویان با دخالت لباس شخصیها و همچنین بازداشت تعدادی از دانشجویان خبر دادند.

بنا بر گزارشها، دانشجویان دانشگاه تهران از ساعات ابتدایی صبح شنبه اقدام به برپایی تجمع اعتراضی در جلوی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران کردند و همزمان مدیریت خوابگاه دانشگاه تهران ساعاتی پیش، مجبور به پذیرش استعفا از سمت خود شد.

تجمع متقاضیان شرکت در کنکور مقطع ارشد و دکتری

روز شنبه ۲۷ بهمن، شماری از متقاضیان شرکت در کنکور مقطع ارشد و دکتری، مقابل سازمان سنجش دست به تجمع اعتراضی زدند. شهروندان معترض در این تجمع خواستار به تعویق افتادن این آزمون تا سه ماهه اول سال آینده شدند.

پیام دانشجویان زندانی امیرحسین مرادی و علی یونسی



روز یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۳، دو دانشجوی نخبه و در بند زندان اوین، امیرحسین مرادی و علی یونسی در پیامی اعلام کردند:

... باز هم داغ، باز هم کشته شدن دوست و هم دانشگاهی، باز هم غمی که بر سینه سنگینی می‌کند. خانواده امیر محمد خالقی و دانشجویان دانشگاه تهران ما در غم شما شریکیم و از شما می‌آموزیم که چگونه این غم را به خشم تبدیل کرده اید و این خشم را به ریشه این قتل نشانه رفته اید.

گویا گرفتن جان دانشجویان با ذات دیکتاتوریا عجین شده است. از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ تا کوی خونین دانشگاه در تیر ۷۸ و هواپیمای اوکراینی و امروز امیر محمد. پاسخ همیشه همین بوده و هست قیام و برخاستن و ریشه کن کردن ریشه تمام ناامنیا و قتلها.

دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور اکنون زمان برخاستن است. بیایید همه در کنار هم و در کنار دانشگاه تهران بایستیم... ما قتل امیر محمد را نه می‌بخشیم و نه فراموش میکنیم خونی که ریخته میشه با هیچی پاک نمیشه امیرحسین مرادی و علی یونسی ۲۸ بهمن ۱۴۰۳، زندان اوین

فراخوان دانشجویان دانشگاه تهران

روز یکشنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۳، دانشجویان دانشگاه تهران در فراخوانی خواهان تجمع و تحسن اعتراضی در صحن پردیس هنرهای زیبا و پردیس مرکزی شدند.

در بخشهایی از این فراخوان آمده:

... هنوز داغ از دست دادن هم دانشگاهی عزیزمان تازه بود که مسئولان دانشگاه طبق سنت همیشگی با گردن نهادن به امر نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها در ورود به حریم دانشگاه، نمک بر زخم جامعه داغ‌دار



دانشجویی پاشیدند. ما که در کوی گرد هم آمده بودیم تا به شکل قانونی و مسالمت‌آمیز، به سیاست‌های ضد دانشجویی مسئولان خوابگاهها و دانشگاه از جمله ناامنی معابر نزدیک کوی دانشگاه و خوابگاه چمران، اعتراض کنیم، با بی‌کفایتی مسئولین دانشگاه با لباس شخصی‌ها مواجه شدیم. ضرب و شتم شدید یک دانشجو، بازداشت ۴ دانشجو، به سرقت بردن وسایل دانشجویان، توهین و تهدید نتیجه ورود غیر قانونی نیروهای امنیتی به حریم دانشگاه و یکی از معضلات دانشگاه بوده است.

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۰

ما نمی‌پذیریم که حتی به ما مجال گرفتن عزای هم‌دانشگاهی و هم‌خوابگاهی‌مان را نیز نمی‌دهید. شما بار دیگر به ما نشان داده‌اید که ما حتی در دانشگاه نیز جان و مالمان امن نیست. نمی‌توانیم به علت بی‌کفایتی شما، جان ارزشمند دیگری را از دست بدهیم...

تجمع دانشجویان در دانشگاه تهران مقابل دانشکده ادبیات

روز دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳، شماری از دانشجویان دانشگاه تهران مقابل دانشکده ادبیات در پردیس مرکزی این دانشگاه تجمع کردند.

در تجمع اعتراضی سه روز گذشته دانشجویان که با دخالت نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شد، دستکم دو دانشجو بازداشت شدند و یک تن دیگر در پی ضرب و شتم ماموران از ناحیه بینی دچار شکستگی شد.

در این راهپیمایی شعارهایی چون «نیروی انتظامی، قاتل ما شماید»، «دروغ چرا فراجا، کیوسک نگذاشتی آنجا» و «حراست سپاهی، قاتل ما شمایی» سر دادند.

اعتراض دانشجویان دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

روز دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳، دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران با در دست داشتن تراکتهایی در صحن دانشکده تجمع کردند و نسبت به امنیتی شدن فضای دانشگاه بر ضد دانشجویان به جای حفظ جان و مال آن‌ها به وسیله‌ی نهادهای حفاظتی اعتراض کردند.

وظیفه نهادهای امنیتی مثل حراست به حفظ ارزشها و بنیانهای جمهوری اسلامی خلاصه شده و پیشیزی اهمیت به جان دانشجویان نمی‌دهند.

تجمع دانشجویان دانشگاه علامه به دادخواهی امیرمحمد خالقی روز سه شنبه



۳۰ بهمن ۱۴۰۳، در پنجمین روز اعتراضات دانشجویی، دانشجویان دانشگاه علامه در پردیس مرکزی این دانشگاه، در حمایت از دانشجویان دادخواه و معترض دانشگاه تهران و نیز به یاد امیرمحمد خالقی تجمع کرده‌اند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام شوراها‌ی صنفی دانشجویان کشور، انتخاب، تلگرام دانشجویان پیشرو، تابناک، شورای صنفی دانشگاه بین‌المللی خمینی، فارس، صدای آمریکا، تلگرام دانشجویان دانشگاه تهران، رادیو فردا)

زینب جلالیان احکام اعدام و ریشه مرادی و پخشان عزیزی را محکوم کرد



شبکه حقوق بشر کردستان

زینب جلالیان

سه‌شنبه ۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳، زندان مرکزی یزد

دیروز، شما علیه اعدام من نوشتید، اما امروز خودتان محکوم به اعدام شده‌اید

چگونه توانستی مهر مادری، محبت پدری و عشق به ممنوع را نادیده بگیری؟ به خاطر کدام مصلحت؟ تو وجدان و انسانیت خود را به چه فروختی؟ حق زیستن و نفس کشیدن دیگران را به چه قیمتی معامله کردی؟

به چه بهایی این همه آرزو را نابود می‌کنی؟ چگونه می‌توانی به این راحتی، جوانان سرزمین مادری‌ات را قربانی کنی؟ خودخواهی تو به جایی رسیده که تنها چیزی که تو را راضی می‌کند، حکم مرگ دیگران است.

تو که دستانت به خون دیگران آلوده است، بدان هیچ‌کس، حتی تو، صلاحیت گرفتن حق زندگی را از انسانی ندارد. چگونه توانستی وقتی قلم به دست گرفتی، احکام اعدام پخشان عزیزی، و ریشه مرادی و برادران ما را صادر کنی؟ آیا جان آدمی این‌قدر برایت بی‌ارزش شده است؟ به کدام خطا؟ به کدام گناه؟ به استناد کدام حقوق بشر؟

ما را به قربانگاہی می‌فرستی که طناب نیمه ضخیمش از گیسوان بریده مادران قربانیان یافته شده است. چه عاملی تو را به این وادی تاریک کشانده است؟ برایت اندوهگینم، برای تو که تمامی اصول انسانی را زیر پا گذاشته‌ای و همه پل‌های پشت سرت را ویران کرده‌ای.

ای شکنجه‌گر و قاضی ناعادل!

با وجود تمام ظلم‌هایی که بر ما روا داشته‌ای، بدان که من به دنبال انتقام نخواهم بود. من از حق خود می‌گذرم و تو را می‌بخشم. این تفاوت من و توست.

وریشه گیان، پخشان گیان، دلم می‌گیرد...

دلم می‌گیرد وقتی به من می‌گویند که دیروز، شما قلم در دست گرفتید و علیه اعدام من و هم‌زمانم نوشتید، اما امروز خودتان محکوم به اعدام شده‌اید. دلم می‌گیرد در شهری که پاداش انسانیت یا ذلت است یا مرگ با حکم حکام.

دلم می‌گیرد از سرزمینی که حق آزادی، حق اندیشیدن و حق زیستن را از مردمانش دریغ می‌کنند. دلم می‌گیرد وقتی دیر به مادرانمان زنگ می‌زنیم و با ناباوری می‌پرسند: «روله، تویی؟» چون سایه شوم اعدام بر سر شهر و دیارمان سایه افکنده است.

من با تمام وجود، حکم اعدام را محکوم می‌کنم. از همه زنان جهان، آزادگان دنیا، سازمان‌های حقوق بشری و هر کسی که هر کاری از دستش برمی‌آید، می‌خواهم حمایت خود را از محکومان به اعدام دریغ نکنند. در برابر حکم اعدام هم‌نوعان‌تان سکوت نکنید!

زینب جلالیان

سه‌شنبه ۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳، زندان مرکزی یزد

زنان در مسیر رهایی (بهمن ۱۴۰۳)

اسد طاهری

امیرحسین بانکی‌پور با تاکید بر فرهنگ سازی برای جلوگیری از رواج سقط جنین، گفته بود که «برخورد قانونی با عوامل مرتبط با این موضوع، از پزشکان و ماماها گرفته تا فروشندگان دارو و شبکه های مجازی، ضروری است.»

پیش از این فرمانده سپاه «سیدالشهدا» تهران از شناسایی مراکز غیرمجاز سقط جنین در استان تهران توسط دستگاههای امنیتی خبر داده اعلام کرد که برخورد با این مراکز در قالب «طرح نفس» در دستور کار قرار دارد.

غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین نیز اول آذرماه گفته بود: «در حال حاضر، ۲۰۰ مرکز مبارزه فرهنگی با سقط جنین در کشور توسط بسیج مستضعفین ایجاد شده و تا پایان سال این تعداد به ۳۰۰ مرکز افزایش خواهد یافت.»

برخورد با سقط جنین در پی تاکید علی خامنه‌ای بر ضرورت افزایش جمعیت در ایران در دستور کار قرار گرفت.

رویکرد علی خامنه‌ای در موضوع افزایش جمعیت در نهایت باعث شد تا ششم مرداد ماه سال جاری رئیس مرکز «جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس» وزارت بهداشت از تشکیل «گروه نفس» برای مقابله سقط جنین در ۲۵۰ شهرستان ایران خبر بدهد.

قوه قضائیه جمهوری اسلامی نیز در سال ۱۴۰۱ اعلام کرده بود «افرادی که به صورت غیرقانونی در حوزه‌های مرتبط با سقط جنین فعالیت کنند را شناسایی و بازجویی می‌کند.»

قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» آبان ماه ۱۴۰۰ ابلاغ شده بود. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی آذر ماه سال ۹۲، در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، گفته بود: «یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مساله جمعیت است.»

زنان مهندس ایران؛ در مسیر پر پیچ و خم تبعیض و تلاش



زنان در حرفه های فنی و مهندسی همواره با چالشهای متعدد و پیچیده ای روبه‌رو هستند؛ از نگاههای سنتی و تبعیض آمیز گرفته تا نابرابری در حقوق و فرصتهای شغلی. در این گزارش، ضمن ارائه پیشینه‌ای کوتاه از وضعیت زنان در حوزه مهندسی، به گفت و گویی صریح و بی‌پرده با یک مهندس زن در ایران می‌پردازیم تا تجربه‌های او را از نزدیک بشنویم و راهکارهایی را برای بهبود شرایط زنان در این عرصه بررسی کنیم.

با وجود دستاوردهای مهم زنان در عرصه‌های گوناگون علمی، فنی و اجتماعی، همچنان بخشی از جامعه و بازار کار، مخصوصاً در رشته‌های مهندسی، رویکرد مردسالارانه‌ای دارد. این نگاه سنتی باعث می‌شود فضای اشتغال برای زنان در حوزه های فنی و تخصصی، با مشکلاتی چون تبعیض جنسیتی، پرداخت نابرابر، عدم دسترسی به فرصتهای ارتقا و نبود حمایت‌های لازم روبه‌رو شود. از سوی دیگر، زنان مهندس درگیر فشارهای مضاعفی هستند؛ چرا که باید همزمان با رشد در حرفه خود، بر کلیشه های اجتماعی نیز غلبه کنند.

در برخی مناطق و شهرهای کوچک، این تبعیضها برجسته‌تر است و شاغلان زن در حوزه‌های مرتبط با مهندسی و ساختمان سازی، بارها با موانعی همچون عدم اعتماد کارفرما یا مالکان پروژه مواجه می‌شوند. بسیاری از کارگران و استادکاران در محیط‌های کاری سنتی، به طور پیش‌فرض نگاه مردسالارانه‌ای دارند و در عمل از پذیرش مدیریت یا دستورالعمل‌های فنی یک مهندس زن سرباز می‌زنند. همچنین، فرهنگ سازمانی موجود در بسیاری از شرکت‌های مهندسی، با دغدغه‌ها و نیازهای ویژه زنان (مانند داشتن مرخصیهای خاص دوران عادت ماهانه یا امکان کار انعطاف‌پذیر) سازگار نیست.

هدف این گزارش، بررسی چالش‌ها و موانع زنان مهندس در محیط کار، همراه با ارائه راهکارهای ممکن برای برون‌رفت از وضع موجود است. به این منظور، پس از مروری کوتاه بر مشکلات عمده، گفت‌وگویی تفصیلی با یکی از مهندسان زن فعال در حوزه معماری انجام شده است تا مسائل را از دریچه تجربیات فردی او ببینیم و بهتر بتوانیم پیشنهادهایی برای تغییر ارائه کنیم.

ضرورت «گامهای عملی» برای احترام به حقوق انسانی مهاجران افغانستان



جنبش فانوس آزادی زنان افغانستان که از سوی هاجر آزاده فعال حقوق زن رهبری می‌شود، می‌گوید که ملل متحد، نهادهای حقوق بشری و جامعه جهانی برای احترام به حقوق انسانی مهاجران کشور در پاکستان «گامهای عملی» بردارند.

این جنبش همچنین با برگزاری برنامه اعتراضی بار دیگر از «آپارتاید جنسیتی، تبعیض ساختارمند و وضعیت اسفناک مهاجران» کشور انتقاد کرده و گفته است که هدفش جلب توجه جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری به مشکلات زنان و مهاجران افغانستان است.

در این گردهمایی، اعضای این جنبش شعارهایی مانند «حقوق زنان حق بشری است. به تبعیض جنسیتی نه بگویید. به عدالت جنسیتی بله بگویید. دیوارهای آپارتاید جنسیتی باید فرو بریزند» را سر دادند.

جنبش فانوس آزادی زنان افغانستان می‌گوید که بازداشتها و نقض حقوق زنان و مهاجران افغانستان همچنان ادامه دارد و هیچ اقدامی از سوی کمیسر عالی ملل متحد در امور پناهجویان و کشور پاکستان تا کنون صورت نگرفته است.

اعتراض به مواضع جدید دولت دست راستی آرژانتین درباره قوانین مربوط به

زن کُشی



در ۲۴ ژانویه گذشته، «ماریانو کونو لیبارونا»، وزیر دادگستری آرژانتین در شبکه X اعلام کرد که رئیس جمهور این کشور «خاویر میلی» به دنبال حذف زن کُشی از قانون جزاست، زیرا این اقدام تحریف مفهوم برابری است: «این دولت از برابری در برابر قانون، همانطور که در

قانون اساسی ملی ما تصریح شده، دفاع می‌کند. هیچ زندگی ای بیش از دیگری ارزش ندارد.» منتقدان می‌گویند، این اقدام تازه‌ترین اقدام دولت راستگرای میلی برای سرکوب حقوق زنان است. اظهارات وزیر دادگستری آرژانتین پس از آن صورت می‌گیرد که میلی رئیس‌جمهور در مجمع جهانی اقتصاد در داووس علیه مفهوم زن کُشی و آنچه «فمینیسم رادیکال» می‌خواند، صحبت کرد: «ما حتی به نقطه عادی سازی این واقعیت رسیده‌ایم که در بسیاری از کشورهای به‌ظاهر متقدم، اگر یک زن را بکشید، به آن زن کُشی می‌گویند و این مجازات جدی‌تر از این است که شما مردی را صرفاً براساس جنسیت قربانی بکشید.

از نظر قانونی، ارزش زندگی یک زن از یک مرد بیشتر است.» منابعی در وزارت دادگستری به سی‌ان‌ان گفته‌اند که «کونو لیبارونا» در حال کار روی تغییرات پیشنهادی در قانون است که قصد دارد به کنگره ارائه دهد. فعلاً مشخص نیست که اصلاح قانون مجازات پیشنهادی چه زمانی به کنگره ارائه خواهد شد و آیا دولت اقلیت «خاویر میلی» از حمایت کافی برای تصویب این قانون برخوردار خواهد بود یا خیر؟

پلمب مطب، بازداشت پزشک و منشی به خاطر انجام سقط جنین



مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند که «گشت سقط جنین» راه اندازی کرده‌اند. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ری از شناسایی و مهروموم یک مطب به دلیل «سقط جنین غیرقانونی» در این شهرستان خبر داده و گفته «طی عملیاتی» پزشک، منشی و معاون دستگیر شدند.

یک عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، با اشاره به شیوع بالای سقط جنین در کشور، گفته بود «روزانه بیش از هزار مورد سقط جنین» در کشور انجام می‌شود.

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

بقیه از صفحه ۱۲

طالبان چهار معلم، از جمله یک زن، را بازداشت کرد



طالبان یک مرکز آموزشی به نام «افق» را در ولسوالی لعل و سرچنگل ولایت غور به دلیل آموزش دختران بالاتر از صنف ششم بستند. به گفته منابع، طالبان همچنین چهار معلم این آموزشگاه را بازداشت کرده اند که در میان آنان یک زن نیز حضور دارد.

منابع محلی گفتند طالبان روز شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۳ وارد مرکز آموزشی افق شدند و به لت و کوب دانش آموزان و بازداشت معلمان این مرکز آغاز کردند. یکی از چهار نفر بازداشت شده مدیر مرکز آموزشی افق است.

مرکز آموزشی افق در ولسوالی لعل و سرچنگل به دانش آموزان پسر و دختر زبان انگلیسی درس می‌داد. تاکنون طالبان در این مورد ابراز نظر نکرده است

محروریت زنان مسلمان از حق حضانت فرزندان در منطقه ای از روسیه

زنان مسلمان در منطقه‌ای از روسیه پس از ازدواج مجدد حق حضانت فرزندان و حقوق مادری شان را، به دلیل تبعیت دادگاه از سنتهای محلی، از دست می دهند.

یک زن روس به نام سانت (نام مستعار برای حفظ هویت)، پس از ازدواج دوباره، حق حضانت دو قلوهای ۱۲ ساله اش را در پی شکایت همسر سابقش از دست داده است.

سال گذشته دادگاه خانواده در اینگوش، جمهوری خودمختار در قفقاز شمالی، به نفع پدری رأی داد که گفته بود نمی‌خواهد یک پدر ناتنی تربیت فرزندانش را بر عهده بگیرد.

پرونده خانم سانت یک ماجرای استثنایی نیست، آن هم در منطقه‌ای با جمعیتی اکثرأ مسلمان که کودکان جزو «اموال و دارایی» پدر و خانواده پدری به شمار می روند.

این سنن محلی با قوانین روسیه مغایرت دارد، اما قاضیهای دادگاه خانواده در این مناطق عمدتاً پیرو سنتهای محلی هستند و حق داشتن فرزند را از زنانی که بیوه هستند یا از همسر خود جدا شده‌اند و یا قصد ازدواج مجدد دارند، سلب می کنند.

بیش از ۹۵ درصد جمعیت منطقه اینگوش مسلمان اهل سنت شافعی هستند.

خانم سانت در جریان جلسات دادگاه اعلام کرد قاضی و وکیل همسر سابقش صراحتاً به او گفته‌اند او حق داشتن فرزند ندارد چرا که مصمم است با مرد دیگری ازدواج کند.

سانت گفته است: «همسر سابقم هم زن جدید دارد و هیچ‌کس به او نگفته که نامادری نمی تواند فرزندان ما را تربیت کند».

این زن ۳۱ ساله درباره پاسخی که به اعتراضش گرفته می‌گوید: «به من گفته‌اند برخلاف ازدواج دوباره، مادر، ازدواج مجدد پدر هیچ مشکلی ندارد چرا که این پدر است که باید فرزندان خود را تربیت کند.» دادگاه به این مادر اجازه داده با دخترش هفته ای یک بار و با پسرش ماهی یک بار ملاقات کند. اما به گفته او، همسر سابقش اغلب مانع این دیدارها می شود.

همسر پیشین سانت همچنین علیه او به دادگاه شکایت کرده و خواستار پرداخت ۲۶ هزار روبل (معادل ۲۶۰ دلار) در ماه به‌عنوان نفقه شده است. براساس آمار رسمی اداره آمار فدرال روسیه، متوسط حقوق ماهانه در اینگوش ۳۹ هزار روبل (معادل ۳۸۰ دلار) است.

طراح قانون حجاب درباره ممنوعیت کار بازیگران زن

امیرحسین بانکی پور، طراح قانون موسوم به "حجاب و عفاف"، طی اظهاراتی با بیان اینکه "قانون یعنی اجبار"، بر لزوم اجرای قانون مزبور تاکید کرد.

بانکی پور روز شنبه ۶ بهمن در پاسخ به انتقادات در خصوص محدودیتهای جدید برای بازیگران و رانندگان تاکسی اینترنتی، همچنین از "ضرورت ثبت تخلفات" در سامانه‌ها سخن گفت.

طراح قانون "حجاب و عفاف" در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این پرسش که "آیا با اجبار و زور می‌شود حجاب را تبیین کرد؟"، گفت: «چرا با واژه‌ها بازی می‌کنید. قانون یعنی اجبار. در تمام دنیا پوشش قانون دارد. یعنی پوشش اجبار است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: «ممکن است کسی کم‌حجاب باشد، اما بدن‌نمایی را نمی پذیریم. بر اساس اسلام در ایران حجاب برقرار شده است. اما همان قانون را در اجرا

سخت گیری نکردیم. اصلاً نباید سخت‌گیری کرد، اما نباید بدون قانون بود.»

بانکی پور در پاسخ به ممنوعیت فعالیت بازیگران مشهور زن نیز گفت: «نمی‌شود از پول این جامعه شهرت کسب کرد و بعد ساختارها را زیر پا گذاشت.»

او در پاسخ به این پرسش خبرنگار که «تعداد زیادی از بازیگران خانم سریالهای مختار، امام علی، ولایت عشق و یوسف پیامبر با قانون جدید حجاب نمی‌توانند فعالیت کنند؟» گفت: «حجب فعالیت نکنند!»

تنها از یک شفاخانه در کابل "۱۵۶ کادر پزشکی زن" شغل خود را ترک کرده‌اند

تنها از شفاخانه فرانسویها در کابل تاکنون ۱۵۶ کادر پزشکی زن کار خود را ترک کرده اند. در این شفاخانه ۲۸۰ کادر پزشکی زن کار می کردند ولی در حال حاضر تنها ۱۲۴ نفر سر کار می آیند.

روزنامه فرانسوی لوموند روز جمعه، ۱۲ بهمن، در گزارشی از وضعیت شفاخانه فرانسویها در کابل نوشت اعمال محدودیتها بر کادر صحنی زن توسط طالبان، نیمی از جمعیت این کشور را در معرض خطر قرار داده است.

این رسانه نوشت که از میان ۹ متخصص احیای بیماران در این شفاخانه، ۸ نفر کار خود را رها کرده‌اند.

اریک جیسون، رئیس شفاخانه فرانسویها در کابل گفت: سیاستهای زن ستیزانه طالبان افغانستان را از کادر صحنی زن خالی می کند. او تاکید کرد که در حال حاضر مراکز درمانی یکی پس از دیگری در حال بسته شدن هستند.

رئیس شفاخانه فرانسویها در کابل می‌گوید به دلیل کاهش فعالیت مراکز درمانی نهادهای بین‌المللی، شمار مراجعه کنندگان به این بیمارستان به‌طور روزافزون در حال افزایش است.

او گفت: «هجوم روزافزون بیماران به این شفاخانه یک سونامی است.»

اریک جیسون اذعان می‌کند که سازمان بین‌المللی صلیب سرخ و پزشکان بدون مرز خدمات بهداشتی و درمانی خود در افغانستان را کاهش داده است. او می‌گوید این سازمان‌های بین‌المللی در حال خارج شدن از افغانستان‌اند.

بستن مراکز آموزش‌های پزشکی زنان توسط طالبان واکنش بسیاری از سازمانهای بین‌المللی را برانگیخت. به گفته این سازمانها، با بسته شدن این مراکز آموزشی، در چند سال آینده هیچ کادر پزشکی زن در افغانستان وجود نخواهد داشت

جایگاه زنان در دانشگاه؛ واقعیتی نو یا بازی با اعداد؟

آمار رسمی از حضور ۵۲ درصدی زنان در دانشگاه و ۳۲ درصدی در هیات علمی خبر می دهد. این ارقام به عنوان «دست‌آورد انقلاب اسلامی» مطرح می شود، اما روند ورود جوانان به دانشگاه روایت دیگری دارد.

وزیر علوم، حسین سیمایی، از افزایش چشمگیر حضور زنان در دانشگاهها خبر داده و اعلام کرده است که بیش از نیمی از دانشجویان را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین، ۳۲ درصد از اعضای هیات علمی را نیز زنان بر عهده دارند. این آمار، در ادبیات رسمی به‌عنوان نشانه‌ای از رشد نقش زنان در عرصه‌های علمی مطرح می‌شود؛ اما آیا این حضور، بازتابی از یک پیشرفت واقعی است؟

از سوی دیگر، رئیس مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، به روندی متفاوت اشاره می‌کند. او می‌گوید که در سالهای اخیر، بسیاری از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله دیگر تمایلی به ورود به دانشگاه ندارند. از سوی دیگر، حتی دانشجویان دوره‌های روزانه نیز در عمل شهریه پرداز محسوب می‌شوند، زیرا پس از فارغ‌التحصیلی، با تعهدات کاری و مالی مواجه‌اند. این شرایط باعث شده که بسیاری، پس از ورود به بازار کار، انگیزه خود را برای ادامه تحصیل از دست بدهند. در این میان، اولویت داشتن شغل بر تحصیلات دانشگاهی، به‌ویژه در میان دانشجویان و خانواده‌ها، بیش از پیش برجسته شده است. در چنین بستری، افزایش سهم زنان در دانشگاهها هم‌زمان با کاهش تمایل آنها به تحصیل، تصویری چندوجهی از وضعیت آموزش عالی در ایران ترسیم می‌کند؛ تصویری که در پس آن، بحرانهای اقتصادی، سیاستهای جنسیتی و آینده جوانان پنهان شده است. لیلا حسین‌منش، کارشناس علوم سیاسی، درباره سخنان اخیر وزیر علوم، حسین سیمایی، در مورد افزایش چشمگیر حضور زنان در دانشگاهها چنین گفت: آموزش عالی در جنبه سیاستهای مردسالارانه و بحران اقتصادی نظام آموزشی ایران، همواره در سایه سیاستهای نابرابر جنسیتی و مشکلات ساختاری پیش رفته است. از اعمال محدودیت در انتخاب رشته‌ها برای زنان تا هزینه‌های سرسام‌آور تحصیل و عدم تضمین شغل در آینده، همگی از چالشهایی‌اند که هم مردان و هم زنان را در مسیر دانشگاه با بحران مواجه کرده است.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: آمو، یورونیوز، صدای آمریکا، زن، افغانستان اینترنشنال، رادیوفردا، دوبچه‌وله، خبر فوری)

گزارش سیاسی سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به دوازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان

مقدمه

به جان هر قدرت افتاده، تنها و تنها با خشن ترین و ضد انسانی ترین شکل سرکوب با مردم مقابله خواهد کرد. حمله شیمیایی به مدارس، به طور عمده مدارس دخترانه، نمونه ای از ددمنشی حاکمیت است. اما این راهکار جبارانه در شرایط انقلابی تضادهای درون هر قدرت را تشدید می کند.

طرح چند گفته از کارگزاران حکومت و پیرامون آن این وضعیت را روشن تر می کند. محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت ولایت خامنه ای در این مورد می گوید: «از بی هنری ماست، وقتی اغتشاشات ساکت می شود، فکر می کنیم مساله حل شده؛ حل نشده! فوت «مهسا امینی» دلیل اصلی وقایع اخیر نبود؛ این تنها یک جرقه بود.» (خبرآنلاین، ۱۵ بهمن ۱۴۰۱)

پیش از سخنان این کارگزار حکومتی و در حالی که خیزش انقلابی اوج می گرفت، خبرگزاری حکومتی «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی، ابلهانه از «پایان خط آشوب اغتشاشگران در خیابانها» گزارش داده بود. (شنبه ۲ مهر ۱۴۰۱)

روز شنبه ۵ فروردین، پاسدار حسن کرمی، سرکرده یگان ویژه فراجا، در رزمایش سراسری (ارتقای امنیت اجتماعی) در سال ۱۴۰۲ خطاب به مزدوران تحت امرش گفت: «چشم انداز ما برای پوشش حداقل ۴۰۰ شهر و منطقه در کشور، برای مقابله با ناآرامیها و احتمالاً تخرکاتی است که دشمن داشته باشد. ظرفیت خودمان را در سال ۱۴۰۲ باید به ۲ برابر وضع موجود افزایش بدهیم.» (اقتاب نیوز، ۵ فروردین ۱۴۰۲)

محمد مهاجر، فعال رسانه ای از باند اصولگرا با هشدار دادن و این که «سرکوب که نمی تواند همیشگی باشد» گفت: «من معتقد هستم جامعه ما روی گسل است. اینکه یک ماه دیگر، دو ماه دیگر یا شش ماه دیگر با چه وسعتی زلزله بیاید معلوم نیست. قابل پیش بینی نیست؛ اما همچنان می شود پیش بینی کرد که این گسل فعال است.» (اقتصاد نیوز، یکشنبه، ۶ فروردین ۱۴۰۲)

رسول منتجب نیا، عضو سابق مجلس ارتجاع از «شورش اصولگرایان علیه رئیس» حرف زده و گفته است: «در حال حاضر همه گروههای حاضر در جناح اصولگرا که رئیسی نمایندگی آنها را در دولت برعهده دارد، پشت دولت نیستند. رئیسی توانست از جناح اصولگرا وحدت و اجماعی درست کند.» (فرارو، دوشنبه ۷ فروردین ۱۴۰۲)

روزنامه جمهوری اسلامی نیز نوشت: از «مجموع سخنان و مواضع ابراز شده توسط مسئولان در دو هفته اول سال جدید (۱۴۰۲) به روشنی فهمیده می شود حضرات قصد ندارند در سیاستهای شکست خورده خود در هیچ یک از زمینه ها کوتاه بیایند!» (روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۴ فروردین، ۱۴۰۲)

حسن روحانی، رئیس جمهور پیشین گفت: «آنچه خواست مردم است شاید دهها سؤال باشد اما در یک همه پرسی می توان از مردم خواست به سه پرسش اساسی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی و اقتصاد پاسخ دهند.» (اعتماد، شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۲)

مصطفی تاجزاده، زندانی سیاسی کنونی و معاون سیاسی وزیر کشور در دوران خامنه، پیرامون بحران کنونی نوشت: «وضعیت اسفناک کنونی، اگر یک بانی داشته باشد، بی تردید شخص «هیر» است که با اختیارات نامحدود و در حد مطلق، و سیاستهای اشتباه، جامعه را به اینجا رسانده است.... [خامنه ای] افزون بر مخالفت با انتخابات آزاد و بی اعتنایی به نظرسنجیهای معتبر، برگزاری همه پرسی و رجوع به آرای همین ملت آگاه برای تغییر قانون اساسی را توطئه بیگانگان می نامد... استراتژی غلط و عملکرد غیردموکراتیک رهبر، موجب انباشت مشکلات شده است و به نحو بی سابقه ای، نمایندگان بانفوذ گروههای مرجع، از هنرمندان و ورزشکاران تا اساتید دانشگاه و وکلا و پزشکان را به گروههای معترض و عاصی قبلی، از جمله معلمان، کارگران، دانشجویان، فعالان محیط زیست، بازنشستگان، قربانیان سوءحکمرانی آب و .. افزوده است.» (سحام نیوز، یکشنبه ۶ فروردین ۱۴۰۲)

بخش اول

سیر رویدادها

طی دو سال گذشته رویدادهای مهمی در میدان داخلی و منطقه ای جریان داشت که در تمامی مؤلفه های اصلی جامعه تاثیر تعیین کننده داشت. فهرست این رویدادها به قرار زیر است:

* ادامه جنگ روسیه علیه اوکراین و اشغال بخشهایی از این کشور.

بقیه در صفحه ۱۵

این گزارش با یاد جاوید نام آرمیتا گراوند که به دست مزدوران رژیم به شهادت رسید، آغاز می شود که در یکی از پستهایش در اینستاگرام این جمله را نوشته بود: «حتی تاریک ترین شب نیز پایان خواهد یافت و خورشید خواهد درخشید...»

گزارش پیش رو، فرآورده بحث و گفتگو در دهها سمینار درونی، توجه و بهره مندی از مقاله ها و گزارشهای پوشش داده شده در بیست و چهار شماره ماهنامه نبرد خلق و دو ویژه نامه آن، ارزیابی از دستکم بیست هزار سند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (از رسانه های حکومتی، و بسایر جنگ خبر، انتشارات شورای ملی مقاومت ایران و برخی دیگر جریانهای مخالف رژیم و رسانه های خارج از کشور) است.

روش نگارش این گزارش مستند کردن بحرانهای موجود در کشور با توجه ویژه به بحران انقلابی، به طور عمده با استناد به سخنان و گفته های کارگزاران و رسانه های حکومتی است، هرچند از سایر رسانه ها نیز به میزانی بهره برده است.

پیش درآمد

اجلاس پیشین شورای عالی سچخفا در روز یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱، برابر با ۵ فوریه ۲۰۲۳، در شرایطی برگزار شد که برخی از کارگزاران حکومت با صورت سرخ شده از سیلی جنبش انقلابی شهریور ۱۴۰۱، هلهله «تمام شد» سر می دادند. در راس هلهله کنندگان، ولی فقیه و نهادهای امنیتی نظامی قرار داشتند. افراد و جریانهای دیگری از نیروهای مخالف هم شرایط حاضر را با روزهای پس از شنیدن شدن «صدای انقلاب» به وسیله محمدرضا شاه که آغاز شکل گیری یک قدرت دوگانه در کشور بود مقایسه می کردند و فاتحه جنبش انقلابی را می خواندند.

در گزارش سیاسی شورای عالی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که در نیمه دوم بهمن ۱۴۰۱ برگزار شد، به طور کامل به زمینه ها و علل جنبش انقلابی پرداخته شده که تنها یک فراز از این گزارش را تکرار می کنیم:

«مردم با خیزشهای اعتراضی شاکله بی ریخت حکومتی که با تبهکاری و تنها با سرکوبهای بی محابا به حیات ننگین خود ادامه می دهد را به مبارزه سرنوشت ساز طلبیدند... جامعه ای که آبدستن شورش، قیام و انقلاب بود، تولد دوران نوینی را با عزم و رزم خود اعلام کرد و با تایید این که «انقلاب جشن ستمدیدگان و استثمار شدگان است»، آتش برافروخت و پیرامون آن و دست در دست هم، آرزوی «رقعی چین میانه میدان» را به واقعیت تبدیل کرد. در برابر این پیکار سرنوشت ساز، ولی فقیه نظام همه شگردهای خود را به کار گرفته تا با کمک سرکوبگران، غارتگران، انگلها، آدمکشان، تجاوزکاران، لومینها، جن گیرها و همه آنهایی که فاقد حداقل شرافت هستند، انقلاب را سرکوب و خاموش کند.»

هنگامی که روزانه در سراسر کشور و در کف خیابان جامعه معترض فریاد حق خواهی سر می دهد، هنگامی که شاهد برگزاری پرشور یادمان شهیدان جنبش انقلابی هستیم، وقتی که در هر فرصت شعار «مرگ بر دیکتاتور» از اسرا نگاهها تا دانشگاهها شنیده می شود، وقتی بسیاری از زنان در مقابل حجاب اجباری مقاومت می کنند، هنگامی که چوبه های دار از ترس خیزش مردمی همچنان پابرجا است.

وقتی حکومت برای انتقام از دانش آموزان که در خیزشهای ۱۴۰۱ شرکت کرده بودند و برای ایجاد ترس به حمله شیمیایی به مدارس، به طور عمده مدارس دخترانه، دست زد و... هنگامی که طی بیست و چهار ماه شاهد بیش از یازده هزار کُنش اعتراضی از جانب نیروهای کار هستیم، هرگز نمی توانیم مدعی «تمام شد» شویم. (ماهنامه نبرد خلق از شماره ۴۶۱ تا ۴۸۵) برای شفاف شدن هرچه بهتر شرایط، می توانیم نگاهی هم به آن چه در هر قدرت و پیرامون آن می گذرد داشته باشیم. زیرا یکی از نشانه های «شرایط انقلابی» این است که حکومت نمی تواند به «شکل گذشته» ادامه حیات دهد. بسیاری با حذف واژه «گذشته»، از این امر که حاکمیت ادامه حیات می دهد، نتیجه می گیرند که حکومت هست و چون «هست» پس جنبش انقلابی «نیست».

روز چهارشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۲، آخوند احمد خامنه، عضو هیات رئیسه خبرگان، گفت: «حدود ۱۲۰ روز کشور را در التهاب نگه داشتند از بالاترین جنایتکاران بودند چون خروجی اینها به تصریح خودشان براندازی نظام بود.» (تلویزیون شبکه سهند تبریز)

سپهر سیاسی ایران با گامهای چابک زنان و مردان حق طلب، ولی فقیه نظام را مجبور کرده تا برای «امنیت نظام» مردم را تحقیر کند. نظامی که در محاصره جامعه قرار گرفته و موربانه

گزارش سیاسی...

بخش دوم

بحران در سپهر سیاسی کشور، بایگانی شدن خالص سازی

حکومت قادر نیست به شکل پیش حکمرانی کند

بقیه از صفحه ۱۴

در تحلیل تحولات سیاسی، رابطه بین قدرت حاکم و مردم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. قدرت سیاسی در ایران تحت نظام ولایت فقیه، از ابتدا تاکنون، در تقابل رشد یافته با خواسته ها و نیازهای جامعه و مردم قرار داشته است. رژیم حاکم برای بقا و حفظ امنیت خود از شیوه های سخت افزاری، به طور عمده و روشهای نرم افزاری استفاده کرده است. مردم حق طلب نیز برای کسب حقوق و نیازهای خود به شکلهای گوناگون مبارزه متوسل شده اند. تضاد بین مردم با استبداد دینی گرچه همواره در مسیر مستقیم تشدید شده، اما کُنش دوطرفه تضاد راه همواری را طی نکرده و در این مسیر شاهد افت و خیزهای بوده ایم. از اولین کُنشهای جامعه، برای مثال تظاهرات چند ده هزار نفری زنان در اسفند ۱۳۵۷ با شعار «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم» تا جنبشهای انقلابی پس از آن و دهها هزار حرکت اعتراضی دیگر، تا امروز شاهد پیشروی سنگر به سنگر مردم بوده و این کُنشهای کلان و سترگ، سیاه چاله مهلکی برای حکومت ایجاد کرده که راه گریزی از آن ندارد.

در نظام ولایت فقیه و استبداد دینی، ولی فقیه هم به خاطر قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم به سبب اختیارات فراقانونی تحت عنوان «حکم حکومتی»، کلیدی ترین مسئولیتها را در اختیار دارد. او تیرک خیمه نظام و در راس آن قرار گرفته و بنابراین استبداد مذهبی از طریق اختیارات و قدرت حقیقی ولی فقیه می تواند به بقای خود ادامه دهد. از این جهت است که «احکام» او «فصل الخطاب» و در حقیقت تعیین کننده است. البته این بدین معنی نیست که بُرندگی کرد او همیشه یکسان است، تیزی و کندی آن بستگی به موقعیت عمومی وی دارد. توده های مردم بر این جایگاه آگاهی یافته اند و به همین دلیل لبه تیز حمله متوجه اوست.

در این ستیز و کشاکش مرگ و زندگی، قیامهای چند روزه دی ماه سال ۱۳۹۶، که از هفتم دی در مشهد شروع شد یک نقطه عطف است. این توفان کلان، بلوغ شرایط انقلابی را به روشنی نشان داد. در همین خیزش توفنده بود که شعار «اصلاح طلب اصول گرا، دیگه تمومه ماچرا» به ثبت رسید.

شُله های سوزنده خیزش دی با گسست از پیش و دو ویژگی، دگرگونی کلانی پیرامون مناسبات قدرت حاکم و مردم ایجاد کرد. این دو داده چنین است:

نخست نیروی اصلی خیزش توده ای، تهیدستان و فرودستان بودند و سپس گسست کامل از جناحها و باند های حکومت.

جنبشها، قیامها و اعتراضهای پس از آن چند روز درخشان، به این هر دو داده مهر تایید زد. به این ترتیب پروسه ای که با حرکتهای اعتراضی کارگران، مَلمان، دانشجویان، پرستاران، کشاورزان، غارت شدگان، بازنشستگان و انبوه حرکتهای پراکنده دیگر در طول حیات جمهوری اسلامی جریان داشت، یک جهش کیفی دیگر به جلو را از حیث چندی و چگونگی تجربه کرد. مردم و در مرکز ثقل آن فرودستان چنان ضربه غیر قابل جبران بر بنیاد حکومت وارد کردند که خامنه ای خود وارد صحنه شد، افسار مزدورانش را رها کرد تا به جان مردم بیفتند و بی محابا کشتار کنند.

در این توفان خشم و نفرت، زنان ایران در ۲۹ استان و نزدیک به ۲۰۰ شهر در صحنه های رویارویی با مزدوران مسلح، تمامی حکومت و قوانین آن، به شمول تبعیض جنسیتی را به سُخره گرفتند. نقش برجسته زنان در صف اول، در هدایت و دادن شعار، در بسیج مردم و کمک رسانی به جوانان زخمی را در تمامی گزارشهایی که تاکنون منتشر شده (ویدیوها، تصاویر، گفتگوها) می توان دید. این نقش آنقدر برجسته بود که سرکوبگران و پایوران رژیم به آن اعتراف کردند.

این خیزش ژرف، صدای بی صدایان را به تمامی جهان رساند و فرودستان نادیده گرفته شده و به حاشیه رانده شده، جای خود را در خیابان پیدا کرده و مقابل چشم همگان سرود انقلاب سرداند. آنهایی که از درها و رنجهای فروخته شان کسی خبر نمی گفت، در صدر رسانه های جهان جای گرفتند. مارش پرشکوه فرودستان، عینی ترین حقیقت جامعه ایران را بدون هرگونه بَرک حکومت ساخته در کف خیابان به نمایش گذاشت.

روزنامه لوموند که معمولاً در مورد شرایط داخلی ایران محافظه کارانه برخورد می کند، در شماره روز سه شنبه ۱۲ دی ۱۳۹۶ (۲ ژانویه ۲۰۱۸) نوشت: «آنچه در ایران امروز می گذرد یک انقلاب به معنای حقیقی کلمه است.»

جمعبندی سچفخا از قیام تهیدستان در دستم ۱۵۰ شهر چنین است: «این خیزشها در بستر یک شرایط عینی به جریان افتاد که استبداد سیاسی و سرکوب اقتصادی آن را ایجاد کرده بود. بقیه در صفحه ۱۶

*تجدید مناسبات با عربستان و نرمش مصلحتی در رابطه با این کشور. عقب نشینی دستگاه حاکم بیشتر از آنکه ابتکار مستقل باشد، دستاورد جنبش سرنگونی بود.

*شروع و ادامه جنگ ویرانگر در غزه که با عملیات تروریستی حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، (شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲) شروع و با بی رحمانه ترین و جنایتکارانه ترین قتل عام مردم غزه توسط دولت نتانیاهو ادامه پیدا کرد.

*در شرایطی که یک قاتل بدنام در منصب ریاست جمهوری اسلامی بود، شعبده موسوم به انتخابات مجلس برای دوازدهمین دوره در روز آدینه ۱۱ اسفند سال ۱۴۰۲، برگزار و با تحریم گسترده و بی سابقه روبرو شد.

*روز دوشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۳، ارتش اسرائیل به مرکزی که از آن به عنوان «کُسلوگری» در دمشق یاد می شود، حمله هوایی کرد. در این حمله تعدادی از سرکردگان سپاه پاسداران و حزب الله از جمله سرتیپ محمدرضا زاهدی، از سرکردگان ارشد نیروی تروریستی قدس و محمد هادی حاجی رحیمی، معاون هماهنگ کننده این نیرو کشته شدند. در پاسخ به این رویداد، در نیمه شب ۲۵ فروردین ۱۴۰۳، سپاه پاسداران با هماهنگی حزب الله لبنان و حوثیها با صدها موشک کروز و بالستیک و پهباد سرزمین اسرائیل را مورد حمله قرار دادند که اکثر آنها مورد هدف سیستم دفاعی اسرائیل قرار گرفت. نام این عملیات را «وعده صادق» گذاشتند. در جواب این حمله، اسرائیل در روز آدینه ۳۱ فروردین ۱۴۰۳، پایگاه هوایی هشتم شکاری اصفهان را مورد حمله قرار داد و دفاع ضدهوایی رژیم را بطور کامل از کار انداخت.

*روز آدینه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳، مرحله دوم شعبده موسوم به انتخابات دوازدهمین دور مجلس ارتجاع برگزار و این بار هم با تحریم گسترده روبرو شد.

*روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳، ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری رژیم و حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه در اثر سقوط هلیکوپتر به هلاکت رسیدند. روز بعد ولی فقیه نظام، محمد مخبر را در مقام مدیریت قوه مجریه منصوب و وی را موظف کرد که ظرف حداکثر ۵۰ روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود.

*روز آدینه ۸ تیر ۱۴۰۳، شعبده موسوم به انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد که در آن چهار کاندیدا رقابت کردند و در نتیجه مسعود پزشکیان و سعید جلیلی به دور دوم روانه شدند. این شعبده هم با تحریم گسترده روبرو شد به گونه ای که حتی ولی فقیه ناچار به اذعان به آن شد.

*روز آدینه ۱۵ تیر ۱۴۰۳، دور دوم نمایش انتخابات برگزار و پزشکیان به عنوان ریاست جمهوری اسلامی اعلام شد. بر اساس آمار حکومتی پزشکیان ۲۶ درصد از آرای صاحبان حق رای را به دست آورد.

*بامداد آدینه ۱۰ مرداد ۱۴۰۳، اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، در تهران توسط عملیات ویژه اسرائیل به قتل رسید.

*طی روزهای سه شنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۳، در اثر انفجار هزاران پیچر که در اختیار فرماندهان و کادری حزب الله بود، تعدادی کشته و چند هزار تن مجروح شدند.

*روز آدینه ۶ مهر ۱۴۰۳، ارتش اسرائیل در یک عملیات ویژه هوایی به یکی از مراکز فرماندهی حزب الله حمله کرد که در اثر آن حسن نصرالله، سرکرده حزب سرسپرده خامنه ای، هاشم صفی الدین، فرد دوم این حزب، علی کرکی، فرمانده جبهه جنوبی حزب الله و عباس نیلفروشان، معاون عملیات سپاه پاسداران و تعدادی دیگر کشته شدند.

*روز سه شنبه ۱۰ مهر ۱۴۰۳، سپاه پاسداران و نیروهای نیابتی رژیم در عملیات «وعده صادق ۸۲»، اهدافی را در سرزمین اسرائیل مورد حمله قرار دادند که باعث خسارتی محدودی شد.

*شبانگاه شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳، ارتش اسرائیل سه موج حمله هوایی به سرزمین ایران انجام داد. این حملات در طول شب تا سپیده دم در چند استان ایران ادامه یافت و موجب خسارتهایی کلانی به چند مرکز حساس نظامی شد.

*روز یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳، پس از یازده روز درگیری نظامی، ارتش سوریه فروریخت و رژیم بشار اسد سقوط کرد. سوریه مسیر اصلی کمک رسانی رژیم ایران به حزب الله بود.

*روز شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳، دو جلالد تحت امر خامنه ای، محمد مقیسه و علی رازینی به وسیله یکی از کارکنان مرکز قضائیه رژیم با شلیک گلوله به هلاکت رسیدند.

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۱۵

این قیامها پروسه خیزشهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ را تداوم بخشید و آن را به اوج دیگری رساند که از نظر رادیکالیسم در شعارهای جاری و مرزبندی با حاکمیت از اعتلای توده ای در سالهای یاد شده جلوتر بود. حرکت دی ماه نشان داد که تدبیرهای وحشیانه حاکمیت در عرض هشت سال پیش از آن ناکام بوده است و نیروی تغییر و خواست اجتماعی آن بسا نیرومندتر از سرکوب پلیسی و امنیتی است. خامنه ای و پاسداران ولایت در طول این دوره در جنگی فرسایشی و مداوم با حرکتهای اعتراضی کارگران، زحمتکشان، معلمان، پرستاران، دهقانان، دانشجویان، بازنشستگان، ارتش بیکاران، غارت شدگان، زنان، مدافعان محیط زیست، دستفروشان، کولبران و ... قرار داشتند که در دی ماه ۱۳۹۶ جمعیت یافت و جبهه گسترده تری را علیه حاکمیت گشود. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بین سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ به تریبون نیرومندی برای انعکاس مبارزات بخشهای گوناگون مردم ایران بدل گردید و به طور روزانه، هفتگی و ماهانه در رسانه های خود صدای آنها را که در هزاران حرکت اعتراضی پژواک می یافت، بازتاب داد.

خیزشهای دی ماه فقط اعتراض به وضع موجود نبود، بلکه خواست گذار از آن را نیز همراه خود داشت. توده معترض با صف بندی علیه نظم حاکم و نمادهای آن، آگاهی خود از ریشه فلاکت و مشکلاتی که با آن دست بگریبان بود را فریاد زد. شعارهای «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر اصل ولایت فقیه» در نوک حمله معترضان قرار داشت و در شعارهای دیگری همچون «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» پایه های ثبات حکومت زیر ضرب قرار می گرفت. توده ها در عمل به افقی چشم دوخته بودند که در آن جمهوری اسلامی جایی نداشت. (گزارش سیاسی مصوب دهمین اجلاس شورای عالی سچفخا، ۴ فروردین ۱۳۹۸) خامنه ای پس از خیزش دی، ابتدا «بیانیه گام دوم انقلاب» را منتشر و مدت کوتاهی پس از قیام هفته آخر آبان ۱۳۹۸ تعریف جدیدی از کلمه «مستضعف» ارائه داد.

بیانیه «گام دوم انقلاب [ارتجاع]» در ۲۲ بهمن سال ۱۳۹۷، به مناسبت چهلمین سالگرد سلطه «استبداد دینی» بر جامعه و کشور با امضای «دعاگوی شما، سیدعلی خامنه ای» منتشر شد. این سند؛ برنامه بالادستی برای «جهد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» در «دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» است. تاریخ انتشار این سند می تواند به فهمیدن «هدف، راهبردها و راهکارهای» ولی فقیه برای رسیدن به «ایران اسلامی بزرگ» کمک کند.

راهبرد محوری برای عملی کردن این بیانیه، یکدست سازی، یا آن گونه که علی لاریجانی گفت «خالص» سازی در «بالا» و در «پائین»، غارت جامعه و کشور همراه با سرکوب هر برآمد مردمی برای زندگی آزاد و شرافتمندانه و در عرصه جهانی صدور بنیادگرایی اسلامی است.

راهبرد محوری این بیانیه ایجاد «حکومت و تمدن اسلامی» و به بیان دیگر حل تضاد «قدرت حقیقی و قدرت حقوقی» به منظور گذار از «جمهوری اسلامی» به «تمدن اسلامی» است. در چنین تمدنی نظر حاکم بدون «باند» باید عملی شود.

هنگامی که خامنه ای برای عملی کردن راهکارهای بیانیه گام دوم برنامه ریزی می کرد، قیام پرتوان آبان ۱۳۹۸، راه خیزش دی را ادامه داد. شش شبانه روز خیزش و خروش سراسری زنان و مردان ایران زمین، بنیاد نظام بنیادگر ولایت فقیه با تمامی باندهای درونی آن را به لرزه درآورد. در بامداد روز یکشنبه ۲۶ آبان، خامنه ای که بیش و بهتر از گماشتگانش خطر اسقاط نظام را درک کرد، به منبر درس «خارج» رفت و ضمن صدور فرمان سرکوب بی محابا، «فتنه» سال ۱۳۸۸ را به «اشرار» سال ۱۳۹۸ ارتقا داد. عمل و آکره خامنه ای نیز پشت سر او صف کشیدند و سیمای تپهکار خود را عریان تر از گذشته نشان دادند.

جمع بندی ما از خیزشهای چند روز آبان چنین است:

۱- بحران و شرایط انقلابی وارد مرحله جدیدی شده و رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن در مرکز مشکلات و دشواریهای مردم ایران قرار دارد و منبع تضاد منحنی است که کرامت، ارزشها و غرور آنها را لگدمال می کند. جامعه یک بار دیگر و این بار با توان بیشتر برای تغییر بنیادی این شرایط به پا خواسته است.

۲- قیامهای چند روز گذشته و صدها حرکت اعتراضی طی یک سال گذشته نشان داد که بر خلاف دیدگاه برخی از گروهها و شخصیتهای سیاسی، تحریم و فشار خارجی نه مردم را گوشه نشین و منفعل می کند و نه آنان را در کنار استبداد مذهبی حاکم قرار می دهد.

۳- قیام با وجود سرکوب بیرحمانه و ارتکاب جنایت جنگی علیه شهروندان غیرمسلح، با قدرت به پیش می رود. رژیم به تله افتاده است، گریبان او را نباید رها کرد و باید درهم کوبیدش. در میدان این مبارزه، نفس هر کس که بلندتر است، پیروزی از آن اوست و ایستادگی جانانه مردم

دلیر ایران در برابر ماشین سرکوب، در حال از نفس انداختن رژیم فرتوت ولایت فقیه است ... پس به پیش، به پیش! سازمان چریکهای فدایی خلق ایران؛ چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۹»

درست یک هفته پس از برآمد دگرگون ساز آبان ۱۳۹۸، ولی فقیه در روز چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۹۸، در نقش مرجع خودخوانده شیعیان جهان، در دیدار با بسیجیان، تعریف جدیدی از کلمه «مستضعف» ارائه داد و گفت: «مستضعفین را بد معنا می کنند، مستضعفین را به افراد فرودست معنا می کنند. نه! مستضعفین یعنی ائمه و پیشوایان بالقوه عالم بشریت.» تعریف خامنه ای از «مستضعف» با تعریفی که در ابتدای سلطه خمینی به عنوان «کوخ نشینان» تبلیغ و ترویج می شد به طور کامل در تضاد است. این که تعریف خمینی از این کلمه عربی چه بوده است هم چندان مهم نیست، زیرا آن گونه که خود گفت؛ آن جا که لازم بود «خُدعه» می کرد.

خامنه ای انحلال «پارهنه ها» را اعلام کرد و خود و اولیگارش نظامی - امنیتی را به جای آن نشاند. او به این ترتیب ترم سیاسی - ایدئولوژیک «مستضعفان» را که یک فاکتور مهم در سرباز گیری اجتماعی حاکمیت در چهل سال گذشته بوده، به اجبار به سطل زباله ریخت و صورت حساسی را که جبهه بندی در میدان نبرد به دستش داده بود، تام و تمام پرداخت. راست این است که «آقا» یک شبه خواب نما نشده و یا از عالم غیب به او الهام نشده که دست به چنین تجدید نظری بزند. بی تردید او بیش از هرکس از آن چه در کف خیابانهای سراسر کشور اتفاق افتاد و از میزان خشم و نفرت فرودستان از ولایت اش مطلع است.

قدم به قدم در مسیر عملی شدن بیانیه

تمام دگر دیسیها طی سالهای پس از انتشار بیانیه گام دوم در ساختار حکومت بر پایه همین راهبرد خالص سازی و در چند فاز رقم خورده است.

فاز اول: عملی شدن یکدست سازی، اشغال بهارستان در نمایشی سوت و کور بود. مجلس برآمده از این نمایش از ۷ خرداد ۱۳۹۹، کار خود را آغاز کرد. صلاحیت بسیاری از چهره های شناخته شده و موثر در جمهوری اسلامی برای ورود به بهارستان با تدبیر «مقام معظم» و با امضای آخوند کهن سال، جنتی، تأیید نشد. این کانون فساد را ولی فقیه «مجلس انقلابی» نامید و در آن «جوان گرایی» و «حزب الهی» بودن که خواست خامنه ای است، به طور نسبی در نظر گرفته شده است. با آن چه در نزدیک به چهار سال در این «مجلس انقلابی» جریان پیدا کرد، می توانیم تمام پلشتیهای انباشت شده در جامعه را مشاهده کنیم.

فاز دوم: پروژه یکدست سازی با مهندسی انتخابات برای بر کرسی نشاندن یک گماشته گوش به فرمان. ابراهیم رئیسی، یک قاتل بد نام و فرومایه عملی شد. موقعیت ابراهیم رئیسی برای ولی فقیه و در جهت راهبرد خالص سازی تعیین کننده بود. این موقعیت را باید به طور فونکسیونری ارزیابی کرد. ابراهیم رئیسی مناسب ترین کارگزار و به بیان دقیق تر گماشته، برای سامان دادن پروژه «گام دوم» بود و وجود او برای هشت سال در منصب ریاست جمهوری اسلامی و کاندیدای اصلاح برای «خلیفه سوم» به گفته خامنه ای «محترم و معتنم» بود.

همراه با چالشهای روزانه در درون هرم قدرت، خامنه ای که در تدارک فاز سوم از گام دوم بود با خیزشی جدید روبرو شد. آدینه شب، ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱، جرقه ای بر خشم و نفرت انباشته شده جامعه زده شد که بسیاری از کارگزاران نظام پیرامون وقوع آن هشدار می دادند. اعتراضهایی که پی قتل حکومتی زنده یاد مهسا (ژینا) امینی آغاز شد، شکوهمندترین جنبشها و خیزشها را در سراسر ایران شکل داد که برای چندین ماه بی درپی همچنان جریان داشت و ایران را دستخوش تحولات سرنوشت سازی گرداند.

پیش درآمد فاز سوم از نگاه مردم، کارگزاران حکومت، «خواص بی بصیرت»

جدالهای درون هرم قدرت در آن شرایط نه بین «اصلاح طلب و اصولگرا» و نه حتی بین باندهایی که خود را اصولگرا تعریف می کنند، بلکه بین بخشی از «ذوب شدگان در ولایت» با بخشی از «خواص بی بصیرت» بود و سرنوشت دو انتخابات مجلس و خبرگان را این جدال تعیین می کرد.

پیش از مهندسی فاز سوم، مصطفی فقیهی، روزنامه نگار، سردبیر و مدیر مسئول پیشین و صاحب امتیاز فعلی پایگاه خبری «انتخاب» در روز شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۲، در «سحاح نیوز» نوشت: «خیلی باحال است که در دعوی درون گروهی «خودشان» با «خودشان»، «خودشان» بخشی قابل توجه از «خودشان» را حذف کنند تا «خودشان» بمانند و «حوض خودشان»! و بعد، آن «خودشان محذوف شده (حذف شده)، معترض می شود به «خودشان منتقد» و شکایت می برد به خدای منتقم. این خالص سازی و قدرت طلبی انحصارخوارانه، تا ریز ریز شدن «خودشان منتقد» و تقسیم و تبدیل «محذوفین متأخر» (حذف شدگان جدید)، ادامه خواهد داشت، چون پیروزی در انتخابات بی رونق ۹۸ و ۱۴۰۰، بدجوری به دهان شان مزه کرده!»

بقیه در صفحه ۱۷

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۱۶

خامنه ای به عنوان کارگردان اصلی شعبده ۱۱ اسفند گفت: «بعضیها در مورد برگزاری انتخابات اشکال تراشی می کنند، دلسرد می کنند، توجه نمی کنند که اگر انتخابات در کشور نباشد، یا دیکتاتوری است، یا هرج و مرج و ناامنی است. انتخابات جلوی بروز دیکتاتوری، هرج و مرج و اغتشاش و ناامنی را می گیرد.» (ایرنا، شنبه ۲ دی ۱۴۰۲)

با این استدلال می توان نتیجه گرفت که در دوران شاه نیز به خاطر وجود نمایشی انتخابات، همچون شرایط کنونی، دیکتاتوری حاکم نبوده است.

خامنه ای حرفهای پیشین برای مهار مخالفان درونی را کافی ندانسته و در دیدار مداحان با او شمشیر را از رو بست و گفت: «انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است.» (ایسنا، چهارشنبه ۱۳ دی ۱۴۰۲)

خامنه ای روز یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲، از «اصلاح» حرف زد و مدعی شد که «انتخابات در کشور ما همواره سالم و متین انجام شده این بار هم انشاءالله همین طور خواهد بود». در این جا این سوال مطرح می شود که این چه «انتخابات همواره سالم و متین» است که همه منتخبان آن به شمول بنی صدر، رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد، روحانی و برخی از برگزیدگان آن چون موسوی، کروبی، ناطق نوری، علی لاریجانی و... «فتنه گر، بی بصیرت» و... بوده و هستند؟ راست این است که خروجی مصلحت طلبی امروز ولی فقیه برای گرم کردن تنور حقه بازی موسوم به انتخابات، طرح کلان حيله گرانه «سالم و متین» بودن رویدادی است که بازم به نادرستی نام «انتخابات» بر آن گذاشته اند.

پس از اولین سخنان خامنه ای، مصطفی تاجزاده، معاون سیاسی وزیر کشور سابق و زندانی سیاسی کنونی نوشت: «سیاست ورزان ایرانی، به ویژه اصلاح طلبان، نباید فریب وعده های توخالی رهبر را بخورند. وظیفه آنان مشارکت و معرفی نامزد در انتخابات آزاد و نه در نمایشی رسوا و کاملاً مهندسی شده است.» (تلگرام فردای بهتر، شنبه ۲ دی ۱۴۰۲) و آذر منصوری، دبیر کل حزب حکومتی «اتحاد ملت»، در نهمین گنگره این حزب گفت: «مردم حق خود می دانند زینت بخش انتخاباتی صوری نباشند.» (انصاف نیوز، پنجشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۲)

واکنش جامعه به انتخابات قلابی روشن بود و از جمله در جریان اعتراضهای بازنشستگان بازتاب پیدا می کرد: بازنشستگان فولاد در اصفهان: «از بس دروغ شنیدیم به مجلس رای نمی دیم.» (یکشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۲) بازنشستگان مخابرات در تهران: «ما دیگه رای نمی دیم، از بس دروغ شنیدیم.» (دوشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲) بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری در اهواز: «عدالتی ندیدیم، فقط دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی دیم.» (سه شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲)

فاز سوم: عملی شدن یکدست سازی

دوازدهمین دوره نمایش انتخابات مجلس و ششمین دوره انتخابات خبرگان ولی فقیه، روز آدینه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، برگزار شد. در این نمایش، بی سابقه ترین «قلع و قمع» در رژیم ولایت فقیه از خودیها صورت گرفت. معلوم شد که آش پخته شده با تدبیر «مقام معظم» و به وسیله وزارت کشور رئیسی آن چنان «خالص» است که بسیاری از «خودیها» از چشیدن آن محروم هستند و فقط رهروان گام دوم پای سفره دعوت دارند. تازه این «هنوز از نتایج سحرست» و جنتی تیغ به دست هنوز آماده خدمت به ولایت بود تا چیدمان جدید برای اشغال بهارستان را هرچه بیشتر با گام دوم هماهنگ کند.

شمار بسیاری از مفسران و تحلیلگران حکومتی به وفور اعلام کردند که نمایشی بی رمق در روز آدینه ۱۱ اسفند ۱۴۰۲، به صحنه آورده شد. تحریم گسترده این شعبده از یک خیزش سیاسی کلان رومانی کرد و برای خانواده شهیدان جنبش انقلابی و زندانیان سیاسی لحظه ای شادی آفرید. آمار سازی حکومت و تبلیغات مبلغان فرومایه رژیم نمی تواند در این واقعیت که تحریم به صورت گسترده عملی شده را تغییر دهد. به سبب تحریم گسترده، نمایش انتخابات به دور دوم کشیده شد که در روز آدینه ۲۱ اردیبهشت ماه برگزار شد و این بار هم با تحریم گسترده روبرو شد و اشغالگران بهارستان با کسب آرای کمتر از ده درصد از صاحبان حق رای وارد این نهاد حکومتی شده و بهارستان را اشغال کردند.

خامنه ای هزینه کنار گذاشتن «یاران پیشین» که «ارتشده»های نظام بودند را پذیرفت تا برای مقابله با بحرانها از «شر چالش» در درون هرم قدرت رها شود. اما خصلت و ماهیت نظام و از آن مهمتر وجود «بحران و شرایط انقلابی» در سپهر سیاسی ایران، این راهبر را با چالشها و تنگناهای جدیدی روبرو کرده است و هنوز چند روز از «جهاد و حماسه» ولی فقیه نگذشته بود که دمل چرکین نظام سرباز کرد. خامنه ای این را به خوبی مشاهده کرد و گفت: «چیزی که می تواند شیرینی مجلس جدید را نابود کند و از کارایی بیاندازد، سخنان اختلاف انگیز و ستیزه گریهای دشمن پسند است.» (رسانه های حکومتی، پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲) این «ستیزه گری» را آخوند حمید رسایی چند روز پیش از این سخنان شروع کرده بود.

به گزارش رسانه های حکومتی در سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۲، حمید رسایی در سخنانی گفت: «از مردم تشکر ویژه دارم که فریب بازیهای جریانات سیاسی را نخوردند و فریب شعار وحدت و لیست واحد و این که لولویی هست و همه ما را می خورد، نخوردند و انتخاب آگاهانه داشتند.

بقیه در صفحه ۱۸

صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری، در دفاع از سیاست خالص سازی گفت: «نباید از برچسبهای مثل خالص سازی بترسیم، چون افرادی که این حرف را می زنند، دچار تناقض هستند و امروز تکرار این واژه، اسم رمز حمله به شایسته سالاری شده است.» (انتخاب، جمعه ۲۶ آبان ۱۴۰۲)

در همان روز، حسام الدین آشنا، مشاور حسن روحانی، در توثیقی به این اظهارات واکنش نشان داد و نوشت: «خالص سازی یا شایسته سالاری؟ هیچکدام؛ صادق محصولی سالاری!» (انتخاب)

حرفهای آخوند مجتبی ذوالنوری، نائب رئیس بهارستان اشغال شده، پیرامون روغن سوزی موتور دولت جوان، بیان مشکل کنونی نظام است. او تأکید می کند که «تلاش دشمنان از دیرباز این بوده که بین ولی خدا و امت فاصله بیندازند» و اضافه می کند: «جامعه از سه لایه تشکیل شده که لایه نخست رهبر یا رهبران جامعه، لایه دوم خواص و لایه سوم، توده مردم اند؛ ما در جامعه امروزی خود در لایه نخست و لایه سوم مشکلی نداریم و همه مشکلات کشور در موضوع اجتهاد برخی خواص در برابر نص فرمایشات رهبری خلاصه می شود.» (فارس، یکشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۲)

این مهره پرنفوذ در ولایت خامنه ای به طور معکوس به این واقعیت اعتراف می کند که قطب بندی اصلی در جامعه بین «حکومت» و «مردم» است.

پاسدار حاجی زاده سرکرده هوا فضای سپاه، مقام خواص بریده را شمارش می کند و می گوید: «ما در این چهل سال دیدیم که از مرجع تقلید چپ کرد تا وزیر و وکیل و فرمانده در همه اقشار داشتیم از همه اقشار... فکر نکنیم که ما مبرا هستیم! ما باید از بسیجی بودن خودمان، از انقلابی بودن خودمان، از مومن بودن خودمان ابتدا پاسداری کنیم. اول باید مراقب خودمان باشیم.» (شبکه خبر، جمعه ۱۰ آذر ۱۴۰۲)

آش بریدگی خواص آن چنان شور شده که صدای مجری نماز جمعه مشهد هم درآمده. او کف بر دهان فریاد می زند: «در نظام جمهوری اسلامی پای سفره این نظام نشسته اند و بر علیه ارزشهای این نظام صحبت می کنند... سر منشا و اصلی ترین پایه نظام ما ولایت فقیه است... ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند مگر امت بمیرد علی تنها بماند. وای اگر خامنه ای اذن جهادم دهد.» (تلویزیون آستان رضوی، جمعه ۲۴ آذر ۱۴۰۲)

دعوهایی که اکنون به درون ذوب شدگان در ولایت سرایت کرده را یکی از وزرای دولت خاتمی این گونه تعریف می کند: «چون فضا انتخاباتی هست در حال تکه پاره کردن همدیگر هستند.» و ادامه می دهد: «برخی از افرادی که عاشق رهبری هستند و رگ غیرت شان برای ایشان بیرون می زند، بعضاً در برخی از جلسات به صورت خصوصی به من می گفتند آقای صوفی مملکت روی هوا است و فقط هم شخص رهبری باید کاری انجام دهد.» (سایت رویداد۲۴، جمعه ۲۴ آذر ۱۴۰۲)

سعید حجاریان گفت: «کسر شأن خود می دانم که در این انتخابات رسوا شرکت کنم.» (اصلاحات نیوز، شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲)

روزنامه حکومتی هم میهن در روز یکشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۲، نوشت: «هیچ خبری مثل ردصلاحیت سید محمود علوی، وزیر سابق اطلاعات با حواشی و واکنش همراه نبود... چگونه می شود بالاترین مقام وزارت اطلاعات در یک دوره ای که از قضا دور نیست و خود در تأیید یا عدم احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات گذشته نقش داشته است، حال به دلیل عدم تأیید صلاحیت او، از انتخابات مجلس کنار گذاشته می شود؟»

احمد علم الهدی گفت: «از همان اول این زرمزه را دشمن توی دهنها انداخته که مردم ناراضی هستند، مردم معیشت شان خراب است مردم سفره شان خوب نیست و چون مردم معیشت شان خوب نیست و مساله مشکلات اقتصادی الان دارند، این مردم توی انتخابات شرکت نمی کنند، مشارکت این دفعه ضعیف است، به خاطر مشکلاتی که مردم دارند، در معیشت و اقتصاد. اصل این زرمزه رو دشمن انداخته یک عده عناصر و جریانهای مساله دار و زاویه دار با نظام هم همین را دارن بازنشر می کنند. متأسفانه همین کلمه هم توی دهنها خیلی خودیها داره می چرخه که مردم به خاطر مشکلات شان توی انتخابات شرکت نمی کنند، خودیها هم دارند می گویند. یعنی از دشمن این زرمزه شروع شد و آمده توی دهن خودیها هم داره می چرخه.» (تلویزیون شبکه خراسان، سه شنبه ۱۹ دی ۱۴۰۲)

پیش از او احمد خاتمی امام جمعه همیشه موقت تهران گفته بود: دشمنان برای انتخابات برنامه دارند و می خواهند در فضای سرد و بی رمق برگزار شود. توطئه آینده دشمنان این است که ۱۱ اسفند را به فراندوم علیه نظامی اسلامی مبدل کنند.» (فارس، ۶ آذر ۱۴۰۲)

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۱۷

رسانه حکومتی «هم‌میهن» در شماره روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۲، نوشت: «متأسفانه بیش از ۹۰ درصد تأیید صلاحیتها در پشت آراء باطله قرار گرفتند؛ یعنی رای آنها کمتر از آراء باطله بود.

رسانه حکومتی «فرهیختگان» وابسته به علی اکبر ولایتی، مشاور ولی فقیه، در شماره روز دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۲، از «پایین‌ترین مشارکت انتخاباتی تاریخ جمهوری اسلامی» خبر داد و افزود: «جامعه در ناراضی‌ترین شرایط ممکن سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» است و مهمتر از همه این که: «پرونده حوادث ۹۸ و ۴۰۱ که در خیابان باز شده بود در میدان سیاست هیچگاه بسته» نشده است. گزارش داد.

بالگرد به کوه خورد، خالص سازی روانه بایگانی شد

نقشه راه خالص سازی گرچه به برخی از چالشهای مسیر گام دوم غلبه می کرد، اما نقش ویرانگری داشت که مثل موریانه بدنه نظام را می خورد و آن را برخلاف نظر ولی فقیه پیر و فرسوده می کرد و در این میان ابر و باد دست در دست هم برای چرخ گردون، بازیچه جدیدی آفریند که سرنوشت «خالص سازی» را با سرنوشت «خادم الرضا» و «عزیز دُرْدانه» ولی فقیه پیوند زد و روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳، خبر سقوط بالگرد رئیسی در نزدیکی روستای اوزی ورزقان در شمال استان آذربایجان شرقی پوشش رسانه ای پیدا کرد.

این که کارگزاران اصلی نظام طی حدود بیست و چهار ساعت پس از این رویداد، انبوهی از دروغ و ابهام را روانه بازار رسانه ها کردند، ناشی از بی اطلاعی یا حماقت آنان نبود. همه دست اندرکاران اصلی، به ویژه وزیر کشور و اعضای شورای امنیت ولایت می دانستند که به گفته ولی فقیه دیگر سید «محترم و معتنم» وجود ندارد. سیاست آنان پخش ابهام و دروغ برای آمادگی برابر بروز خشم و نفرت جامعه بود که در همان ساعت اول پخش خبر نمونه های آن بروز علنی پیدا کرد. اگر تمرکز به ظرفیت رئیسی، قائم به ذات (خود علت و دلیل وجود خود) باشد، نتیجه ای جز این گرفته نمی شود که تنها زیان این رویداد برای ولی فقیه از دست دادن یک نورچشم اش است که تنها هنر او «قاتل» بودن بود.

ولی فقیه بی درنگ پس از هلاکت رئیسی گفت: «ملت ایران [بخوانید دلواپسان و کارگزاران ولایت] نگران و دلواپس نباشند، هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی آید.»

اما اکنون که مرحله سوم پروژه «گام دوم» با نمایش بی رمق، رسوا و ننگین موسوم به انتخابات به سرانجام رسیده و «کدایی، عجز و التماس» محمد خاتمی برای داشتن چند نفر در مجلس بی نتیجه مانده و با وجود هزینه های کلان ولی فقیه طی چند سال گذشته برای یکدست سازی و در تکامل آن خالص سازی، در جهت پیاده کردن پروژه «گام دوم» که هدف آن «حکومت، جامعه و تمدن اسلامی» است، تحلیل این که «هیچ اختلالی» در نظام به وجود نمی آید ساده اندیشانه است.

پروژه گام دوم در قد و قواره «اصلاح طلبان حکومتی» و «اعتدالیون» که خواستار «مشروط» کردن ولایت و به بیان دقیق تر «تقسیم» ولایت هستند، باوجود همه مشارکت آنان در سرکوب جامعه، نیست. این پروژه در مسئولیت سرکوب به جنایتکارانی از جنس پاسدار احمدرضا رادان نیاز دارد که اعلام کند: «بی حجابی، دلها را به سقوط می کشاند.» تا آن جا که به خامنه ای مربوط می شود، «سه سه بار به نه بار» قسم خورده و تاکید کرده که تصمیمی برای «نرمش» در برابر جامعه ندارد و جامعه نیز از قیام دی ماه ۹۶ تاکنون و طی چندین هزار حرکت میدانی، نشان داده که کف خواسته اش سرنوشتی نظام در کلیت آن است.

برخی از واکنشها پس از این رویداد به نقل از شبکه های اجتماعی:

با هلاکت رئیسی موجی از شادی جامعه را فرا گرفت. «داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد»

که پیش از این به «مویه» می نشستند، فریاد شادی سر دادند و برای همین پلیس فتا از تشکیل پرونده قضائی برای منتشرکنندگان «مصادیق توهمین آمیز» درباره سقوط بالگرد ابراهیم رئیسی خبر داد.

- استوری مادر دادخواه شهید راه آزادی محمد طاهری: «تک تک جنایتکاران تاوان پس خواهند داد».

- استوری مادر شهید بهنام محجوبی: «از هر کرانه تیر دعا کرده ام رها/ باشد که زان میانه یکی کارگر شود».

- استوری مادر شهید غزاله چلابی (کوهنورد آملی): «قدردانی کوه از تو و مهربونیت مثال زدنیه... فقط ذره ای از انتقام خونت رو گرفت...»

بقیه در صفحه ۱۹

امیدوارم در دوره‌های بعد شاهد باشیم تا کسانی نتوانند با روابط فامیلی و نزدیک شدن به چهره‌ها و شخصیتها و کیف کشی بدون اینکه صلاحیت لازم را داشته باشند در عرصه سیاست رشد کنند.»

همه رسانه های حکومتی اعلام کردند که مخاطب رسایی کسی جز قالیباف نیست.

نکته جالب این که چند ساعت پس از سخنان ولی فقیه، تلویزیون تحت امر خامنه ای در یک برنامه زنده با حضور حمید رسایی این امکان را ایجاد کرد که وی قالیباف را به طور صریح به عنوان مخاطب سخنانش نام ببرد.

«روزنامه جوان» وابسته به سپاه پاسداران در پاسخ تندی به حرفهای رسایی بدون درنگ نوشت: «رسایی - رذصلاحت شده در یکی از دوره های پیشین - این بار با تکرار واژه هایی که شبکه های صهیونیستی، اینترنشنال و منوتو در دهان معاندان انداختند، مثل «کیف کشی» و «روابط فامیلی» برخی افراد را «شدیافته بدون صلاحیت در عرصه سیاست» نامیده است. این حرف، گزاره بسیار دقیق و درستی است، اما مصداق عینی و اول آن خود اوست و باید نشان دهد که مراحل رشد سیاسی خودش چه بوده و از کجا آغاز کرده تا به اینجا رسیده است که در نخستین سخنان پس از انتخاب، همه دغدغه های دلسوزان نظام و رهبری معظم برای وحدت و انجام وظایف نمایندگی، بدون ورود به حاشیه ها را به کنار زده و با یک فرمان تفرقه افکن و توهم قدرت و ریاست مجلس به جلو آمده است.»

در میان چهار نفر اول از حوزه تهران که کارت سبز برای ورود به بهارستان اشغال شده گرفته اند، حمید رسایی نفر دوم است. نفر اول محمود نویان، نفر سوم امیر حسین ثابتی و نفر چهارم محمد باقر قالیباف. سه نفر اول از جبهه پایداری و نفر چهارم کاندیدای اصلی «شورای ائتلاف نیروهای انقلاب [بخوانید ارتجاع]» (شانان) بود. این ائتلاف با مدیریت حداد عادل هدایت می شد.

مقام رای باطله

پیرامون شُبده ای که در روز یازده اسفند سال ۱۴۰۲، با نام «انتخابات» رونمایی شد، حرف و حدیث زیادی در رسانه های حکومتی گفته و نوشته شده است، اگرچه آمار حکومتی قابل اعتماد نبوده و وجود این خروجی این معرکه گیری برای نظام یک **فاجعه بی سابقه** و برای مردم یک **کنش مبارزاتی قدرتمند** را به ثبت رساند. مقام معظم بیهوده در تلاش بود تا صورت سرخ شده از سیلی مردم را به حساب پیروزی در «جهاد» واریز کند. حرفهای نایب خلیفه اش در خراسان «پته رونق» نمایش انتخابات را روی آب آورد.

آخوند تبهکار علم الهدی، عضو مجلس خبرگان ولی فقیه و گماشته خامنه ای در خراسان، در مورد این که اکثریت مردم، به اعتراف کارگزاران نظام در انتخابات شرکت نکردند، گفت: «در اسلام اکثریت به خودی خود مورد پذیرش قرار ندارد و فقط در جایی که رجحان ثبوتی در خصوص موضوعی مشخص نبوده یا مردد باشد از باب تشخیص رجحان اثباتی به اکثریت مراجعه می شود، در این میان مراد از اکثریت، اکثریت متدین و معتبد است نه اکثریت عاصی و متمرد، بنابراین برای اکثریتی که به دستور و فرمان رهبری در خصوص شرکت در انتخابات عمل نکردند، در مقابل رجحان اثباتی اقلیت جایگاهی وجود ندارد.» (تسنیم، سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۲)

این توجیه که برای «انتخاب شوندگان» در یک نهاد عرفی، برای مثال «مجلس قانونگذاری»، نیاز به «رجحان ثبوتی» ندارد، بیان این واقعیت است که در نظام ولایت فقیه اصل «انتخاب مردم» به رسمیت شناخته نمی شود.

محمد مهاجرى، روزنامه نگار اصولگرا یک روز پس از نمایش انتخابات در شبکه ایکس (توییتر سابق) نوشت: «نتیجه انتخابات مجلس در اکثر شهرها حتی کلانشهرها و از جمله تهران عجیب و جالب است. یعنی نفر اول یا دوم، آرای باطله است. جا دارد به اعضای محترم شورای نگهبان به خاطر این کاردستی هنرمندانه تبریک بگویم.»

در همین روز، رسانه حکومتی «نگین نیوز» نوشت: «در حالی که حوزه انتخابیه شهریار، قدس و ملارد نزدیک به یک و نیم میلیون جمعیت دارد، نماینده اصولگرا این شهر با ۵۶ هزار و ۵۲۹ رای وارد مجلس شد. این در حالیست که در این حوزه ۵۴ هزار و ۱۹۵ رای باطله به ثبت رسیده است.»

به گزارش روز یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲، رسانه حکومتی «چندثانیه»، آرای باطله در شهر تهران بیش از ۵۰۰ هزار رای (معادل ۲۷ درصد آرای مآخوذه) است.

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۱۸

- فواد چوبین، دای جاوید نام آرتین رحمانی از شهیدان جنبش انقلابی با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: اطلاعات، امروز خواهرم هنگامه چوبین و روجا چوبین رو تهدید کردند. گفتن: این آخرین اخطار است اگر استوری بذارین، شادی کنید به خاطر حادثه رئیس جمهور به اون بچه هاتونم هم رحم نمی کنیم همشون رو می کشیم!

خواستم بهتون بگم با تهدید فقط ما رو خشمگین تر می کنید. سکوت نمی کنیم! شادی هم می کنیم و اسه مرگ تک تکتون... پابرجا ایستاده ایم. راهمون ادامه می دیم تا نابودی جمهوری اسلامی.

- برادر جاوید نام نوید افکاری در واکنش به مرگ رئیسی نوشت: وحید تعریف می کرد چند روز بعد از قتل نوید، چند نفر از سمت ابراهیم رئیسی نماینده شده بودند و به ملاقات وحید در زیرزمین زندان عادل آباد شیراز رفتند. نماینده هایش به وحید گفتند حاجی (رئیسی) گفته که قفسیه را جمعش کنیم. یا در تلویزیون بگو من مجرم هستم؛ یا همین جا اول حبیب و بعد خودت را اعدام می کنیم. امیدوارم حداقل برای چند لحظه هم که شده ذره ای از دردی که ما کشیدیم را در این ساعتها تجربه کرده باشی.

- شماری از مادران شهیدان بوکان، یک روز پس از هلاکت ابراهیم رئیسی با حضور بر مزار فرزندان شان، علامت پیروزی نشان دادند.

- امجد حسین پناهی، برادر جاوید نام رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی کُرد که سال ۹۷ اعدام شد، در شبکه اجتماعی ایکس پیامی از مادر دادخواه، دایه شریفه را منتشر کرد. در این پیام که با هشتک «سقوط جلا» منتشر شده به نقل از این مادر دادخواه آمده: «خوشحالم جلا دیگری کم شد، خوشحالم چون امروز هزاران مادر داغیده مثل من خوشحالند و خوشحالم چون پسر رامین با امضای همین جلا، بیگناه اعدام شد.»

- جوانا طمیسی، همسر جاوید نام محسن مظلوم، یکی از چهار زندانی سیاسی شهید کُرد که در بهمن ماه ۱۴۰۲، اعدام شد، با هشتک «سقوط جلا» در شبکه ایکس نوشت: «برای محسن، پُژمان، وفا، محمد و همه اعدامی ها.»

زهرا مالکی نیا، مادر زنده یاد امیررضا همت آزاد، از شهیدان خیزش انقلابی ۱۴۰۱، در اینستاگرامش نوشت: «روز شادی ماست. در عزایمان خندیدند و رقصیدند. باشد که در عزای شان بخندیم و برقصیم.»

خامنه ای در برابر انتخاب «اصح» یا «صالح»

به دنبال انتشار خبر هلاکت ابراهیم رئیسی، ولی فقیه معاون رئیسی را مامور ادامه کار دولت تا انتخاب رئیس جمهور جدید نمود.

روز آدینه ۸ تیر ۱۴۰۳، شُعبه انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. از قوطی معرکه گیری جنتی شش تن از کارگزاران نظام که جملگی خود را «ذوب در ولایت فقیه» اعلام کردند تأیید صلاحیت شدند. از نظر شورای نگهبان به نیابت از خامنه ای، هر کاندیدا که صلاحیت اش تأیید شود، «صالح» است. اما ولی فقیه بارها گفته باید کاندیدای «اصح» را انتخاب کرد. رسانه های حکومتی دو نفر از این شش خودی را «نخودی» می دانستند که سرانجام میدان رقابت را ترک کردند.

تا پایان ماه خرداد دو پیش نمایش تحت عنوان «مناظره» صورت گرفت که هیچ ربطی به مناظره واقعی و رایج ندارد. از «بیت آقا» فرمانهایی به بازیگران ابلاغ شده که در مورد برخی از مسایل از جمله نقد دوران رئیسی و کنکاش در مورد نهادهای تحت امر ولی، حرفی مطرح نشود. اما باوجود این محدودیتها و نصیحت ولی فقیه برای «لجن پراکنی» نکردن، جدال بین کاندیداها و بین جلیلی و قالیباف با شدت ادامه داشت.

آخوند حمید رسایی از باند پایداری و از اشغالگران بهارستان در شبکه ایکس نوشت: «آقایانی که ۲۰ سال است می خواهید یک نفر [بخوانید قالیباف] را رئیس جمهور کنید، اگر با بستن دهانها قرار بود کسی رئیس جمهور شود، ناطق نوری در سال ۷۶، هاشمی رفسنجانی در سال ۸۴ ریس جمهور می شدند. ۲۰ سال است نتوانستید، باز هم نمی توانید. انتخابات ۱۱ اسفند نشان داد که صحن علنی جامعه غیر از صحن علنی مجلس است.»

در پاسخ به این طعنه نیشدار رسایی به قالیباف، رسانه حکومتی جوان، وابسته به سپاه پاسداران با حمله به رسایی نوشت: «آنچه امروز جبهه انقلاب گرفتار آن است فاصله گرفتن از کار تشکیلاتی از مرحله ثبت نام و اجازه «آتش به اختیار» برای ثبت نامها و به هم ریختگی در فضای تبلیغاتی و زدن نامزدهای خودی در فضای مجازی - هرچند معتمد تخریب رقیب در جبهه مقابل هم رفتاری زشت و تقیب شده است - می باشد.» (سه شنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۳)

از میان خبرها و تفسیرهای رسانه های حکومتی حدس زده می شد که قالیباف، «اصح» و کاندیدای مورد نظر خامنه ای است.

شُعبه موسوم به انتخابات در روز آدینه ۸ تیر ۱۴۰۳، به سرانجام رسید و به دور دوم کشیده شد. از میان چهار کاندیدا که در رقابت شرکت کردند، مسعود پزشکیان و سعید جلیلی روانه دور دوم شدند و این رقابت در شرایطی بود که نمایش در دور اول با تحریم گسترده روبرو شد. کُنش پرشکوه تحریم آن چنان برجسته و واضح بود که خامنه ای طی سخنانی بی سابقه به آن اعتراف کرد و پنج روز پس از برگزاری دور اول شُعبه انتخابات گفت: «در مرحله نخست مشارکت آن گونه که توقع داشتیم و حدس می زدیم نبود.» او در یک فرار به جلو گفت: «این که تصور شود کسانی که در دور اول رأی ندادند مخالف نظام هستند، برداشت کاملاً اشتباهی است.» با استناد به گفته ها و استدلالهای پیشین خامنه ای می توان نتیجه گرفت که این عدم شرکت به طور دقیق به خاطر مخالفت با نظام است و باید اضافه کرد که این تنها مخالفت نیست بلکه انزجار است. ۲۳ سال پیش خامنه ای در نماز جمعه تهران در روز ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۸۰، گفت: «برای یک ملت - مثل بعضی از ملت‌هایی که شما می بینید، با همه باد و بروتی که دارند - ننگ است که در انتخابات ریاست جمهوری اش، سی و پنج درصد یا چهل درصد حائزان شرایط شرکت کنند. پیداست که مردم به نظام سیاسی خود نه اعتماد دارند، نه اعتنا می کنند و نه امید دارند.»

شُعبه هشتم تیر با گسترده ترین تحریم روبرو شد و براساس آمار سه برابر شده، میزان شرکت چهل درصد و کاندیدای «اصح» خامنه ای حذف، پزشکیان و جلیلی روانه دور دوم شدند. دلیل مستند و علمی سه برابر کردن آمار شرکت کنندگان پوشش خبری گسترده ای پیدا کرد. تعداد رای کاندیداها حتی تعداد کل و تعداد رای باطله هم بر سه بخش پذیر است! احتمال این که تعداد آرا برای هر چهار کاندیدا و آرای باطله، همگی مضربی از ۳ باشد، برابر با ۱ در ۲۴۳ است، یعنی ۴ هزارم. این احتمال بسیار کم است و وقوع چنین حالتی به صورت تصادفی تقریباً غیرممکن است. هوش مصنوعی احتمال چنین رویدادی را تقریباً ۰.۰۰۵۲۵ درصد اعلام کرد. یکی از نمونه های بی اعتنایی به نظام را عماد الدین باقی پوشش داده است. او در حساب کاربری خود در شبکه ایکس نوشت: «کاسب محل می خواست رای دهد که پیامک وزارت کشور آمد «رای شما به نظام است» او هم منصرف شد.»

دور دوم شُعبه

پیش از به صحنه آوردن دور دوم نمایش، خامنه ای روز چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۳، گفت: «اگر مردم در مرحله دوم مشارکت واضح تر و بهتر و روشن تری داشته باشند، نظام جمهوری اسلامی این توانایی را پیدا خواهد کرد که حرف خودش و نیات و مقاصد خودش را چه در داخل کشور و چه در مجموعه امتداد راهبردی کشور تحقق ببخشد.»

بنابراین از نظر ولی فقیه، مشارکت در رای گیری به معنی پیشبرد «حرف، نیت و مقصد» نظام است. در همان ساعاتهای اولیه رای گیری دور دوم در روز ۱۵ تیر هم خامنه ای گفت: «شنیدم که شوق و علاقه مردم بیشتر از قبل هست خدا کند این جور باشد.» وزارت کشور هم پیام را دریافت کرد و این بار «ضریب» را بالاتر برد. اما شُعبه سوت و کور موسوم به انتخابات به پایان رسید و اکنون با رئیس جمهوری روبرو هستیم که بر طبق آمار چند برابر شدن حکومتی، تنها از حمایت «۲۶ درصد صاحبان حق رای» برخوردار است. این وضعیت را بسیاری از کارشناسان حکومتی و مستقل، «قهق» مردم با نظام توصیف کرده و برخی دیگر گفته اند که این دیگر «قهق» نیست و «طلاق» است.

نکته مهم در این رابطه، نه در رابطه با رئیس جمهور حداقلی، بلکه پیرامون دو شکست کلان ولی فقیه در این شُعبه است. خامنه ای که ضربه تحریم بی سابقه نمایش انتخابات مجلس بر پیکر ولایتش را با پوست و گوشت و استخوان حس کرده بود، به شورای نگهبان دستور داد تا برای رونق بخشیدن به نمایش موسوم به انتخابات، فقط صلاحیت یکی از کاندیداها که در قَد و قواره خالص سازی نیست را تأیید کند. در ارزیابی ولی فقیه مسعود پزشکیان خطر جدی برای مهندسی انتخابات نبود و بنابراین او می توانست کاندیدای مورد نظر خود که کُبی نه چندان روشن رئیسی بود را در مسند ریاست جمهوری منصوب کند، که چنین نشد و خامنه ای از کاندیدای «اصح» تحت اجبار صرف نظر کرد و به «صالح» تن داد.

تحریم انتخابات یک گام بزرگ دیگر جنبش انقلابی است که آن را به ویژه از نظر همبستگی درونی تقویت کرد. مردم معترض در یک حرکت سراسری و متحدانه، نبردی سیاسی با رژیم ولایت فقیه را پیروزمندانه به فرجام رساندند. این تجربه ارزشمند بی تردید نقطه اتکالی است که جامعه در دیگر میدانها و اشکال مبارزاتی بدان تکیه خواهد زد. از سوی دیگر، تحریم بساط حاکمیت، بسا فراتر از حرکتی با درونمایه سیاسی ناب است؛ تحریم به ویژه از آن رو که «نظام» با پرچم دین و اسلام وارد میدان شده بود، موجب تقویت فرآیند سکولاریسم از یک سو و آماجهای دموکراتیک همراه آن از سوی دیگر خواهد شد.

گزارش سیاسی...

خامنه ای مجلس ارتجاع را به توپ بست

بقیه از صفحه ۱۹

از پایان شعبده تا تایید رسمی خروجی نمایش

روند کار در رژیم ولایت فقیه چنین است که در ابتدا شورای نگهبان «صحت» شعبده را تایید می کند و پس از آن «تنفیذ» از جانب ولی فقیه و «تحلیف» از جانب مجلس، صورت می گیرد. تاکید می شود که در ماده ۱۱۰ و در دیگر ماده های قانون اساسی جمهوری اسلامی پدیده ای با عنوان «تنفیذ» به عنوان یکی از اختیارات ولی فقیه وجود ندارد. در ماده ۱۱۰ «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم» از اختیارات ولی فقیه است. اما خامنه ای به پیروی از خمینی این مورد را باب کرده و در حکم خود از واژه «منصوب می کنم» استفاده می کند.

مسعود پزشکیان، روز یکشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۳، از جانب ولی فقیه، تنفیذ شد. سخنگوی شورای نگهبان در مورد تنفیذ گفت: «ما در مبانی دینی داریم که مسئولیت حکمرانی کشور در زمان غیبت برعهده یک فقیه جامع الشرایط است. در کنار آن اصل ۵۶ داریم که قوای حاکم بر جمهوری اسلامی ایران را ذکر می کند که ذیل نظر امامت، امت مسئولیت های خود را ادامه می دهند. تلافی رای مردم و اعتبار بخشی به آن در اینجا کاملاً روشن است. امضای حکم رئیس جمهور به دست ولی فقیه یعنی اقدامات رئیس جمهور اعتبار شرعی و قانونی می یابد. تنفیذ به معنای مشروعیت بخشی و نظارت بر اقداماتی است که تاکنون انجام شده است.» (صراط نیوز، ۷ مرداد ۱۴۰۳)

با این سخنان روشن می شود که «انتخابات» در نظام جمهوری اسلامی پدیده ای پوچ و فاقد معنی واقعی است.

بعد از مراسم تنفیذ، مراسم تحلیف در روز سه شنبه (۹ مرداد ۱۴۰۳) برگزار شد و پزشکیان به قرآن سوگند خورد و سوگندنامه را امضا کرد.

پزشکیان محصول سترونی نظام

اگر برای نزدیک شدن رژیم ولایت فقیه به پایان راه خود تابلوی علامتی وجود می داشت، بی تردید نمایش انتخابات ریاست جمهوری می توانست به خوبی این وظیفه را عهده دار شود. «نظام»، شکست خورده در راههای آزموده و ناتوان در گشودن راه جدید، سرگردان در دایره ای بسته به گرد خویش می چرخد و خود را تکرار می کند. قدرت حاکم هم به لحاظ سیاسی و هم ایدئولوژیک عقیم است و از نهاد آن پاسخی برای چالشهای بزرگ پیش رویش زاده نمی شود. پزشکیان محصول این سترونی است. دست «نظام» او را از گذشته به حال آورد تا دو قطبی منسوخ شده «اصلاح طلب - اصولگرا» را نه احیاء، بلکه شبیه سازی کند. ریخته شدن فکاهی اعتدال - اصلاحات در قالب سیاسی پزشکیان با همان بازیگران دوگانه و با همان لفاظیهای تهی بودن این رونما از خط و برنامه عمل واقعی و نیابتی بودن موجودیت سیاسی اش را بازگو می کند.

کارل مارکس در کتاب ارزشمند «هجدهم بروم لوئی بناپارت» نوشت: «هگل در جایی اظهار می کند که تمام وقایع بزرگ و شخصیت های تاریخی دو بار ظاهر می شوند. او فراموش می کند اضافه کند که: بار اول به صورت تراژدی، بار دوم به صورت کمدی.»

حرفهای مسعود پزشکیان در روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۳، در مجلس ارتجاع به شکلی یادآور به توپ بستن مجلس اول مشروطه به دستور محمد علی شاه بود و با این گفته ها «از پرده برون افتاد راز».

در روز سه شنبه ۲ تیر ۱۲۸۷ خورشیدی (۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ میلادی)، ولادیمیر لیاخوف فرمانده بریگاد قزاق روسی به دستور محمدعلی شاه قاجار ساختمان مجلس شورای ملی را به توپ بست و بدین ترتیب مجلس اول مشروطه تعطیل و دوران دیگری از استبداد بر کشور حاکم شد.

تفاوت های مجلس اول مشروطه در ماهیت و فرم پوشیده نیست. اعضای مجلس اول بخش قابل توجهی از جامعه را نمایندگی می کردند. در انتخاباتی به طور نسبی دموکراتیک و آزاد انتخاب شده بودند و برای همین در مقابل محمد علی شاه مقاومت کردند و تنی چند از آنان اعدام شدند. در حالی که اعضای مجلس دوازدهم ولایت خامنه ای در انتخابات فرمایشی، غیر آزاد و غیر دموکراتیک و با کسب چهار، پنج درصدی صاحب حق رای، کرسیهای بهارستان را اشغال کرده اند.

جنبه مشترک این دو رویداد در وجود محمد علی شاه و سید علی خامنه ای نشان داده می شود و گرچه این بار درگیری مسلحانه در کار نبود، اما سایه مخوف اطلاعات سپاه و دیگر نهادهای امنیتی تحت امر ولی فقیه یادآور بریگاد قزاق روسی به فرماندهی لیاخوف است.

مسعود پزشکیان در آخرین دفاع از وزیران پیشنهادی گفت: «من نمی خواهم جزئیات را بگویم، من می خواهم بگویم هماهنگ شده ایم و به اینجا آمده ایم، شما از ما بپذیرید، خانم صادق را خود آقا گفتند که باشد، چرا مرا وادار می کنید چیزهایی که نباید را بگویم، همه این عزیزان با هماهنگی و تفاهم به اینجا آمده اند، خیلی از آدمهایی که یک ذره در آنها شک بود، بدون اینکه بگویم، در لیستها نیاموردم... دکتر عراقچی، اولین کسی بود که آقا تایید کردند حتی قبل از اینکه اسامی وزرا را اعلام کنیم... این طور نیست که اگر جهت گیری کسی در مقابل ولایت باشد بنده با او کنار بیایم... وزیر ارشاد که نمی آمد، آقا به او دستور داده و آمده، من نمی خواهم این حرفها را بزنم، چرا مرا وادار می کنید این حرفها را بگویم... برای انتخاب آقایان عراقچی، خطیب، مومنی، کاظمی، سرتیپ نصیرزاده، سیمایی صرف بدون هماهنگی این کار را نکرده ایم؛ چه با کمیته ها و چه با بالا و کسانی که باید هماهنگ می کردیم.»

تردید نیست که این سخنان که بیان واقعیت انکارناپذیر است، مطلوب ولی فقیه که همواره مسئولیت کردار خود را نمی پذیرد، نیست. اما پزشکیان نه در شکاف با ولی فقیه که در موضع دفاع از حمله های اعضای باندی است که در شکله دولت به بازی گرفته نشده اند. پیش از بیان این حرفها، امیرحسین ثابتی از باند سعید جلیلی در مخالفت با عراقچی گفت: «بازی خطرناکی به راه افتاده است. فردی گفته یک نفری [بخوانید ولی فقیه] گفته عباس عراقچی حتما باید وزیر شود. دیروز پیش عزیزی رفتیم می گویند به کل وزرا رای بدهید. این چه استدلالی است. اگر این طور است مجلس را تعطیل کنید.»

حرف ثابتی که در عمل با تایید کابینه رئیس جمهور حداقلی در مجلس پوشالی به اثبات رسید، نه از «حب علی» که از «بغض معاویه» است. ثابتی که تاکنون مرید سعید جلیلی بوده در تبعیت از مرادش به دنبال «حکومت و تمدن اسلامی» است که نقشه راه خامنه ای و در «بیانیه گام دوم انقلاب [بخوانید ارتجاع]» بیان شده است. بنابراین حرف ثابتی نه به خاطر دفاع از «حق مجلس» بلکه برای «سهم خواهی» است که در کابینه پزشکیان از آنان استفاده نشده است.

اما از آن اصلاح طلبان حکومتی که مدعی «توسعه سیاسی» هستند و در برابر «تعطیل» کردن مجلس به وسیله ولی فقیه به خاطر رای به کابینه پزشکیان، خوشحالی می کنند و تبریک می گویند، نباید گذشت. این فرصت طلبی را حمید ابوطالبی، یکی از دیپلمات های سابق وابسته به باند «اعتدال» (حسن روحانی) در صفحه شخصی خود در «ایکس» این گونه تحلیل می کند: «جناب آقای پزشکیان، در زبان انگلیسی اصطلاحی هست که می گوید "Winning a battle, losing the war". به این معنا که "یک نبرد را بردید، اما جنگ را باختید". به شما تبریک می گویم. شما در نبرد با مجلس برنده شدید؛ ولی جنگ یک صد ساله برای مشروطیت و جمهوریت را واگذار کردید.»

«وفاق ملی» مرغ پخته را هم به خنده می اندازد. کابینه «وفاق ملی» یک شوخی بی مزه و بی معنی است. البته به ابتداء کشیدن واژه ها امری رایج در نظام خمینی ساخته است. واقعیت این است که این کابینه به گفته پزشکیان برای مهار «بحرانها» [بخوانید بحران انقلابی] است. پزشکیان می گوید در غیر این کابینه «بعید می دانم بتوانیم از این بحرانها بیایم بیرون... و مردم امروز از ما ناراضی اند؛ مقصر ما هستیم، مقصر آمریکا و بیگانگان نیستند.»

این گفته آخر از کشاورزان اصفهان برای اولین بار در شعار «دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست» مطرح کردند و سرکوب شدند.

پزشکیان کوچک تر از آن است که بتواند برای بحرانهای ولایت خامنه ای، به ویژه پس از هلاکت رئیس که پروژه یکدست سازی و در تکامل آن خالص سازی را بر باد داد، آبی گرم کند.

واقعیت این است که کابینه مسعود پزشکیان نه بویی از «وفاق» دارد و نه خصلت «ملی» و تنها یک حقه بازی نخ نما شده است. این کابینه بیان واقعی درماندگی نظام و در راس آن خامنه ای در شرایط پس از جنبش انقلابی سال ۱۴۰۱ است. پس از هلاکت رئیس و پس از تحریم بی نظیر پنج شعبده انتخاباتی است. اش این «تفاق» موسوم به «وفاق» چنان رژیم سوز شد که مهدی فضالی عضو «دفتر حفظ و نشر آثار» خامنه ای با هشدار به میدان آمد و در حساب خود در شبکه ایکس نوشت: «مراقب باشیم بحث بر سر دوقطبی خودش موجب قطب بندی نشود.» (خبر آنلاین، شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۳)

سعید جلیلی، سرکرده دولت در سایه، وفاق پزشکیان را «کج فهمی»، «نمایشی و کاریکاتوری» معنی می کند و می گوید: «نمی شود صحبت از وفاق و وحدت کرد اما کسانی که را بیشترین تفرقه افکنیها و کینه توزیها را در سابقه خود داشته اند را وارد میدان کرد... سخن از وحدت نباید به صورت یک حرکت نمایشی و کاریکاتوری یا یک بازی سیاسی مطرح شود.» (فرهیختگان، چهارشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۳)

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۰

جنگ طلبی و آشوبگری سیاست راهبردی نظام ولایت فقیه

پیش از ورود به جنگ ویرانگر غزه و ادامه آن، نگاهی به دیدگاه جنگ طلبانه خمینی که اکنون خامنه ای از آن پیروی می کنند مفید است. آخوند محمد مهدی میرباقری، عضو مجلس خبرگان و رئیس «فرهنگستان علوم اسلامی قم» روز دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳، در مصاحبه با برنامه تلویزیونی «جریان» در شبکه یک سیمای رژیم از «اجتناب ناپذیر» بودن جنگ با «کافران» که «در آینده افزایش پیدا خواهد کرد» سخن گفت و پیرامون خسراهای آن تاکید کرد که: «برای رسیدن به مقصد قرب الهی حتی اگر نصف مردم جهان کشته شوند، می ارزد؛ لذا کشته شدن ۴۲ هزار نفر از مردم غزه در قبال آن مقصد بزرگ اهمیت ندارد، البته کشته شدن شکست نیست؛ بلکه احدی الحسینین است و در هر حال، پیروزی است. به ویژه آنکه کسانی که کشته شوند، نمی میرند؛ بلکه زنده اند.»

این سخنان جنجال زیادی در درون حکومت ایجاد کرد و حرفهای این آخوند طرفدار دولت سایه را «خلاف عرف و خلاف اسلام» اعلام کردند. گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در بیانیه ای این سخنان را «مخالف صریح آموزه های اسلامی در زمینه صلح، همزیستی انسانی و همبستگی بشری» اعلام کرد.

اما همه مخالفان میرباقری به این نکته که این سخنان ویرایش جدیدی از سخنان خمینی است ورود نمی کنند. خمینی روز سه شنبه ۶ مرداد ۱۳۶۶، در پیامی با عنوان «برائت از مشرکان و تبیین وظایف مسلمین و مشکلات جهان اسلام» اعلام کرد: «ملت شریف ایران توجه داشته باشید که کاری که شما مردان و زنان انجام داده اید آنقدر گرانبها و پرقیمت است که اگر صدها بار ایران با خاک یکسان شود و دوباره با فکر و تلاش فرزندان عزیز شما ساخته گردد، نه تنها ضرری نکرده اید، که سود زیستن در کنار اولیاء الله را برده اید و در جهان ابدی شده اید و دنیا بر شما رشک خواهد برد، خوشا به حالتان!» (صحیفه خمینی، جلد ۲۰/ صفحه ۳۲۵)

سخنان خمینی و میرباقری بیش از آن، جنگ طلبانه، ضد انسانی، ویرانگر و ارتجاعی است که طرفداران خمینی بتوانند آن را انکار کنند. اما این سخنان در شرایط کنونی نشان از آن دارد که مخالفت با جنگ طلبی و ماجراجویی خامنه ای مخالفان بیشماری در درون حکومت دارد. یکی از کارهایی که خسراهای بی شماری به «امنیت و منافع ملی» وارد کرده، اشغال سفارت آمریکا در آبان سال ۱۳۵۸ بود. این اقدام که خمینی آن را «انقلاب دوم» نامید فقط و فقط در جهت منافع نظام بود و ربطی به مبارزه برای استقلال نداشت و آغاز تحریمهایی شد که مردم ایران هزینه آن را می پردازند. اکنون و پس از چهل و پنج سال خامنه ای پیرامون این اقدام ماجراجویانه می گوید: «یک نقطه عطف در تاریخ ما. گیرم اون کسانی که این کار را کردن امروز خودشون هم مردد شده باشند کما اینکه بعضی شان هم ممکنه مردد شده باشند، اما واقع قضیه این است که این کار، کار بزرگی بود کار لازمی بود برای همین هم امام بزرگوار با اون دید نافذ خود این کار را تایید کرد، دانشجوها را تایید کرد، حرکت شان را تایید کرد. این کار، کار لازمی بود.» (ایرنا، شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳)

با همین نگرش است که هر مخالفتی با سیاستهای ماجراجویانه ولایت خامنه ای، حتی از جانب نیروهای وفادار به نظام، ضد «امنیت ملی» نامگذاری می شود. برای نمونه «مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم» طی بیانیه ای که روز یکشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۳، امسال پیرامون جنگ ویرانگر در غزه منتشر کرد و بدون اشاره بر قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت، «تنها راه حل صلح پایدار، تشکیل دو دولت مستقل و بازگشت اسرائیل به مرزهای قانونی [۱۹۶۷]» اعلام کرد. (جماران، چهارشنبه ۲ آبان ۱۴۰۳)

باتلاق جنگهای نیابتی، فروریختن برج و باروی «محور مقاومت [شرارت]»

روند فروریختن اقتدار جبهه موسوم به مقاومت با جنگ ویرانگر در غزه کلید خورد. روز هفتم اکتبر ۲۰۲۳، زمانی که بنیادگرایان اسلامی حماس حصارهای مرزی با اسرائیل را کنار زدند و به خاک این کشور شیخون زدند، در حقیقت درهای جهنم مرگ و ویرانی را به روی تمامی کشورهایی که مستقیم در بحران دیرینه خاورمیانه درگیر هستند، گشودند. از این هنگام به بعد، روند رویدادها و آرایش جنگی در حوزه بحران همانگونه جریان می یابد و پیش می رود که دولت راست افراطی اسرائیل طراحی می کند و با خطوط استراتژی اش سازگاری دارد.

بقیه در صفحه ۲۲

تردید نیست که «وفاق» شامل تعامل با مردم نیست و تنها شامل برشی از هرم قدرت می شود. اما همین وفاق هم بی ریخت تر از آن است که بتوان حتی مارک «خنده» بر آن زد. در صحنه سیاسی کشور اکنون شاهد چند کارگزار به طور نسبی در قد و قواره پزشکیمان، از جمله «دولت سایه» به سرکردگی جلیلی، از باند «جبهه پایداری»، هستیم. پزشکیمان با سرسپردگی بدون شکاف از ولی فقیه، مدعی شده که با «وفاق» می تواند بر بحرانا غلبه کند. با گذشت نزدیک به شش ماه از ریاست او، ساده ترین وعده های پزشکیمان عملی نشده است که برخی از ابعاد شرایط فاجعه بار جامعه در بخشهای دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

ولایت فقیه هدف اصلی ستیز مردم با نظام

شعار «خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک» که از افسانه «ضحاک مار دوش»، از سروده های ابوالقاسم فردوسی، الهام گرفته، بیان واقعی از شناخت ماهیت رژیم ولایت فقیه و هم بیان جهت اصلی ضربه جنبشهای انقلابی است. این را حاکمان و در راس آن خامنه ای به خوبی می دانند و برای این به باندهای درونی هشدار می دهند که به این «مظهر نظام» رنگ سیاه نباشند.

آخوند ابوالقاسم دولابی، نماینده ویژه رئیسی در امور روحانیت پیرامون موقعیت مسجدها گفت: «امروزه از بین حدود ۷۵ هزار مسجد در کشور، درب تعداد ۵۰ هزار مسجد بسته است که این فاجعه ای است که باید بر آن خون گریست.» (انتخاب، پنجشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۲)

آخوند علی حسینی، روضه خوان نماز جمعه شهر بروجرد در مورد رابطه مردم و مسجد ها گفت: «گروه زیادی از مردم در مساجد حضور پیدا نمی کنند و در نماز جمعه نیز شرکت نمی کنند. حتی در راهپیمایی نیز شرکت نمی کنند و اخبار داخلی را نیز گوش نمی دهند.» (انتخاب، پنجشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲)

خمینی برای رفتن به مسجدها تاکید بسیار می کرد. او گفت: «شما دانشگاهها، شما دانشجوها، همه تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد.» (صحیفه امام، ج ۱۲ ص ۳۹۳)

آخوند میردامادی در نماز جمعه روز ۱۰ فروردین ۱۴۰۳، در اصفهان گفت: «اهل نماز، اهل روزه است، حج می رود، کربلا هم می رود، اما حاضر نیست نام رهبر [خامنه ای] خودش را بالای منبر در ملاءعام ببرد، اگر کسی هم نام رهبر را با عظمت یاد بکند روی خودش را برمی گرداند.»

آخوند محمدرضا مدرسی، امام جمعه یزد گفت: «عده ای گویا یک تعهد بدون هیچ استئنا دادن که هر روز صبح که پا می شوند علیه جمهوری اسلامی، نظام اسلامی، نظام ولایت فقیه قلم بزنند.» (تلویزیون حکومتی یزد، شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳)

آخوند حسن خمینی پیرامون ابعاد قدرت ولی فقیه در یک مصاحبه گفت: «ولایت مطلقه فقیه بند اکثریت را در قانون اساسی نمی تواند تعطیل کند. چون اگر آن را حذف کند خودش غیرمشروع می شود... مطلقه بودن ولایت فقیه نسبت به احکام اولیه شرع است نه قانون اساسی... مشروعیت حاکم برگرفته از رأی مردم است.» (انتخاب، شنبه ۱۱ فروردین ۱۴۰۳)

آخوند پنهان در یک برنامه تلویزیونی گفت: «بعضیها از زمان امام خمینی (ره) و همچنین بعد از ایشان دوست دارند شان ولایت را پایین بیاورند و عادی سازی کنند. مقاله ها نوشتند که آقا قداست ندهید! بحث قداست دادن نیست... رهبری تعبیری شبیه به این داشتند که چه وجهی دارد کسی که با یک اشاره او در لحظه های حساس باید نیروها بسیج شوند، مدام او [خامنه ای] را در جامعه تخطئه کنند؟ و شان او را پایین بیاورند؟» (خبرآنلاین، یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳)

برخی از سخنان طرفداران دو آتشه ولی فقیه دوم به گونه ای است که کمتر از مقام خدایی نمی توان برای او تصور کرد. خود خامنه ای هم در جایی گفته است «در واقع زبان من بود، حرف خدا بود». آخوند غلامرضا فیاضی از ذوب شدگان در ولایت خامنه ای، عضو مجلس خبرگان ولی فقیه، مدرس حوزه آخوندی در قم، عضو هیأت مدیره موسسه آموزشی خمینی وابسته به آخوند مصباح در مورد کسانی که با خامنه ای به میزانی زاویه یا مخالفت داشتند می گوید: «دکتر علی شریعتی لعنت الله علیه یقیناً کافر بود! خاتمی شیعه نیست و رفسنجانی هم ملعون است، اگر او ملعون نباشد کس دیگری ملعون نیست.» (خبر فوری، چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۳)

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۱

شیخون حماس و کشتار بیش از هزار شهروند اسرائیلی فرصت بی همتایی برای دولت نتانیاهو پدید آورد. این یورش همانگونه که ناگهان روی داد، به ناگاه نیز شرایط سیاسی در و پیرامون این کشور را نیز تغییر داد. اسرائیل که به دلیل ادامه شهرک سازی و سیاستهای تجاوزکارانه اش در کرانه باختری و بیت المقدس/اورشلیم، محاصره غیرانسانی غزه و بیش از دو میلیون جمعیت آن و مشارکت یافتن نژادپرستان و فاشیستهای رسمی در دولت زیر فشار بین المللی و متحدان غربی قرار داشت، بی درنگ در جایگاه قربانی نشانده شده و موجی از حمایت بین المللی به سوی آن سرازیر شد. از سوی دیگر، هفتم اکتبر به دولت ائتلافی نتانیاهو نیز که در چشم اکثریت جامعه اسرائیل از جمله به دلیل تلاشهای بنیادگرایانه برای تغییر ماهیت سکولار حاکمیت، بی اعتبار شده و در آستانه سقوط بود، جان تازه ای بخشید و آن را در جامه کین خواهی و میل ثبات در شرایط جنگی، در مسند قدرت تقویت کرد.

وجه مادی تغییر سیاست اسرائیل ابتدا در حمله های همه جانبه زمینی و هوایی به غزه نمایان گردید. یک سال پس از «فتح بزرگ» حماس در ۷ اکتبر، غزه با خاک یکسان شده و دهها هزار زن و مرد و کودک کشته شده اند. موجودیت فلسطین در غزه در معرض نابودی قرار گرفته، نه فقط به خاطر کشتار جمعیت آن، بلکه نیز از آن رو که اسرائیل آگاهانه پایه های زندگی مدنی همچون تاسیسات شهری، مدرسه ها، دانشگاهها، فروشگاهها، خیابانها و جز آن را ویران ساخته است.

حملات ویرانگر و جنایتکارانه اسرائیل در غزه با کارت سبز و مجوز آمریکا و اروپا و نادیده گرفتن قواعد جنگ، قوانین بین المللی و کنوانسیونهای حقوق بشری صورت گرفت. آمریکا با پشتیبانی مالی و تسلیحاتی اسرائیل، همدست این کشور در نسل کشی در غزه بود.

دو ضربه راهبردی به ولایت خامنه ای

۱- هلاکت سرکرده حزب الله

جمهوری اسلامی با حمله موشکی به اسرائیل برای گرفتن «انتقام» آخوند حسن نصرالله، ایران را اندکی بیشتر در باتلاق جنگ فرو برد. خامنه ای و شرکا در لحظه خطرناکی که برای کشور و مردم آفرینند، هیچ راه خروجی برای نشان دادن در دست نداشتند. آنها در تله توهمات و محاسبات ناشیانه شان افتادند و گول خودستایی و لافزنی خودشان را خوردند. اینک آنها در موقعیتی قرار گرفته اند که اسرائیل آنان را به هر سو که مایل باشد می کشاند و به واکنشهایی وادار می کند که هزینه اش از موضوع درگیری چندین بار بیشتر است. سرنوشت مهمترین گروه نیابتی آنها، حزب الله لبنان، در حقیقت آینه ای است که رژیم ولایت فقیه در آن خود را می بیند. حزب الله همان راهی را رفت که استراتژی و تاکتیک جمهوری اسلامی برای پیشبرد نزاع با طرفهای خارجی اش در آن متبلور شده است. حاکمان ایران با افت و خیز و تردید و اجبارهای سیاسی - نظامی شرایط پس از ۷ اکتبر، به دنبال حزب الله همین مسیر را می روند. نگاهی گذرا به راه پیموده این گروه نیابتی از مقطع یورش حماس به اسرائیل تا در هم کوبیده شدن توسط اسرائیل می تواند شاهدی بر جهت و روند رویدادهای آینده در رابطه با جمهوری اسلامی باشد.

اسرائیل خط قرمزهایی را که حزب الله و جمهوری اسلامی ترسیم کرده بودند، یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت و جنگ را به کانون درگیری و تهدیدات کشاند. تنها در عرض ده روز، اسرائیل در چند عملیات نظامی و اطلاعاتی فشرده موفق شد با ترور تقریباً تمام رهبری سیاسی - نظامی و تاریخی حزب الله، سر این جریان را ببرد. آتش اسرائیل کادرهای میانی آن را نیز دربر گرفت. نزدیک به پنج هزار نفر از نیروهای حزب الله در اثر خرابکاری و انفجار پیچر از صحنه خارج شده اند، بخش بزرگی از زرادخانه موشکی و تسلیحاتی اش نابود شده، مراکز و تاسیسات آن در سراسر لبنان زیر بمباران شدید قرار دارد و جز آن.

۲- سرنگونی رژیم بشار اسد

در سحرگاه روز یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳، (۸ دسامبر ۲۰۲۴) ارتش بشار اسد فروپاشید و حکومت پنجاه و چهار ساله خاندان ستمگر اسد، پس از کشتار نیم میلیون تن از مردم این کشور و آواره شدن دسته کم دو میلیون از مردم سوریه سرنگون و بشار اسد، مشهور به «قصاب دمشق» فراری شد.

سقوط رژیم بشار اسد و پیامدهای آن، به ویژه ضربه کمرشکنی که به ولایت خامنه ای و «محور مقاومت [شرارت]» او وارد کرد، آن چنان کلان است که ولی فقیه برای مهار برآمد خشم و نفرت مردم، شمشیر از رو بست و با نشستن در کرسی قضاوت، هر سخنی پیرامون شکست پرهزینه دخالت در سوریه را «جرم» اعلام کرد.

محسنی اژه ای، سرکرده جنایتکار قوه قضاییه در جلسه شورای عالی این نهاد به مسئولان تحت امرش «ماموریت» داد تا با افرادی که در این روزها به دنبال «برهم زدن امنیت جامعه [بخوانید ولایت فقیه] هستند» برخورد کنند.

روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳، خامنه ای برای تعداد دستچین شده از عمه و آکره اش سخنرانی کرد و امر کرده بود که پخش مستقیم نشود. به نظر می رسد که ولی فقیه نظام هنوز از ضربه سرنگونی رژیم اسد رها نشده و در همین میزان از سخنانش که رسانه ای شده گفت «تباید تردید کرد آن چه در سوریه اتفاق افتاد محصول یک نقشه مشترک آمریکایی و اسرائیلی است.» او همین تحلیل را در دومین سخنرانی اش در روز سه شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۳، مطرح کرد. این که ولی فقیه دینامیسم و نیروی محرکه درونی این تغییر را لا پوشانی می کند، پدیده عجیبی نیست. او عمیق ترین و توده ای ترین جنبشها و قیامهای مردم طی سالهای گذشته را کار «آمریکا و اسرائیل» اعلام می کرد. خامنه ای نمی خواهد از نفرت مردم سوریه از خاندان فاسد و قاتل اسد سخنی بگوید و مهمتر از آن به واکنش جامعه ایران به این رویداد نمی پردازد. اما طی سه روز پیش از «جرم» انگاری ولی فقیه، رسانه های حکومتی در این باره تا میزانی افشاگری کردند. برای نمونه:

ستاره صبح، یکشنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۳: «بادها طوفان می شوند... آن چه در سوریه رخ می دهد یک شبه رخ نداده است؛ درهم کوبیدن اعتراضات مسالمت آمیز مردمی کشتار و آوارگی؛ ... طوفان شده اند؛ ما می توانیم باز هم شعار دهیم ولی واقعیت منتظر شعارهای ما نمی ماند.

نظامیان سوریه در مقابله با شورشیان بی انگیزه شده اند.»

«انتخاب»، دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳: «محمدمنان رئیسی از اشغالگران بهارستان گفت: بعد از تقدیم حدود ۶ هزار مدافع حرم و صرف میلیاردها هزینه، طی فقط یک هفته سوریه را دو دستی تقدیم تکفیریها کردیم... این اگر غضب الهی نیست پس چیست؟»

«هممیهن»، دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳: «اول از همه خیلی صریح و روشن پاسخ داده شود که اشتباه کجا بود و چقدر هزینه دادیم؟»

«توسعه ایرانی»، سه شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳: «ما در سوریه متضرر ترین و شکست خورده ترین کشور بوده ایم.»

باوجود این اعتراضهای تکاندهنده برای نظام حاکم، ولی فقیه بازهم در سخنرانی روز چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳، خود باد در گلو انداخت و در شیپور دخالتگری و آشوبگری دمید و گفت: «به توفیق الهی، مناطق تصرف شده سوریه به وسیله جوانان غیور سوری آزاد خواهد شد. شک نکنید این اتفاق خواهد افتاد.»

به مناسبت سرنگونی حکومت اسد، سچخفا اعلام کرد: «سیزده سال پیش در "بهار عربی" هنگامی که مردم سوریه با جنبش مسالمت آمیز خود برای آزادی قیام کردند، رژیم بشار اسد با همکاری نیروهای سپاه سرکوبگر قدس، مزدوران غیر ایرانی سپاه و حزب الله و در جهت راهبرد موسوم به «محور مقاومت» خامنه ای دست به بی رحمانه ترین سرکوب علیه خلق بیخاسته سوریه زدند. بدین ترتیب با بمبارانهای وحشیانه هواپیماهای روسیه، بمباران شیمیایی، کشتارهای بی امان نیروهای مشترک بشار اسد، سپاه قدس و حزب الله به سرکردگی قاسم سلیمانی جنایتکار، انقلاب مردم سوریه با وجود مقاومتهای قهرمانانه، با جانباختن دستکم نیم میلیون تن از زنان و مردان و رونق گرفتن زندانهای اسد، مجبور به عقب نشینی و به حاشیه رانده شد.

اکنون پس از آن سرکوبهای وحشیانه، حکومت بشار اسد، که یکی از سرکوبگرترین و بیرحم ترین دیکتاتورهای خاورمیانه بود، طی یازده روز سرنگون شد و مردم رها شده از استبداد که برای اولین بار طعم آزادی را چشیدند، با شادی به استقبال اولین گام برای رهایی رفتند. زندانیان سیاسی آزاد شدند و در همین مدت کوتاه اسناد و شواهد تکاندهنده ای از شکنجه گاههای خاندان اسد در معرض افکار عمومی قرار گرفته است. پاره کردن عکسهای بشار اسد، خامنه ای، قاسم سلیمانی و حسن نصرالله توسط مردم این کشور، نشاندهنده فوران شعله های خشم و نفرت آنها و همزمان شناخت دشمنان شان در دوران حکومت خاندان اسد است.

گرچه نخستین گام مردم سوریه یک پیروزی برای آنان و موجب شادی برای همه آزادیخواهان است، گرچه این پیروزی ضربه کمرشکن و فلج کننده به «محور ارتجاع» خامنه ای وارد کرده، اما پیشرفت انقلاب تضمین شده نیست و به عوامل مختلفی بستگی دارد که در صدر آنها به جریان افتادن پروسه های دموکراتیک و سکولار (نظام غیر دینی) در ساختارهای سیاسی، قضایی، انتخابی و در تنظیم مناسبات بین گروههای اجتماعی و ملی در سوریه قرار دارد. آینده سوریه با شرکت موثر مردم در سرنوشت خود، ایستادگی در برابر مطامع مداخله گران خارجی همچون ترکیه، قطر، رژیم ایران، روسیه و اسرائیل و خنثی کردن توطئه های مزدوران آنها تضمین می شود.» (بیانیه سچخفا، سه شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳ - ۱۰ دسامبر ۲۰۲۴)

بقیه در صفحه ۲۳

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۲

برآمد

برای رژیم ولایت فقیه، با توجه به ضرباتی که به نیابتیهایش در لبنان، عراق و یمن وارد شده، دیگر «عقبه استراتژیکی» وجود ندارد و به همراه آن طرح گران و کمرشکن «بازدارندگی» به کارنامه ناکامیهای آن افزوده شده است. اسرائیل تردیدهایی غرب در باره پیامدهای نامعلوم جنگ تمام عیار در غزه، وارد آوردن ضربات سنگین و تعیین کننده به نیروی محوری جنگ نیابتی جمهوری اسلامی یعنی حزب الله لبنان و همینگونه حمله بی واسطه به اربابان آن را زُدوده است. پیام این تحول روشن است: «نظام» خامنه ای در دسترس است. دستگاه حاکم در همان حال که به گونه محتاطانه و پاورچین تهدید بمب اتم را پیچ می کند، در برابر شرایط تازه ای که در آن قرار گرفته، نه استراتژی و نه گزینه ای دارد و موج تحولات با آثار سنگین و جبران ناپذیرش آن را با خود می برد. «محور ارتجاع و شرارت» ضربه کمرشکن خورده و زنان و مردان ایران زمین حکم خود را اجرا خواهند کرد.

صدای جامعه بسیار قوی تر و رساتر از آثانی است که بتوان کانون تغییر را در درون نظام ارزیابی کرد. این تعادل قوای جدید به سود جامعه که نقطه عطف آن هفت سال پیش در قیامهای انقلابی دی ماه رقم خورد، تاثیر خود را بر کارگزاران نظام و پیرامون آن گذاشته و فاصله آنان را با ولایت خامنه ای بیشتر کرده است. بیانیه میرحسین موسوی، پانزده راهکار خاتمی برای عبور از بحران و آخرین مواضع تاجزاده از جمله نمونه های این فاصله گیری است. کسانی هم هستند که فاصله آنان با موسوی، خاتمی، تاجزاده بسیار بیشتر از فاصله با ولی فقیه است که دو نمونه آن قابل توجه است که اینان هم به بن بست، هرچند نه به طور شفاف، اعتراف می کنند.

علی ربیعی در «شرق» نوشت: «نسل جدید نوعی عصیان را تجربه می کند... آنهاهی که امروز بر سر قانون عفاف و حجاب و مسائلی مثل فیلترینگ و FATF کماکان بر عقاید نادرست خود پافشاری می کنند، مفهوم فرسودگی اجتماعی را نمی دانند و حتی اگر هم ناگزیر از فهم آن شوند باز هم احاله به دشمن فرضی می کنند و همه را به جز خود و سیاستهای خود مقصر می دانند.» (شنبه ۸ دی ۱۴۰۳)

عباس عبیدی در اعتماد نوشت: «در حقیقت برای دولت و حکومت ما هیچ فرصتی باقی نمانده است... مشکلات و ناترازیهای بر زمین مانده، دیگر قابل تحمل نیست... هر گونه برنامه ریزی در ایران با وجود شکافهای عمیق درون ساختاری غیرممکن است. خودرو برنامه ریزی ایران راننده ندارد ای اگر هم راننده ای باشد، مهار اجزای آن در دست او نیست. مهم تر از همه این که مقصد سفر نیز معلوم نیست، یا اتفاق نظر نسبت به آن وجود ندارد. تعداد مسافران آن اضافه بر ظرفیت هستند. سوخت کافی هم ندارد. خلاصه با این خودرو نمی توان رانندگی کرد و سالم به جایی رفت.» (دوشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۳)

راست این است که جامعه نیز خواستار تغییر و این ضرورت اجتناب ناپذیر است. جامعه نقشه مسیر برای رهایی را در براندازی حکومت با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و استقرار یک جمهوری دموکراتیک با همه مشخصات و مختصات شکلی و محتوایی آن می داند. شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمام ماجرا» که بر پرچم قیامهای سترگ ماه دی سال ۱۳۹۶ با خون صدها تن از زنان و مردان ایران زمین نوشته شد، این گونه تغییر را رقم زد.

بخش چهارم

بحران اقتصادی؛ فراتر از فاجعه و فلاکت

در حالی که ایران مساحتی کمتر از یک درصد مساحت جهان را دارد و جمعیت آن هم حدود یک درصد جمعیت جهان است؛ اما ۷ درصد کل منابع جهان را دارد، این یعنی رفاه و ثروت ایرانیان می بایست ۷ برابر بیشتر از مردم جهان باشد! اما هر روز شاهد افزایش فقر و بی خانمانی و عوارض ناشی از تسلط حاکمان ستمگر هستیم. رسانه های حکومتی به ناچار از این وضعیت بحرانی خبر و گزارش منتشر می کنند.

بررسی وضعیت فلاکتبار مردم نشان می دهد که رژیم حاکم در کلیت آن با همه دسته بندیها و باندهای درونی اش مقابل جامعه قرار گرفته است. عملکرد کارگزاران نظام و در راس آن ولی فقیه، در چند کلمه خلاصه می شود؛ دزدی از جیب و سفره مردم، چپاول ثروت و سرمایه های جامعه، استثمار بی حد و مرز نیروهای کار، تخریب محیط زیست کشور و انباشت سرمایه و ثروت در دست دو درصد. جامعه در برابر حاکمان قرار گرفته و هر م قدرت در جدال درونی مداوم که همواره افزایش می یابد به حیات خود ادامه می دهد.

طی دو سال گذشته، زندگی و معیشت کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، کشاورزان، بانزشتگان، بیکاران، غارت شدگان، دستفروشان، کولبران و ... در ابعاد بی سابقه به فلاکت

کشیده شد. سقوط دستمزد و قدرت خرید، بیکاری، نداشتن غذا و مسکن، فقدان ایمنی بهداشتی، سلامتی و امید به زندگی و دهها شاخص دیگر، سیمای زندگی نیروهای کار را ترسیم می کند. نظام حاکم مردم را به فلاکت و جامعه را به قهقرا سوق داده است.

تشدید استثمار و سیاست فقیرسازی نیروی کار، در بندین «برنامه هفتم توسعه» که توسط مجلس ارتجاع تصویب شده، به طور آشکار نشان داده می شود. سرنوشت «برنامه هفتم توسعه» هم مانند برنامه های توسعه یک تا شش، ضد توسعه ای پایدار و به نفع چپاولگران خواهد بود. «سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴» که قرار بود طی ۲۰ سال ایران را به قدرت اول منطقه و... تبدیل کند، اقتصاد را به بحران و معیشت مردم را به قعر فقر و نیستی کشانده است.

لاف و گزافهای خامنه ای در مورد اقتصاد مقاومتی فقط می تواند عقب افتاده ترین اقسار بسیج و پاسدار را فریب دهد. فقدان سرمایه گذاری موثر در تولید، رشد سرسام آور نقدینگی، افزایش نرخ بیکاری (حدود ۵۰ درصد از جمعیت در سن ۲۴ تا ۵۰ سال ایران کار نمی کنند)، وجود نرخ تورم چند رقمی، فساد گسترده و نهادینه شده و ... سبب آن شده که وضعیت «رکود همراه با تورم» همچنان ادامه داشته باشد. در حالی که بخش اعظم درآمدهای داخلی و ارزی کشور صرف تامین امنیت رژیم، گسترش سرکوب داخلی و صدور بنیادگرایی اسلامی و جنگ و تروریسم در خارج و به خصوص در خاورمیانه می شود، زندگی توده های مردم روز به روز به سمت تباهی و ویرانی سوق داده می شود.

کارگزاران حکومتی در زمینه انتشار واقعیتهای زندگی مردم همواره به دروغگویی متوسل و پنهانکاری می کنند. فریدون عباسی، یکی از مجلس نشینان از «عدم انتشار آمارها و شاخصهای اقتصادی» حمایت کرد و گفت در حال حاضر «هر داده ای» حتی در مورد گندم و کالاهای اساسی و میزان آب رودخانهها و سدها می تواند سبب «خطرات امنیتی» شود. (رادپو فردا، سه شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۲)

علی آقا محمدی، یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، شوره زار رژیم جمهوری اسلامی را این گونه بیان می کند: «دو هزار و ۲۰۰ محله و ۱۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سراسر ایران از امکانات اولیه زندگی مانند مسکن، اشتغال، تحصیلات تا ۱۲ سال، سلامت، خوراک و پوشاک محروم هستند.» (مهر، پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲)

فرشاد مومنی، از کارشناسان اقتصادی در ایران، از عبرانی فقر و بودن ۷۰ درصد مردم زیر فقر گفته است. بر اساس آمار او «تولید ناخالص داخلی سرانه ایران در سال ۱۳۵۷ نزدیک به دو برابر کل کره جنوبی بوده ... الان تولید ناخالص داخلی سرانه کره بیش از ۵ برابر ایران شده است.» (خبر آنلاین، یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲)

رسانه حکومتی «ثروت» در شماره روز شنبه ۱۱ آذر همین سال نوشت: «۶۰ میلیون ایرانی حول خط فقر زندگی می کنند.» رسانه «خبر جنوب» هم در شماره روز چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲، نوشت «فقر ضعیف در یک ماه کمتر از نیم کیلو گوشت می خوردند، بساط فقر این چنین پهن است.»

رسانه «ابتکار» در شماره روز ۸ دی ۱۴۰۳ نوشت: «بعید است کسی در کشور باشد و به وخامت اوضاع اذعان نداشته باشد. در یک کلام، کشور کنگی و ورشکسته شده است.»

خامنه ای در پیام نوروزی خود، سال ۱۴۰۲ را سال «مهار تورم، رشد تولید» نامید و در سخنرانی اش در روز سه شنبه یک فروردین سال ۱۴۰۲، در مشهد از سیاست غارت اموال مردم حمایت کرد. «مهار تورم، رشد تولید» که ولی فقیه از آن دم می زند، نه یک «افسانه و توهم» که یک حقه بازی رذیلانه است. در حالی که بیش از ۱۷۰ کشور جهان تورمهای تک رقمی و بیش از ۱۵۰ کشور جهان تورمهای زیر ۵ درصد دارند، ایران با نرخ تورم دستکم ۵۰ درصدی نقطه به نقطه، ششمین تورم بالا در بین همه کشورهای جهان را دارا است.

ولی فقیه نظام در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۳، سال جدید را سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نامگذاری کرد. این نامگذاری در شرایطی بود که هنوز گماشته گوش به فرمانش به هلاکت نرسیده بود.

روز شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۱، رسانه های حکومتی خبر مصوبه شورای هماهنگی سران قوا (رئیس، قالیباف، اژه ای) را با عنوان «مولد سازی داراییهای دولت» را پوشش دادند. طرح فراتر غارتگری «مولد سازی داراییهای دولت» که در واقعیت طرح چپاول سرمایه های مردم و کشور است، با تصمیم سران قوا و تایید ولی فقیه کلید خورد و مخبر، یک دزد قهار را در راس کمیته ای با اختیارات کامل و بدون هرگونه نظارت و حسابرسی قرار داد. احمد توکلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در نامه ای به سران قوا مصوبه «مولدسازی داراییهای دولت» را «فروش بیت المال متعلق به آحاد ملت قلمداد کرد و آن را نوعی «کاپیتولاسیون» دانست که برای مدیران سیاسی دارای امضای طلایی مصونیتی ایجاد می کند که حتی برای رهبری و مسئولان رده بالای دیگر نظام نیز چنین مصونیتی پیش بینی نشده است.» (دنیای اقتصاد، یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱)

بقیه در صفحه ۲۴

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۳

روز سه شنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۳، حسین شریعتمداری سخنگوی خامنه‌ای در کیهان، دستاورد دوره سه ساله رئیسی را «اسب زین شده زیر پای دولت چهاردهم [پزشکیان]» اعلام کرد و این دستاوردها را بر پایه «آوار» اقتصادی دولت روحانی تعیین کرد.

مدافعان پزشکیان «اسب زین شده» رئیسی را «اسب لنگان» نامیدند. رسانه حکومتی «سازندگی» روز شنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳، آن را «زمین سوخته» نامید و از «بدهی دولت رئیسی به مبلغ ۷۷۵ هزار میلیارد تومان» پرده برداری کرد. جدال بر سر توزیع ثروت و رانت میان باندها، نه مشاجره بر سر «اسب زین شده»، «اسب لنگان»، «زمین سوخته» و... بلکه برای غارت کشور و خالی کردن ته مانده جیب مردم است.

خامنه‌ای روز یکشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۳، در جلسه پاپوران دولت پزشکیان، «الگوی مدیریتی» از نوع رئیسی را صریح و روشن برای جانشین او گوشزد کرد. میراث شوم رئیسی، استمرار نیروهای کار توسط شرکت‌های پیمانکار زیر مجموعه سپاه پاسداران و قرارگاه خاتم الانبیا، فریه کردن امپراطوری مالی خامنه‌ای، پیشبرد اقتصاد مقاومتی با تحمیل ریاضت کشی بر نیروهای کار، اجزایی کردن بودجه بر اساس تقسیم ثروت و رانت بین خودبدهی‌های حکومتی و... که خروجی تمامی اینها کوچک کردن سفره معیشت بازنشستگان، کارگران، فرهنگیان و پرستاران و... است.

عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، پیش بینی کرده که کسری بودجه سال جاری ۸۵۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. حاکم مکهان، یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع، گفته است: «دولت ۸۷۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد، لذا درآمدش، شاید نه تنها کفاف هزینه هایش را ندهد، حتی نمی‌تواند کسری سال بعد را جبران کند، لذا به نظر من احتمال دارد، کسری بودجه دولت برای سال بعد افزایش یابد.» (شفقنا، دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳)

غلامرضا سلامی، اقتصاددان حکومتی، گفته است: «بدهی‌ای که صرفاً دولت به بانک‌ها دارد، در حدود ۱۱۰۰ همت است که ۵۰ درصد آن تقریباً در همین دوره سه سال گذشته ایجاد شده است. بدهی‌ای که دولت به سازمان تامین اجتماعی دارد، ۷۰۰ همت است. چند بدهی دیگر هم داریم و یکی از آنها، اوراق (سررسید سه ساله) است که در حدود ۸۵۰ همت است.» (خبرآنلاین، آدینه ۲۲ تیر ۱۴۰۳)

روز آدینه روز ۲ آذر ۱۴۰۳، پزشکیان در گردهمایی سراسری مسئولان بسیج دانشجویی و طلاب با هشدار درباره وضعیت جامعه گفت: «ما در کشور با انواع مشکلات مواجه هستیم. منابعی که داریم معلوم [و محدود] است. ناترازی‌هایی هم که در آب، برق، گاز، محیط زیست و پول ایجاد شده، معلوم است. بعضی ناترازی‌ها در لب پرتگاه هستند و رفع آن با روند دولتی و اداری امکان پذیر نیست... قابل قبول نیست بعد از ۴۵ سال فضای آموزش برای فرزندانمان نداشته باشیم. پول هم نداریم. روز به روز شکاف و فاصله بین دارا و فقیر عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود.» (تلویزیون حکومتی شبکه خبر)

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در یازدهمین اجلاس شورای عالی خود اعلام کرد: «عملکرد کارگزاران نظام و در راس آن ولی فقیه، در چند کلمه خلاصه می‌شود: دزدی از جیب و سفره مردم، چپاول ثروت و سرمایه‌های جامعه، استثمار بی حد و مرز نیروهای کار، تخریب محیط زیست کشور و انباشت سرمایه و ثروت در دست دو درصد. جامعه در برابر حاکمان قرار گرفته و هر قدر قدرت در جدال درونی مداوم که همواره افزایش می‌یابد، به حیات خود ادامه می‌دهد.» (نبرد خلق شماره ۴۶۰، چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱)

FATF مسیر هر دوسر باخت

وضعیت فاجعه بار زندگی در ایران رابطه تنگاتنگ با راهکارهای ولایت خامنه‌ای با مجموعه ای از جهان خارج از ایران است. یکی از مهمترین نمونه‌ها، موضوع FATF است که این روزها به جدال در درون قدرت تبدیل شده است. رژیم ایران اگر FATF را بپذیرد، برای هزینه نیروهای نیابتی ضربه خورده اش دچار مشکل جدی می‌شود و اگر نپذیرد در مرادوات پولی با جهان، برای مثال دریافت پول فروش نفت، با تنگنا روبرو می‌شود. دولت رئیسی با عدم پذیرش FATF، داد و ستد پایاپای که شیوه مبادله در قرن‌های میانی است را انجام می‌داد. این شیوه مبادله مشکل کمبود ارز ایجاد کرده و دولت را مجبور به چاپ پول بدون پشتوانه می‌کند که این هم افزایش مداوم تورم و کاهش قدرت خرید مردم را به دنبال دارد.

رسانه‌های حکومتی در مورد مساله FATF خیرها و گزارشهای گوناگون منتشر کرده اند. «ابرار اقتصادی» در شماره روز چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳، در مورد «وضعیت قرمز سرمایه گذاری خارجی به دلیل عدم حل FATF» نوشت: «باید نسبت به FATF واکنش مثبت داشته باشیم؛ واکنش منفی نسبت به این مساله کاری عبث» است.

«آسیا» در همین روز نوشت: «وقتی تحریم‌ها با عدم امکانات مبادلات مالی همراه باشد؛ دست فعالان اقتصادی بسته و دست دلالان و رانت خواران باز می‌شود. تا وقتی روی FATF توافق نکنیم جذب سرمایه خارجی هم نداریم.»

بقیه در صفحه ۲۵

فروپاشی اقتصادی، سقوط زندگی و معیشت مردم، تحمیل بی‌آبی، بی‌برقی، بیکاری، گرسنگی، بی‌خانمانی و... دستاورد حکومتی است که سیاست ورزی اش نه در خدمت منافع مردم ایران، بلکه در خدمت «امنیت نظام» با ابزار سرکوب و ماجراجویی‌های تروریستی است. راست این است که «همه‌ار تورم، رشد تولید» و «جهش تولید با مشارکت مردم» از آن‌جا که پوششی برای غارت و چپاول جامعه است، خروجی فاجعه باری داشته که رسانه‌های حکومتی به وفور پیرامون آن خبر، گزارش و مقاله پوشش داده اند.

در ایران، ۱۷ صندوق بازنشستگی با پوشش حدود ۲۶ میلیون نفر مستمری بگری وجود دارد. رسانه‌های حکومتی فاش کرده اند که غارت صندوقهای بازنشستگی موجب ورشکسته شدن ۱۵ صندوق از این تعداد شده است. رسانه «اعتماد» در شماره روز یکشنبه ۱۵ مرداد ۱۴۰۲، نوشت: «شاخص نسبت پشتیبانی در صندوقهای بازنشستگی نشان می‌دهد که ۱۵ صندوق به سطح ورشکستگی رسیده اند و فقط ۲ صندوق بازنشستگی در وضعیت بهتری هستند.»

در مورد تامین کسری بودجه، بنا به داده‌های آماری دولت رئیسی رکورددار چاپ پول بدون پشتوانه و دست درازی به منابع صندوق ملی شده است. میانگین برداشت از منابع صندوق توسعه در همین دو ساله «یک میلیارد و ۱۲ میلیون دلار در ماه» بوده است. (رسانه حکومتی اعتماد، ۲۶ مرداد ۱۴۰۲) در حالی که استفاده از صندوق ملی برای تامین کسری بودجه و ولخرجی‌های تروریستی خلاف اساسنامه این صندوق است.

رسانه حکومتی «ثروت» روز دوشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۲، نوشت: «یک اتفاق خطرناک؛ چاپ ۲۶۶ هزار میلیارد تومان پول ظرف یک سال در دولت رئیسی.»

حسین راغفر کارشناس اقتصادی رژیم در یک گفتگوی تلویزیونی گفت: «باید کاری کرد برای کاهش این نابرابری‌ها و این گسل‌های عمیق و بسیار بزرگ اجتماعی و اقتصادی که در کشور به‌وجود آمده و به نظر می‌رسد که به هر صورت جامعه ما مستعد اعتراض‌های بسیار گسترده حتی گسترده‌تر از آنچه که در ۱۴۰۱ شاهد بودیم هست علت آن هم همین نابرابری‌هایی است که به هر صورت نسل جوان ما به حق مطالبه می‌کند» (سایت حکومتی دیدار، ۱۷ خرداد ۱۴۰۳).

رسانه حکومتی جمهوری اسلامی در شماره روز دوشنبه ۵ آذر ۱۴۰۳، پیرامون «انقلاب لشکر گرسنگان» هشدار داد و نوشت: «تا زمانی که اقتصاد کشور در این چارچوب قرار دارد، هر روز بحران اقتصادی شدیدتر می‌شود، فقرا فقیرتر می‌شوند، پولدارها پولدارتر می‌شوند و لجن اشرافیت کم نظیری که جامعه ما را در خود غرق کرده فراگیرتر می‌شود... طبقه اشراف، در چند نقطه خوش آب و هوای کشور هم کاخهای مجللی دارند که حتی فرصت سرکشی به آنها را هم ندارند و فقط هزینه نگهداری آنها چندین برابر هزینه زندگی شهروندان فقیر است. از توصیف خودروها، امکانات تفریحی، لباس، خوراک و برج‌های این قشر اشرافی می‌گذریم که فهرست کردن آنها هفتاد من کاغذ می‌شود. آنچه آزاردهنده و البته دارای عوارض است این است که این زندگی‌های پرتحمل در برابر چشمان فقرانی قرار دارند که برای تامین معیشت روزانه خود درمانده اند... درآمد مردم عادی حتی کفاف متخرج ۱۰ روز اول ماه زندگی شان را نمی‌دهد؛ آیا این جسارت را در خودمان سراغ داریم که بگوئیم در جامعه اسلامی ما اختلاس، فساد اقتصادی، رانت‌خواری، ویژه‌خواری و پارتی‌بازی به یک رویه تبدیل شده است... کوچک‌ترین عارضه چنین جامعه ملامال از تبعیض و فاصله طبقاتی، ناراضی‌هایی عامه است. نتیجه این ناراضی‌ها جمع شدن بغضهای فروخورده در سینه‌های قشر فقیر خواهد بود. این بغضهای فروخورده روزی به آتشفشان تبدیل خواهند شد و لشکر محرومان و گرسنگان را علیه مسیبان این بی‌عدالتی به راه خواهند انداخت که نامی غیر از انقلاب لشکر گرسنگان نخواهد داشت. از چنین انقلابی نمی‌ترسید؟»

روز شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳، مراسم روز دانشجویان با حضور مسعود پزشکیان در دانشگاه شریف برگزار شد. او در این مراسم گفت: «جایگاه امروز ما به خاطر این است که بدون مستندات علمی و شواهد مستند حرف زده ایم و عمل کرده ایم، ما باید براساس منطق و شواهد با هم گفت و گو کنیم و حرف مفت نزنیم... از تاجر و بازرگانان بپرسید که فقدان FATF چه بلایی سر آنها آورده است؟ واقعیت تلخ است اما باید پذیرفت و برای آن راه حل پیدا کرد.» (شبکه شرق) پزشکیان در بخشی از حرف‌هایش به دانشجویان توصیه کرد که کتاب «انقلاب‌های ۱۹۸۹» را بخوانند. بیژن اشتری، مترجم این کتاب پیرامون این پیشنهاد در حساب تلگرام خود نوشت: «من جای آقای پزشکیان بودم یک نسخه از کتاب را به آقای خامنه‌ای می‌دادم که مطالعه کند. البته الان یک کمی دیر شده برای کتاب خواندن و درس گرفتن... به جناب پزشکیان عرض می‌کنم که آقای خامنه‌ای این مملکت را چنان ریل گذاری کرده که هیچ اصلاح یا تغییر مسیری امکان پذیر نیست. این قطار تا ایستگاه آخر خواهد رفت و همه ما را هم با خود خواهد برد.»

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۴

از آمارها گفت: «حکمرانی غلط و ناکارآمد در طی چند دهه گذشته شرایط جامعه را به سمت یک فروپاشی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برده است. مقصرین شرایط کنونی کسانی نیستند جز تصمیم سازان، تصمیم گیران، مجریان و ذینفعان که منجر به رشد فقر، تورم، بیکاری، مهاجرت و غیره شده اند... رشد فقر صرفاً در طی دو سال ۹۶ تا ۹۸ از ۲۲ درصد به ۳۲ درصد افزایش پیدا کرده و از ۹۸ تا ۹۹، ۳۸ درصد رشد کرده است. فهم این موضوع یعنی بیش از ۳۰ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر هستند. در واقع نه تنها کل افراد جامعه فقیرتر شده اند بلکه شکاف فقیر و غنی هم بیشتر شده است. به علاوه این روندها منجر به کوچک تر شدن لایه های میانی درآمدی و سقوط صاحبان درآمدهای متوسط به سطوح پائین شده است.» (چهارشنبه ۷ آذر ۱۴۰۳)

تورم و نقدینگی در رسانه های حکومتی

رسانه های حکومتی به وفور از افزایش نقدینگی، تورم و به دنبال آن فقر گزارش می دهند. آمار بانک جهانی وضعیت اسفبار رشد قیمتها در ایران را نشان می دهد. بر اساس این آمار، طی ۳۴ سال گذشته، رشد متوسط قیمتها، در عربستان سعودی ۵۵ درصد، جمهوری آذربایجان ۳۱۲ درصد، در مصر ۸۹۷ درصد و در ایران بالغ بر ۱۲ هزار درصد بوده است. در این رابطه فرهاد مومنی می گوید: «وقتی به تولید پشت می کنید و از طریق شوک درمانی و دست بردن پی در پی می خواهید برای دولت کسب درآمد کنید، تولید ضربه می بیند و فقر، نابرابری و وابستگی ذلت آور به دنیای خارج افزایش می یابد و ناپایداری ذاتی سیستمی هم گریبان کشور را می گیرد.» (تجارت نیوز به نقل از جماران، شنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۳)

زندگی و معیشت اکثریت قاطع مردم در کشوری که حاکمان آن نه به دنبال توسعه مردمی و پایدار بلکه به دنبال غارت، چپاول و رانت هستند، فلاکت مردم و ویرانی کشور است. طبق اعلام مرکز آمار، «نرخ تورم سالانه کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کل کشور بر اساس سال پایه ۱۴۰۰ در اسفند ماه سال ۱۴۰۱ به عدد ۴۵۸ درصد رسید.» (تسنیم، یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲)

رسانه «ابرار اقتصادی» در شماره روز شنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۲، به واقعیتی مهمی اعتراف می کند و آن این که «جامعه ایران دو قطبی شده است، برخی سوار بر موج تورم و اکثریت زیر فشار آن... طبقه متوسط هم فقیر شد... ثروتمندان در حاشیه امن... فرودستان زیر بار بحران تورم.» مرکز آمار جمهوری اسلامی نرخ تورم سالانه خوراکیها در تیر ۱۴۰۲، را ۶۶ درصد اعلام کرد که در میان اقلام خوراکی، روغنها و چربیها با ۱۴۵ درصد رشد قیمت، صدرنشین است و رسانه «اترک» در شماره روز سه شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۲، از این که نیمی از جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق هستند خبر داد.

«دوپیچه وله فارسی» در روز سه شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲، به نقل از «دنیای اقتصاد» اعلام کرد: «میزان تورم سالانه استانهای مختلف ایران که توسط مرکز آمار منتشر شده نشان می دهد استانهای لرستان (۶۷.۲ درصد)، کرمانشاه (۶۴.۴ درصد) و کردستان (۶۳.۷ درصد) بیشترین نرخ فلاکت را داشته اند. نرخ فلاکت از جمع نرخ بیکاری و نرخ تورم به دست می آید.

رسانه حکومتی «کار و کارگر» در شماره روز دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲، نوشت: «کنون شاهد بی سابقه ترین نابرابریها در جامعه هستیم؛ آنچه در دولت و مجلس مطرح می شود تقاضای طبقه مرفه جامعه است. طبقه متوسط به پائین صدایی ندارند.» همین رسانه در شماره روز پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۲، نوشت: «نرخ سبب معیشت کارگران در دی ماه؛ بالای ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود.»

«اقتصاد ملی» در شماره روز چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲، از «جای خالی رشد اقتصادی در سفره مردم» گزارش داد و رسانه «امروز» در همین روز گزارش داد که «دولت قادر به حفظ کالاهای اساسی در سفره مردم» نبوده است. «مردم سالاری» در شماره روز سه شنبه ۷ آذر ۱۴۰۲، نوشت: «تورم سالانه خوراکی همچنان بالاتر از ۵۰ درصد است و «سازندگی» روز چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲، از «رکورد تورم ۸۰ ساله در سه ماه نخست دولت سیزدهم» خبر داد و نوشت «میانگین تورم در دو سال ابتدایی این دولت ۴۶ درصد بود.»

رسانه «اسرار» در شماره روز دوشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۲، نوشت: «چهل درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق هستند.» در همین روز رسانه «امروز» نیز به طعنه نوشت: «درسته که گوشت و برنج نداریم، عوضش ظرف کمتر می شویم.»

«عصر اقتصاد» در شماره روز یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، به طعنه نوشت: «قطار پیشرفت به عصر معامله پایاپای رسید... با همین سرعت به زودی می توانیم عصر دانیاسوراها را هم ببینیم و یک سفر هیجان انگیز به زمان ماقبل تاریخ داشته باشیم! ما در زمان معامله پایاپای هستیم و فقط کمی با دنیا اختلاف زمان پیدا کرده ایم.»

بقیه در صفحه ۲۶

«ابرار» در روز پنجشنبه ۷ تیر ۱۴۰۳، از مخالفت با تصویب FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داد و از قول یک عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشت: «می خواستیم FATF را تصویب کنیم؛ برخی می گفتند احتیاجی به ارتباط با بانکهای خارجی نداریم؛ باید پرسید که آیا کشور می تواند پول را با شیوه عهد صفویه با خوچین جا به جا کند؟» و سرانجام «عصر مهین» در همین روز اعلام کرد که به خاطر FATF «تارک دنیا» شده ایم.

نوشته های رسانه حکومتی نشان می دهد که جمهوری اسلامی به چه چالش بزرگی پیرامون این مساله روبرو شده است. چالش دوسر باخت!

روزنامه «مردم سالاری» روز یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳، نوشت: «گزارش تازه بانک جهانی از وضعیت اقتصادی ایران نشان می دهد که بدون FATF، بریکس و شانگهای فایده ای ندارد.»

یادآوری می شود که فقط ایران، کره شمالی و میانمار عضو FATF نیستند.

نقدینگی، تورم، فلاکت عمومی، اختلاف کلان طبقاتی و شکاف جنسیتی

به گزارش بانک مرکزی حجم نقدینگی تا پایان آبان ماه سال ۱۴۰۳ از ۹ هزار و ۳۹۲ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این حجم کلان نقدینگی که ناشی از چاپ بدون پشتوانه پول و برخی عوامل دیگر از جمله تغذیه اژدهای فساد حکومتی است، سبب افزایش مداوم تورم شده و می شود. رابطه بی واسطه میزان تورم با رشد نقدینگی را می توان در آمارهای آرایش شده حکومت هم دید. براساس این آمار، در حالی که در ابتدای روی کار آمدن دولت رئیسی نقدینگی ۳۹۲۱ میلیون میلیارد تومان بوده، این رقم در آذر سال ۱۴۰۲ به ۷۷۸۰ میلیون میلیارد تومان رسیده است.

از نگاه یک اقتصاددان «فقر و مصیبتهای مردم بسیار پیچیده تر و عمیق تر از آن است که کسی بتواند این مصیبتها را درک کند. اوضاع به مراتب بدتر و وخیم تر از آمار و ارقامی است که ارایه می شود. به نظر نمی رسد تعداد افرادی که امروز زیر خط فقر مطلق قرار گرفته اند کمتر از ۵۰ درصد جمعیت کشور باشد. به این معنی که این افراد از حداقلهای زندگی انسانی هم برخوردار نیستند. قطعاً می توان سهم رفاه در کشور را بدون درآمدهای نفتی هم افزایش داد؛ اما مساله اصلی این است که این سیستم قادر به افزایش رفاه برای مردم کشور نیست.» (حسین راغفر اقتصاددان، آفتاب نیوز، شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲)

ایران هشتمین کشور دنیا با بیشترین فاصله طبقاتی و در ردیف کشورهایی نظیر اکوادور، مکزیک، آرژانتین، ترکیه و بولیوی قرار گرفته که در مقایسه با میانگین جهانی، کشورهای ذکر شده در ردیف کشورهایی با بیشترین نابرابری درآمدی قرار دارند.

در حالی که بیکاری بیداد می کند، حکومت در سربالی از رفتارهای ارتجاعی، مراکز تجاری و خدماتی را به خاطر مقاومت در برابر حجاب اجباری تعطیل می کند. رسانه «اعتماد» در شماره روز یکشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۲، خبر داد که «۵۲ درصد از واحدهای گردشگری به دلیل رعایت نکردن حجاب پلمب شدند.»

رنج و مشقت فرودستان و زندگی اشرافی فرادستان به شکل عریان تری خود را نشان می دهد. تعرض به سطح زندگی و معیشت اکثریت شهروندان ایران زمین که محصول غارت و وحشیگری سرمایه داری انگلی و رانتی و نظام پشتیبان آنان است، ابربحران اختلاف طبقاتی را روز به روز تشدید کرده است.

«دنیای اقتصاد» در شماره روز سه شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳، نوشت «حدود ۳۳ سال طول خواهد کشید تا درآمد سرانه ایران به سطح کنونی درآمد سرانه قطر برسد.» یک روز بعد «مواجهه اقتصادی» در باره بودجه ۱۴۰۴، این خبر را منتشر کرد که؛ اعتبار برای واردات کالاهای اساسی و دارو کاهش یافته است. همزمان «کار و کارگر» خبر داد که «سال بعد نرخ بیکاری و تورم افزایش خواهد داشت.»

«روزگار» در شماره روز چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۳، از «جنگ مردم با غول گرانی در سال آینده» خبر داد. «عصر قانون» در روز شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۳، نوشت: «قیمت ۶۰ هزار تومانی گوجه فرنگی چه ربطی به دلار دارد؟ گوجه فرنگی مگر تولید داخل نیست؟»

به گزارش «نود اقتصادی»، فرهاد مومنی، اقتصاددان در روز دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳، گفت: «شکندنده ترین وجه نابرابری ها در توزیع نقدینگی است که نابرابری وحشتناکی در آن وجود دارد... و ۸۲ درصد نقدینگی کشور در اختیار ۲.۵ درصد سپرده گذارهاست.»

مدیرمسئول وبسایت حکومتی «رویداد ۲۴» در نشست محمدباقر قالیباف، سرکرده مجلس ارتجاع با مدیران رسانه ها، به پیامدهای خطرناک «خشم جامعه» هشدار داد و با طرح برخی

حکومتی نوشت که «اقتصاد غارتی جوانان کشور را قربانی فقر فرهنگی و معیشتی کرده است.»

همین رسانه در شماره روز شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۳، نوشت «تورم عامل فروپاشی خانواده ها است

رسانه «روزگار» در شماره روز دوشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۳، به «قوانین تبعیض آمیز» در مورد زنان ورود کرده و «ریشه دوری زنان از بازار کار، در حالی که ورودی دختران بیشتر از پسران است» را یادآوری کرده است. همین رسانه در مورد تبعیض جنسیتی نوشت: «قوانین حمایتی از زنان در محیط کار در بسیاری از موارد تنها به شکل نوشته ای روی کاغذ باقی مانده است.»

رسانه «کار و کارگر» در روز شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۳، میزان اصلی تامین کسری بودجه دولت را از «سفره های کارگران، پرستاران و بارنشتگان» اعلام کرد و همین رسانه در روز بعد نوشت: «سیاستهای کلی بودجه ۱۴۰۴، خطرناک و نگران کننده است. فلاکت به مفهوم افزایش فقر و بیکاری در کشور بیشتر خواهد شد.»

رسانه حکومتی «کار و کارگر» در شماره روز سه شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳، خبر داد که «سالانه ۳۰ درصد از قدرت خرید نیروی کار کاهش می یابد. و «یادگار امروز» در روز چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۳، نوشت «سپاهی شب یلدا برای مردم، قیمتها از یلدای پارسال دو برابر شده است.»

«جهان صنعت» در شماره روز چهارشنبه ۷ آذر ۱۴۰۳، نوشت: «با تداوم موج گرانیها سفره خانوار بیش از پیش خالی می شود و این دولت هم مانند اسلاف خود در شعارهای انتخاباتی از مردم گفت و سنگ آنها را به سینه کوفت اما در عمل در همان مسیر تکراری دولت های پیشین گام بر می دارد.»

«توسعه ایرانی» در شماره روز یکشنبه ۱۱ آذر همین سال نوشت: «منافع لیگارشی ثروت و قدرت در افزایش قیمت بنزین است، نه رشد دستمزد نیروی کار.»

«ستاره صبح» روز دوشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۳، نوشت: «در شرایطی که مردم با مشکل تامین نان، آب و هوا، برق و گاز و ... مواجهه هستند، به میان کشیدن قانونی [قانون حجاب اجباری] که از هم اکنون می توان پیش بینی کرد که با شکست مواجه خواهد شد چه معنا و مفهومی دارد.»

«چارسوق» در شماره روز شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳، در پاسخ به همتی که گفت: «نگران افزایش قیمت کالاهای اساسی نیستیم» نوشت: «افزایش قیمتها در ۱۰۰ روز نخست دولت پزشکیان: نان ۵۰ درصد، لبنیات ۳۰ درصد، برنج خارجی ۱۴ درصد، مرغ ۱۴ درصد، سیب زمینی ۱۳ درصد، انواع حبوبات ۹ درصد، گوجه فرنگی ۵۹ درصد، پیاز ۷ درصد، برقی ۳۸ درصد.»

«آرمان امروز» در شماره روز سه شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳، تیتیر زد: «۴۴ برابر شدن قیمت خوراکیها طی یک دهه.»

«ابرار اقتصادی» روز چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۳، در باره تعطیل شدن واحدهای تولیدی «رسیدن واحدهای صنعتی به خط پایان» را مطرح کرد و نوشت: «۶۰ درصد واحدهای تولیدی غیر فعال شده اند.»

«آرمان ملی» در شماره روز سه شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۳، نوشت: «ریال ایران به عنوان کم ارزش ترین واحد پول رسمی در جهان شناخته شده است.» «همدلی» در همین روز نوشت: «افسار قطار اقتصاد گسیخته است.»

حداقل دستمزد یک چهارم خط فقر

«توسعه ایرانی»، روز یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳، نوشت: «اعتراض کارگران و کارمندان به تصمیم مجلس: برای تعیین مزد حداقلی ۱۳ میلیون تومان. مزد بگیران را هر سال فقیر تر می کنند.» «کار و کارگر» در همین روز نوشت: «دولت و مجلس مزد بگیران را هر سال فقیرتر می کنند.»

«نقش اقتصاد»، روز دوشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۳، اعلام کرد: «رقم سبد معیشت نباید کمتر از ۲۶ میلیون تومان باشد.» و در همین رابطه «کار و کارگر» در روز شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳، نوشت: «سبد معیشت حداقلی خانوارهای کارگری در مهر ماه ۲۷ میلیون و ۶۴۰ هزار تومان بود.» و این در حالی است که دستمزد کارگران حداکثر ۱۳ میلیون تومان است.

محمد بحرینیان، پژوهشگر مسایل نیروی انسانی می گوید: «جمعیت فقیر ما که در سال ۱۳۸۹، ده میلیون نفر بوده، در سال ۱۳۹۵ به سیزده میلیون نفر رسیده و در سال ۱۴۰۰ بیست و پنج میلیون و ششصد هزار نفر رسیده» (دیدار نیوز ۱۱ دی ۱۴۰۳)

احسان سلطانی اقتصاددان حکومتی از سقوط خانواده های ایرانی زیر خط فقر می گوید: «بر اساس خط فقر تعیین شده (بانک جهانی) برای اقتصادهای هم سطح ایران، یک خانوار سه نفره (با درآمد ریالی) در (اقتصاد دلاری) ایران به درآمد ماهانه ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان نیاز دارد تا فقیر محسوب نشود.» (اقتصاد ۲۴، ۳۰ آذر ۱۴۰۳)

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۵

«همدلی» در شماره روز شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، نوشت: «۲۰ میلیون نفر حاشیه نشین» در کشور وجود دارد. در همین روز «هم مین» در باره سیلهای ویرانگر نوشت: «وقتی بستر کوه را آسفالت و بتن ریزی کردند؛ دیگر فرصتی برای نفوذ آب در این منطقه نبود... کوه خوری، ساخت و سازهای غیر مجاز، بی توجهی به حریم مسیلهها» دلیل این عوارض ویرانگر است.

«آسیا» در شماره روز پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳، نوشت: «حقوق کارگران تامین اجتماعی یک سوم زیر خط فقر... کف حقوق تمام بازنشستگان را به ۱۰ میلیون هم نرسانده اند.» در همین روز «کار و کارگر» نوشت: «۳۰ سال کار و فقط ۴ سال سابقه بیمه!... کارگران بیمانکار تنها در رویا بازنشسته می شوند.»

«کار و کارگر» در روز شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۳، نوشت: قدرت خرید کارگران در ۲۰ سال گذشته به یک ششم سال ۱۳۸۲ رسیده است. «ابرار اقتصادی» در روز یکشنبه ۶ خرداد همین سال نوشت: افق روشن از کنترل تورم دیده نمی شود. «اقتصاد ملی» در روز سه شنبه ۸ خرداد ۱۴۰۳ نوشت: ۴۳ درصد خانوارهای شهر تهران زیر خط فقر مسکن هستند. «کار و کارگر» روز چهارشنبه ۹ خرداد همین سال به پیامدهای تورم زای بدهی بانک ها به بانک مرکزی هشدار داد و اعلام کرد که مالکیت شبه دولتی ذی نفوذ در بانکها قابل نظارت نیست. روز شنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۳، «همدلی» سخنان وقیحانه رئیس سازمان برنامه و بودجه مبنی بر آنکه «کشاورزان عجول نباشند، بخشی از مطالبات شان را می دهیم» را پوشش داد. رسانه «ثروت»

روز شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۳، پیرامون ادعاهای واهی کاهش تورم نوشت: سفره مردم در سالهای اخیر کوچک و کوچک تر شده؛ به طوری که خوراکیهای مختلف از سفره های شان ناپدید شده است. حتی سفره ها کم رونق تر از زمان جنگ ایران و عراق شده است. امروز مردم ادعای کاهش تورم را نمی پذیرند چون با غذا و خوراکیهای سفره خود می سنجند. «کار و کارگر» روز یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۳، گزارش داد که حدود ۳۰ درصد از مردم از اساس زیر خط فقر هستند و چهل درصد از جمعیت در آستانه فرو افتادگی به زیر خط فقر قرار دارند. «کار

و کارگر» روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳، گزارش داد که واقعیتهای کشور چیزی جز بی عدالتی به تصویر نمی کشند. تصمیم گیران درکی از زندگی سخت با درآمد ماهی ده میلیون تومان ندارند. و «ثروت» روز سه شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳، به طعنه نوشت: مبادلات تجاری کشور شبیه دوران پارینه سنگی است. در همین روز «ابرار اقتصادی» نوشت: طناب تورم، تولید را به خفگی رسانده است.

رسانه «اعتماد» روز سه شنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۳، در یک گزارش تکانهنده اعلام کرد که «سه میلیون کودک کار در کشور وجود دارد... زنگ خطر برای کار کودکان در ایران.» رسانه ها همچنین از فشار مالیاتی بر فرودستان خبر، تفسیر و تحلیل منتشر کرده اند. رسانه حکومتی «خبر فوری» در شماره روز چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳، در گزارشی با عنوان «سقوط دستمزد و صعود مالیات در سال ۱۴۰۳؛ نمودارها به نفع ثروتمندان قد می کشند!» از قول یک فعال کارگری نوشت: «فشار مالیاتی مضاعف بر طبقات فرودست در حالیکه قرار است ۷۲.۵ درصد از هزینه های دولت را درآمدهای مالیاتی تامین کند، ظلم به این گروه دانسته و در این رابطه می گوید: کارگر یا کارمندی که بیش از ۱۲ میلیون حقوق می گیرد باید مالیات پلکانی بپردازد: آیا نمی دانند ۱۲ میلیون تومان نصف خط فقر هم نیست؟

علاوه بر این مالیات که به مزدبگیران شاغل اختصاص دارد، همه مزدبگیران شامل شاغلان و بازنشستگان، مکلف به پرداخت مالیات بر ارزش افزوده هستند که نرخ آن با یک درصد افزایش به ۱۰ درصد رسیده است و به همه کالاها و خدمات تعلق می گیرد.»

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم ۱۲ ماهه در سال ۱۴۰۳ در گروه خوراکیها بین ۶۱ درصد برای دهک دهم است؛ کسانی که درآمد کافی برای مصرف انواع مختلف مواد غذایی ندارند قطعا از خوردن بسیاری از ریز مغذی ها؛ ویتامین ها و مواد معدنی محرومند. (هدف اقتصاد، دوشنبه ۵ شهریور ۱۴۰۳)

به نوشته «کار و کارگر»؛ پنج میلیون ایرانی قادر به تامین غذای خود هم نیستند. ۳۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر بسر می برند. (دو شنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۳)

بر اساس گفته رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی، بیمه حدود ۵۰۰ هزار کارگر ساختمانی قطع شده است. به گفته فرشاد مومنی، اقتصاددان، «میانگین دریافتی بازنشسته ها، زیر ۵۰ درصد خط فقر رسماً اعلام شده است.» (عصر ایران، ۱۹ شهریور ۱۴۰۳)

«کار و کارگر» در شماره روز شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۳، اعلام کرد که هزینه ماهانه خوراکی بیش از مزد است و سبد معیشت شهریور به بیش از ۳۶ میلیون تومان رسیده است. این رسانه

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۶

آخوند محسنی اژه ای، رئیس قوه سرکوبگر قضائیه، روز دوشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۳، «برجسته کردن مسائل معیشتی و اقتصادی» را کار دشمن دانسته و کسانی که این «بزرگمایی» را انجام دهند، تهدید به «برخورد» کرد. او بیشرمانه مدعی شد: «دشمن درصدد است با برجسته کردن مشکلات و معضلاتی که برخی از اقشار مردم با آنها مواجه هستند، سلسله مسائلی را در کشور ایجاد کند.»

«مردم سالاری»، در شماره روز چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ تیتراژ: «هزینه زندگی کارگران زیر فشار. سقوط ۴۰۰ درصدی ارزش دستمزد در یک دهه.»

طی ۱۰ سال گذشته، ارزش حداقل دستمزد کارگران از حدود ۲۳۵ دلار به ۹۴ دلار کاهش یافته است. این کاهش قدرت خرید به شکلی شتابان ادامه دارد؛ به طوری که در سال ۱۴۰۳، دستمزد از ۱۳۳ دلار به ۹۴ دلار رسیده که نشاندهنده کاهش ۳۰ درصدی در قدرت خرید در یک سال است.

لازم به یادآوری است که آمار و ارقام ارایه شده از سوی منابع و رسانه های حکومتی قابل اعتماد نیست و بر اساس پیشینه، آرایش و دستکاری می شود. در فقدان منابع و نهادهای مستقلی که آمار اقتصادی را گردآوری کنند، آمار منابع حکومتی فقط می تواند شمایی از شرایط واقعی اقتصاد ایران و آثار عینی آن را ارایه کند.

بخش پنجم

قتل عام طبیعت، ابربحران آب و فرونشست زمین

پیشینیان ما بر این باور بودند که هستی بشر از آب، خاک، آتش و هوا تشکیل شده است. گرچه اهمیت علمی این دیدگاه سالهاست که مردود اعلام شده، اما بدون تردید این چهار عنصر نقش مهمی در زیست بشری به عهده دارند. در تمامی کشورها در بررسی شرایط محیط زیست چهار عنصر آب، خاک، آتش (انرژی) و هوا مورد ارزیابی قرار می گیرد.

در ایران تحت حاکمیت ملامها، شرایط مربوط به این چهار عنصر، فاجعه بار است که طی هزاران سال قدمت تاریخ ایران، حتی در دوران جنگها، قحطیها و بیماریهای مهلک بی سابقه است.

بحران آب و گرانی نان، آتش سوزی در جنگلها، فاجعه ریزگردها، آلودگی هوا و... در کنار فقر و بی خانمانی زندگی مردم و به ویژه نیروهای کار را به فلاکت کشانده است.

در بیانیه سازمان سچقخا پیرامون اول ماه مه سال ۱۴۰۳، تاکید کردیم: «حکومت هم به سفره مردم دستبرد می زند و هم به محیط زیست آنان. این ننگی بزرگ برای حاکمان جمهوری اسلامی است که خوزستان که سرزمین ثروت و منابع سرشار آب است را به تباهی کشانده است و یا زمین شهر تاریخی اصفهان را با برنامه های ضد انسانی اقتصادی چنان تهی از آب کرده که این شهر تاریخی در حال فروپاشی است. در تهران به دلیل افت سطح آبهای زیرزمینی، بستر جغرافیایی این شهر ۳۶ سانتی متر در سال فرو می نشیند و این میزان نشست در هیچ جای جهان تاکنون گزارش نشده است و تهران رکورددار فرونشست زمین در دنیا به شمار می آید.»

داریوش مختاری، کارشناس حوزه آب با هشدار نسبت به نابودی آبخوانها و منابع آبی گفت: «در حال حاضر به طور خوشبینانه ۴۰ درصد آبیسی که به جغرافیای ایران وارد شده قابل بازگشت نیست. ما برای اهدافی کوتاه و گذرا هم رودخانهها را خشکاندیم و ناچار شدیم چاهها را عمیق تر حفر کنیم. در نتیجه انبوهی از سیاست های نادرست کاری با آبخوانها کردیم که امروز شاهد فرونشست در اکثر دشت های کشور از جمله اصفهان و مرودشت هستیم.» (هرانا آدینه ۲۹ دی ۱۴۰۲)

به گزارش برخی از منابع رسمی، «در حال حاضر دستکم ۱۳ سد مهم کشور درصد پرشدگی زیر ۲۰ درصد دارند؛ در واقع بیش از ۸۰ درصد ظرفیت مخازن این سدها خالی است.» (هرانا آدینه ۲۹ دی ۱۴۰۲)

از میان بحرانهای زیست محیطی، در این گزارش به طور عمده به فرونشست زمین ناشی از ابربحران آب پرداخته می شود. پیرامون فرونشست زمین رضا اسلامی، کارشناس تکنونیک در مورد این رویداد مخرب نوشت: «فرونشست یک پدیده تدریجی است و مانند زلزله به یکباره اتفاق نمی افتد. مثلاً وقتی می گوئیم که نرخ فرونشست اصفهان سال ۹۸ نزدیک ۱۸۴ میلیمتر بوده است، این عدد در طول یک سال رخ داده است. ممکن است برخی ماهها این نرخ بیشتر و یا کمتر بوده باشد. در دنیا ۴ میلیمتر فرونشست به معنای بحران است... مهم ترین دلیل فرونشست در ایران برداشت از آبخوان است و در صورت تداوم این وضعیت اصفهان بین سالهای ۱۴۰۹ تا ۱۴۱۵ به بیابان تبدیل می شود.» (عصر ایران، ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴)

در تمام دوران تاریخ ایران این سرزمین از کمبود آب رنج برده است. اما شواهد گواهی می دهد که هیچگاه مشکل آب تا میزان کنونی بحرانی نبوده است. بدین خاطر است که از بحران آب به عنوان یک ابربحران نام می بریم. بحران آب سبب فرونشست زمین شده و یک فاجعه زیستی را رقم می زند. استان اصفهان بعد از استان سیستان و بلوچستان و استان یزد سومین استان خشک ایران با آورد آبی نزولات آسمانی سالانه حدود ۹۵ میلیمتر است.

ابر بحران آب که پیامدهای بیشمار در ایران داشته با غارتگری حکومت و در کانون آن سپاه پاسداران، زندگی میلیونها ایرانی را به نابودی کشانده است. غارت آب و سیاستهای خانمان برانداز جمهوری اسلامی موجب فرونشست زمین در گوشه و کنار کشور شده که از جمله می توان به شهر تاریخی و پر جمعیت اصفهان و شهر تهران اشاره کرد. در شرایط کنونی ۹۴۸۰ شهر و روستا در معرض فرونشست زمین قرار دارند.

پیرامون بحران شدید فرونشست زمین و خشکسالی در استان اصفهان، مدیرکل مدیریت بحران اصفهان گفته است که: «سالانه بین ۴ تا ۱۸ سانتی متر فرونشست در این استان رخ می دهد و ۱۰۰ درصد مساحت آن تحت تأثیر خشکسالی قرار دارد... اصفهان تنها استانی است که اثرات فرونشست زمین در آن تا بدنه های شهر هم آمده و به ساختمان های مسکونی رسیده است... رودخانه زاینده رود خشک شده و ۳۶۰ روستا با تانکر آبرسانی می شوند. از ۳۵ دشت استان، ۲۹ دشت با افت آبهای زیرزمینی و ۱۵ دشت با فرونشست زمین مواجه هستند. ۲۰۰ مدرسه در مناطق اصفهان، فلاورجان و برخوار تحت تأثیر فرونشست قرار گرفته اند.» (ایرنا، آدینه ۱۲ بهمن ۱۴۰۳)

در نامه ای که روسای چهار دانشگاه بزرگ اصفهان به رئیس سازمان محیط زیست نوشته اند، پیرامون خشکی «تالاب گاوخونی» هشدار داده اند. در این نامه آمده است: «نزدیک سه دهه از بروز خشکی در تالاب گاوخونی گذشت و در این مدت با تخصیص های غیرقانونی از زاینده رود هر سال خشکی زاینده رود پیشروی کرده و اکنون به خشکی کامل رسیده است... و بیش از هفتاد درصد رودخانه زاینده رود به عنوان تأمین کننده اصلی آب تالاب خشک شد.» (اقتصاد آنلاین، ۱۴ بهمن ۱۴۰۳)... در این نامه آمده است: «فرونشست زمین تا حد نابودی سرزمین در حال سرنگی است به گونه ای که از دشتهای شهرها رسیده و می رود تا خدای ناکرده آثار تاریخی شهری با شهره جهانی را به چالشی جدی بکشد.» (همانجا)

یکی از علت های بحران آب در استان اصفهان وجود کارخانه های آب بر است که بار سنگینی را به رودخانه زاینده رود تحمیل می کند. یکی از بزرگترین صنایع و کارخانجات نظامی خاورمیانه در این استان قرار دارد. شماری از صنایع موجود در اصفهان چنین است:

صنایع فولاد

۱ - فولاد مبارکه :

بزرگترین مجتمع فولاد سازی در ایران (سال ۷۲)

۲ - فولاد کوه پایه (۱۳۷۹)

۳ - فولاد ماهان سپاهان (۱۳۸۳)

۴ - فولاد سازان جم (۱۳۸۹)

۵ - فولاد اشترجان اصفهان (۱۳۷۴)

۶ - فولاد اصفهان در (۱۳۸۵)

۷ - تولیدی فولاد اصفهان (۱۳۷۴)

۸ - شرکت آهن و فولاد اصفهان (۱۳۷۱)

۹ - بزرگترین مجتمع فولادی سازنده ریل قطار در ایران

۱۰ - فولاد ماهان طوبی (۱۳۹۵)

۱۱ - شرکت فولاد آراد

۱۲ - شرکت توکا فولاد

۱۳ - شرکت لوله و قوطی اصفهان

۱۴ - شرکت فولاد آلیاژی اصفهان

۱۵ - شرکت ایران ذوب اصفهان

پتروشیمی

۱ - مجتمع بزرگ پتروشیمی اصفهان (۱۳۷۱)

۲ - شرکت پالایش نفت (۱۳۶۸)

۳ - نفت سپاهان

۴ - شرکت سهامی پتروشیمی اصفهان

نیروگاه های سیکل ترکیبی

۱ - نیروگاه سیکل ترکیبی اردستان (۱۳۸۷)

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۷

۲ - نیروگاه سیکل ترکیبی زواره (۱۳۹۰)

۳ - سیکل ترکیبی محمد منتظری

۴ - سیکل ترکیبی اصفهان ۲

رسانه «ابرار» در شماره روز «سه شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲، خبر داد که «نرخ فرونشست زمین در ایران ۵ برابر میانگین جهانی است.» رسانه «نقش اقتصاد» در شماره روز شنبه ۱۹ اسفند ۱۴۰۲، نوشت: «۴۰۰ دشت ایران در محدوده فرو نشست قرمز» قرار دارد.

فرونشست زمین در اصفهان از سال ۱۳۹۷ به این طرف که جریان دائمی زاینده رود قطع شده، تشدید شده است. به گفته کارشناسان، بسیاری از آثار تاریخی اصفهان از جمله میدان نقش جهان، ۳۸۵ مرکز آموزشی و ۲۸۰ مسجد در پهنه فرونشست قرار دارند. کارشناسان حوزه آب گفته اند که؛ فاتحه تالابهای کشور خوانده شده و ۱۲ استان از ۳۱ استان ایران تا ۵۰ سال آینده تمام سفره‌های زیرزمینی آبشان را از دست می‌دهند.

رسانه «اطلاعات» در شماره روز پنجشنبه ۱ شهریور ۱۴۰۳، در مورد بحران آب نوشت: «۷۰ درصد تالابهای کشور دچار خشکیدگی فصلی یا دائمی شده اند» و رسانه «امتیاز» در شماره روز چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۴۰۳، نوشت: «ده هزار شهر و روستا درگیر فرونشست» زمین هستند.

بحرانی ترین فرونشستها در خراسان رضوی، اصفهان، تهران و فارس وجود دارد. تلگرام «اصلاحات نيوز» به نقل از یک کارشناس محیط زیست نوشت: «ممکن است بیش از ۲۵ درصد از کل آبخوانهای ایران تا ۱۰ سال آینده برای همیشه از بین برود. دشت مشهد - چناران بدترین وضعیت را دارد؛ در آن جا منطقه مسکونی وجود دارد و حتی فرونشست به داخل شهر چناران هم رسیده است. همچنین در حوزه نیشابور یک شکاف ۳۲ کیلومتری تا خط راه آهن ایجاد و برخی از روستاهای این منطقه خالی از جمعیت شده است.»

رسانه «مردم سالاری» روز دوشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۳، نوشت: «خشکسالی زاینده رود یقه ۶ استان کشور را می‌گیرد... و ریزگرد گاوخونی در ریه ایران است.» رسانه «ستاره صبح» روز سه شنبه ۳ مرداد ۱۴۰۳، نوشت: «ریزگردها اراک و قم را به تعطیلی کشاند. شهروندان در محاصره ریزگردها و اشعه فرابنفش.» رسانه «صنعت؛ معدن؛ تجارت» روز چهارشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳، نوشت: «احتمال جیره بندی آب در تهران افزایش یافت.»

بخش ششم

برآشوبیدن فرودستان

پایینها نمی خواهند به شکل پیش زندگی کنند!

زندگی و معیشت کارورزان، پیشه وران و جوانان هر روز بیش از روز پیش به تباهی کشیده می شود و در حالی که حاکمان برای غارت دسترنج نیروهای کار و زحمت روزانه تدبیر اندیشیده و برنامه ریزی می کنند و شمشیرهای شان را جلا می دهند، کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، کشاورزان، بازنشستگان، غارت شدگان، حاشیه نشینان، کودکان کار، بی خانمانها، پیشه وران، دستفروشان، رانندگان و کامیونداران، کولبران و گردانهای جوانان جویای کار روزانه برای زدن پلیدی فقر و فلاکت و تحقق زندگی انسانی در میدان نبرد صف می بندند. همزمان با سیاستهای عمیقاً ضد مردمی حاکمیت، شاهد شتاب گیری حرکتهای اعتراضی توده ای هستیم.

پیش از این گفته ایم و تکرار می کنیم که، جنبش اجتماعی و قیامهای توده ای برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی گوییهای فضل فروشانه، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می کردند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی و یا خودفریبی به هیچ می گرفتند، نشان داد که نه جمهوری اسلامی ظرفیت تحول پذیری از درون خود را دارد و نه مردم ایران به لاف و گزافهای کسانی که از سرحقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی جامعه توجه ندارند، اهمیت می دهند.

نظریه پردازان مزدبگیر دستگاه سرکوب با مشتی اراجیف پوچ و اشاعه خرافه های ترسناک مثل «سوری ای شدن»، «به هم خوردن امنیت»، «خطر حمله نظامی» و... تلاش می کنند تا مردم را به تسلیم وادارند.

نلسون ماندلا به درستی می گفت: «امنیت تنها به معنی نبود جنگ در کشور نیست، امنیت حقیقی یعنی تمام افراد جامعه بدون توجه به نژاد، دین، طبقه، جنسیت و پایگاه اجتماعی از حقوق یکسان برای رشد برخوردار باشند.»

در فاصله دو اجلاس شورای عالی سچخفا، استبداد مذهبی تمامی ابزارهای سرکوب خود برای درهم کوبیدن جنبش و محصور کردن آن در پيله اعدام، زندان، ترور و آزار و شکنجه را به کار بست، در سطحی گسترده از روشهای غیرانسانی و بربر نشان علیه کوشندگان آن استفاده کرد، هزینه هنگفتی را برای سانسور، جاسوسی و پایش صرف کرد، از میان طیف لهنپنا، پلیدترین و رذل ترین رسته آنها را به خدمت خود درآورد و سطح شهرها را از نیروهایش انباشته کرد. به بیان دیگر، حاکمیت در عرض بیست و چهار ماه گذشته با تمام توان مالی، انسانی، نظامی و امنیتی، جنگی تمام عیار را علیه جامعه پیش برده که تنها یک هدف داشته و آن خنثی کردن تهدید سرنگونی، قلع و قمع نیروهای آن و احیای قدرت خویش بوده است. اما کنشهای متحدانه نیروهای کار که از هنگام برآمدن خیزش انقلابی ژینا به کابوس حاکمیت تبدیل شده، رژیم فاسد را در خواب و بیداری تعقیب می کند.

اعتصاب متحدانه هزاران کارگر پیمانی و پروژه ای نفت، گاز و پتروشیمی در مراکز و کارگاههای گوناگون، یکی از بزرگترین کنشهای طبقه کارگر در دوره کنونی را رقم زد. دستکم در بیش از ۱۱۰ مرکز تولیدی، کارگران دست از کار کشیدند، وارد میدان یک مبارزه به نسبت طولانی شدند و در برابر نظم غارتگر و بهره کش صف بستند. جنبش سراسری بازنشستگان و کنشهای گسترده و پرشور معلمان، اعتصاب قدرتمند کارگران صنایع فولاد ... از جمله حرکتهای اعتراضی در بیست و چهار ماه گذشته بوده که در برخی از این حرکتها، مزدوران تبهکار رژیم اقدام به دستگیری شهروندان معترض کردند که شماری از زنان و مردان آن اکنون در زندان و یا تحت پیگرد هستند.

روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، رسانه حکومتی تسنیم از قول معاون سیاسی امنیتی استاندار بوشهر خبر از «بازداشت ۸ تن» از فعالان کارگری شاغل در واحدهای پتروشیمی، نفت و گاز پارس جنوبی تحت عنوان اتهامی «لیدری اصلی اعتصابات در پارس جنوبی» خبر داد.

به گزارش روزنامه حکومتی شرق؛ معاون سیاسی و امنیتی استاندار بوشهر اعلام کرد: «اعتصابات کارگران پارس جنوبی شکسته شده است.» این کارگزار امنیتی حکومت مدعی شد که: «این اعتصابات با حمایت شبکه های خارجی بوده است.» (۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲)

راست این است که جامعه برخاسته تا شرایط خود را تغییر دهد و با این روحیه و نگاه به این افق، زندگی روزمره اش را سامان می دهد و به رویدادهای پیرامون اش، به مناسبتهای گوناگونی که فرامی رسد و به راه حلهایی که در برابرش قرار دارد، واکنش نشان می دهد. استبداد مذهبی به یک بن بست مرگبار کشانده شده؛ نه اراده برآوردن حتی بخشی از خواسته های جامعه را دارد و نه می تواند آن را به خاموشی وادار سازد. از این رو چاره ای جز مشاهده ژرفش صف بندی موجود بین خود و توده معترض و گداخته شدن تضادی که رابطه اش با آن را تنظیم می کند، ندارد. سوخت آتش خیابان از اینجااست.

کنشهای اعتراضی جنبش بیشماران نیروهای کار روزانه در وب سایت «جنگ خبر» و فشرده آن هر ماه در ماهنامه «نبرد خلق» و هر سال در ترازنامه این جنبش توسط دبیرخانه سچخفا پوشش رسانه ای داشته است. بر اساس این گزارشها؛ کارگران (در برخی حرکتها همراه با خانواده های شان)، معلمان، دانش آموزان (در برخی حرکتها همراه با خانواده های شان)، پرستاران، کشاورزان، بازنشستگان، طرفداران محیط زیست، بیکاران، غارت شدگان، دستفروشان... تا یک بهمن سال ۱۴۰۱ تا یک بهمن ۱۴۰۳ دستکم ۱۱۱۶۵ روز در محل کار و یا خیابان دست به اعتصاب، تجمع و تحصن زده اند.

سچخفا همچنین به مناسبت روز دانشجو، ترازنامه دستکم ۴۷۳ اعتصاب، تحصن، تجمع دانشجویی و برخی از بیانیه های صادر شده از طرف دانشجویان و اساتید دلیر کشور، از اول آذر ۱۴۰۱ تا اول آذر ۱۴۰۳، را منتشر کرده است.

شماری از کنشهای جامعه

به جز آنچه پیرامون حرکتهای اعتراضی نیروهای کار و زحمت شمارش شد، جامعه طی بیست و چهار ماه گذشته به گونه های بیشمار، خشم و نفرت خود را از ولایت تبهکار خامنه ای نشان داد. قیامهای درخشان روزهای آدینه در شهرهای بلوچستان مثل خاش، راسک، زاهدان، مراسم یادمان شهیدان انقلاب، سردادن شعارهای شبانه، خیزش سراسری روز پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۱، خیزش سراسری در شب چهارشنبه سوری سال ۱۴۰۱ و آخرین پنجشنبه همین سال بر مزار شهیدان، حرکتهای اعتراضی به مسمومیت دانش آموزان، خروش جوانان در شب تولد جاوید نام حمید رضا روحی، گردهمایی در پنجمین سالگرد جانباختن فعالان محیط زیست در مریوان، خروش پرتوان در اولین سال سالگرد شروع جنبش انقلابی، اعتصاب گسترده پیشه وران کردستان در اعتراض به اجرای حکم اعدام زندانیان سیاسی، مراسم چهارشنبه سوری و جشن آتش در سه شنبه شب ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ و ...

در این گزارش فقط به برخی از صدها نمونه این کنشها اشاره می شود.

بقیه در صفحه ۲۹

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۸

گیرم»، احمدآباد مشهد / شیراز کمربندی / قزوین در خیابان خیام شعار آزادی آزادی / ایزه جنگ در سطح شهر / رشت خیابان معلم و شلیک گلوله توسط مزدوران خامنه ای به سمت مردم/ اراک با شعار «عمامه رهبری، وقتشه که ببری» / اهواز با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای» و «فقر، فساد، گرونی، می‌ریم تا سرنگونی» سرداند و با روشن کردن آتش راه را بستند با آتش‌زدن لاستیک خودرو، پل «سفید» را بستند / قروه از استان کردستان فریاد «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند. / خیزش مردم رویدر در استان هرمزگان با شرکت گسترده زنان. / همچنین خیزش گسترده در شهرهای بروجرد، جوانرود، سرابله (استان ایلام)، کرمانشاه، نجف آباد، قزوین، خرم‌آباد، یزد، اردکان، آمل، نیشابور، ملایر، مهاباد، تبریز و ...

آدینه ۲۸ بهمن ۱۴۰۱: اعضای خانواده شهیدان راه آزادی؛ میلاد سعیدیان جو، دنیا فرهادی، حامد سلحشور، آرتین رحمانی و کیان پیرفلک، بر سر مزار زنده یاد علی مولایی رفتند .

سیاسی ترین چهارشنبه سوری (جشن آتش) تاریخ ایران

مناسبت چهارشنبه سوری (جشن آتش) این واقعت که رژیم مستمگ جمهوری اسلامی نمی تواند گریبان خود را از دست جامعه رها کند را یکبار دیگر یادآوری کرد.

از دوشنبه شب ۲۲ اسفند ۱۴۰۱، زنان و مردان ایران زمین در گوشه و کنار کشور به استقبال جشن آتش رفتند و با آتش سرخ شعارهای شان به جنگ استبداد زرد آلوده مذهبی رفتند. شهروندان در نقاط مختلف تهران و شهرهای قزوین، گوهر دشت کرج، همدان، کرمان، آمل، بابل، سنج، مشهد، کامیاران، بلوار وکیل آباد مشهد و ملایر تظاهرات شبانه همراه با برافروختن آتش برگزار کردند.

شامگاه سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۱، زنان و مردان در تهران در مناطق مختلف از جمله در اکباتان، قیطریه، میدان انقلاب، سلطنت آباد، میرداماد، وحیدیه، گیشا، سعادت آباد، شهرک شریعتی، نازی آباد، جوادیه، نظام آباد، سیلان، افسریه، هفت حوض نارمک، خیابان طیب، شهرک نفت و منطقه ۱۷ فلاح، شهریار، اسلامشهر، پردیس، گلستان، نسیم شهر، رباط کریم شهرک باقری، تهرانسر، پردیس و... تجمع کردند و شعار سردادند.

در سایر شهرها از جمله کرج، رشت، اصفهان (در چندین منطقه)، گرگان، تبریز، اردبیل، مشگین شهر، ارومیه، زنجان، نیشابور، سبزوار، قم، اراک، تاکستان، محلات، آبدانان، سنج، شاهین دژ، دهگلان، مهاباد، سقز، دیواندره، پیرانشهر، ملایر، سردشت، کرمانشاه، کرد غرب، جوانرود، دالاهو، سنقر، میروان، بانه، اشنویه، کامیاران، بروجرد، مشهد، بوکان، سرپل ذهاب، نقده، خرم‌آباد، دورود، تفت یزد، ایزه، اهواز، لالی خوزستان، بوشهر، کرمان، رفسنجان و زاهدان مردم بصورت گسترده در مناطق مختلف شهر تجمع کرده و با روشن کردن آتش و پرتاب نارنجک‌های صوتی و سردادن شعارهای ضد حکومتی کارزار چهارشنبه سوری را برگزار کردند. در برخی از نقاط، جوانان شورشگر پایگاههای سرکوبگر و مراکز ارتجاع را به آتش کشیدند و در کرمانشاه شعار «شیخ جنایت پیشه پاسخ تو آتیشه» سر دادند.

شعارهایی از جمله: «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر بسیجی»، «مرگ بر سپاهی»، «آزادی آزادی آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی»، «مرگ بر خامنه ای / لعنت بر خمینی»، «مرگ بر حکومت بچه کش»، «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «مرگ بر مسئول بی لیاقت»، «ژن، ژبان نازادی»، «کوردستان گ‌ورستانی فاشیستان»، «شه هید نامرن» سر داده شدند.

ویدیویی از اعتراضات در سنج در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در آن معترضان شعارهای «ژن، ژبان، آزادی» و «مرگ بر دیکتاتور» می دادند. هه نگاهو زمان این ویدیو را دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۱، عنوان کرده است.

سه شنبه شب در شهر بیان (پیون از توابع شهرستان ایزه) در خوزستان مردم گرد آتش شعار می دادند: «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا جنگیم»، «توماج صالحی آزاد باید گردد».

در همین شب تعدادی از زنان در تهران مقابل زندان اوین تجمع کرده و ضمن رقص شعارهایی چون «ژن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای قاتل» را فریاد کردند. شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» از شعارهای است که در چهارشنبه سوری هزاران نفر آن را در محله نظام آباد تهران فریاد کردند.

در شهر زیبا، واقع در غرب تهران، نیز همزمان با چهارشنبه سوری جمعیت گسترده ای مقابل منزل حمید رضا روحی، دانشجوی شهید، تجمع کرده و ضمن سردادن شعار «حمیدرضا روحت شاد»، شعارهایی چون «مرگ بر خامنه ای» و «مرگ بر دیکتاتور» را فریاد زدند.

مردم وحیدیه در تهران با وجود شلیک گاز اشک آور از سوی نیروهای سرکوبگر، اقدام به مقاومت کرده و این نیروها را عقب راندند و به سردادن شعارهایی چون «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» پرداختند.

بقیه در صفحه ۳۰

شنبه اول بهمن ۱۴۰۱: مراسم چهلیم جاوید نام آیدا رستمی در گرگان برگزار شد. **یکشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱:** مراسم خاکسپاری زنده یاد و جاوید نام رضا قادری، ۱۹ ساله در اصفهان برگزار شد. در همین روز شمار زیادی از شهروندان مهاباد بر مزار شهیدان راه آزادی تجمع کرده و شعار دادند.

پنجشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۱: مراسم چهلیم زنده یاد محمود احمدی در آرامستان روستای سرراک سفلی در اطراف ایزه برگزار شد. همزمان مراسم تولد شهید راه آزادی سید جواد موسوی در امامزاده کلثوم خوراسگان در حومه اصفهان بر سر مزارش برگزار شد. در همین روز مزار جاوید نام حدیث نجفی به وسیله مردم گلریزان شد و مراسم چهلیم جاوید نام سروش پوراحمدی، جوان ۳۲ ساله بر سر مزار وی در زیباکنار گیلان برگزار شد.

آدینه ۷ بهمن ۱۴۰۱: مراسم یادبود برای زنده یاد حسین سعیدی، با فریاد «مرگ بر خامنه ای» در ایزه برگزار شد. در همین روز گلباران مزار حمید رضا روحی، سیاوش محمودی و یلدا آقا فضلی توسط زنان و جوانان انقلابی صورت گرفت. همزمان مراسم چهلیم زنده یاد محمد حاجی رسول پور که در جریان جنبش انقلابی بازداشت و بر اثر شکنجه مزدوران به شهادت رسید در فضای امنیتی که مزدوران خامنه ای در بوکان ایجاد کرده بودند، برگزار شد و مزار شهید مهر شاد شهیدی در اراک توسط مردم آزادیخواه این شهر و مزار شهید راه آزادی محسن شکاری به وسیله جمع کثیری از شهروندان گلباران شد.

شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۱: جمعی از نوجوانان بر سر مزار جاوید نام نیکا، برانش آهنگی که دوست داشت را پخش کردند و پیام دادند که راهش رو ادامه می دهند. در همین روز خانواده زنده یاد محمد مهدی کرمی از مزار شهیدان راه آزادی، محمد مهدی کرمی و سید محمد حسینی دیدار کردند.

دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱: مراسم خاکسپاری جاوید نام کوروش گوجانی، ۱۹ ساله در یزدانشهر اصفهان با شرکت جمعیت کثیری از مردم برگزار شد.

چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۱: به مناسبت چهلیم روز شهادت زنده یاد برهان الیاسی در جوانرود بازار و کسبه دست به اعتصاب زدند.

دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۱: زادروز جاوید نام زانیار ابوبکری از شهیدان خیزش انقلابی مهاباد برسر مزارش برگزار شد.

پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۱: مراسم خاکسپاری جاوید نام داریا میکائیلی که در ۱۲ بهمن توسط نیروهای سرکوبگر با شلیک مستقیم ۲ گلوله به گلویش زخمی شد و در ۱۹ بهمن به شهادت رسید جان، برگزار شد.

پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۱: در حالی که نیروهای سرکوبگر با حضور در آرامستان بهشت علی شهر اشتهارد، مانع برگزاری چهلیم روز اعدام زنده یادان محمد مهدی کرمی و سید محمد (کیان) حسینی شدند، شهروندان در نقاط مختلف ایران، یاد این قهرمانان انقلاب را گرامی داشتند که برخی از این چنین است:

در تهرانپارس با شعارهایی چون «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» «قسم به سربه داران، ایستاده ایم تا پایان» «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» / مقابل ایستگاه متروی شریعتی شعار «مرگ بر دیکتاتور» و «امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه» / خیابان ستارخان با فریاد «مرگ بر دیکتاتور» «حکومت اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم!» «می جنگیم می میریم ایران رو پس می گیریم!» «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان!» / بلوار فردوس «قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان!» «تا آخوند کفن نشود، این وطن؛ وطن نشود.» / چهار راه سربسز / نارمک با شعارهایی از جمله «ژن زندگی آزادی» / صادقیه با شعارهایی از جمله «مرگ بر دیکتاتور»، «هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم» / هفت حوض با شعار «حکومت بچه کش نمی‌خوایم نمی‌خوایم» شلیک تیرهایی و درگیری با مردم / شهرک نفت با شعار «مرگ بر خامنه ای» / میدان انقلاب مردم بعد از شنیده شدن صدای تک تیراندازی «فریاد بی‌شرف، بی‌شرف» سر دادند. / اکباتان «سیدعلی بی ریشه، خیزش تموم نمی‌شه»، «سلام به سربداران، مهدی، کیان و یاران»

سنجد در خیابان آتش روشن کرده و فریاد «مرگ بر خامنه ای» سر دادند. / کرج در منطقه گلشهر شعار «مرگ بر دیکتاتور» گوهردشت کرج «کرد و بلوچ و آذری، آزادی و برابری» «مرگ بر جمهوری اعدامی»، «جمهوری اسلامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» و «مرگ بر سپاهی» / اصفهان با شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» «فقر فساد گرونی، می‌ریم تا سرنگونی»، «خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله»، خیابان حکیم نظامی شعارهایی از جمله «امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه» / مشهد وکیل آباد با شعار «برادر شهیدم، خونت رو پس می

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۲۹

سیزده بدر سیاسی و شهادت جاوید نام علی باغجری

روز یکشنبه ۱۳ فروردین ۱۴۰۲، بخشهای کثیری از مردم در ادامه گردهماییهای نوروزی، با برپایی روز سیزده بدر، نظم ارتجاعی ملاها را به سخره گرفتند و مراسم این روز باستانی و انسانی را با شوق رهایی و آزادی برگزار کردند. تصاویر بسیاری از حضور زنان و مردان ایران زمین در طبیعت همراه با رقص و شادی از شهرهای ایذه، آبدیر، آستارا، اصفهان، تهران، خرم‌آباد، فولادشهر، مشهد، ماسوله، مهاباد، بهبهان، کرج، پارس آباد، مغان، رشت، رودسر، شهرکرد، سیاهکل، اسلام آباد غرب، کرمانشاه و هرمز منتشر شده است. در این گزارش فقط به چند مورد از میان دهها گزارش خواهد پرداخت.

نیروهایی سرکوبگر رژیم در برخی از محلهایی که مردم تجمع کرده و شادی می کردند، از جمله در رودسر و ماسوله یورش بردند. در روستای باغجری، زنده یاد علی باغجری، جوان اهل سبزووار، توسط نیروی سرکوبگر انتظامی هدف چند گلوله قرار گرفت و برابر دیدگان مادرش به شهادت رسید.

خانم زینب (ماه منیر) مولایی راد، مادر جاوید نام کیان پیرفلک، همزمان با سیزده بدر ۱۴۰۲، تصاویری از سیزده بدر خانوادگی سال پیش در اینستاگرام خود منتشر کرد و در بخشی از یادآوری خاطرات از دلالتگی اش برای فرزندش نوشت: «الان که نیستی برات تا صبح بیدار می مونم به انتظار طلوع خورشید، و صبح سیزده را کنار تو بدر می کنم و مثل همیشه سبزه گره می زبم برای آرزوهای قشنگمان. امسال آرزوی همه متفاوت ست، تو هم گره بزنی عزیزکم.»

در همین روز، هلیا کیا، خواهر زنده یاد خانه کیا (عروس ایران)، ۲۲ ساله، عکسی از حضور او در سیزده بدر سال پیش منتشر کرد. جاوید نام خانه در روز چهارشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ با گلوله های سرکوبگران جنایتکار خامنه ای در نوشهر به شهادت رسید. پدر و مادر خانه، روز سیزده بدر با حضور بر مزار دخترشان در حالی که سبزه را گره می زدند، آرزو کردند که ایران آزاد شود و قاتل دخترشان شناسایی شود.

در شبکه های اجتماعی ویدیویی از رقص و پایکوبی در مراسم سیزده بدر در کنار دریاچه چیتگر تهران منتشر شد. همچنین آیین باستانی سیزده بدر از سوی انبوه مردم در روستای موچش (استان کردستان) و در آبدیر مشرف به شهر سنندج با شور و هیجان برگزار شد. در اطراف شهر قم مردم زیادی در فضای سبز کنار جاده، مراسم سیزده بدر را با وجود هشدارهای چند روز اخیر سرکوبگران درباره برخورد و جریمه روزه خواران، برگزار کردند.

روز سیزده بدر، دختران شهیدان راه آزادی؛ شمال خدیوی پور و سید کمال احمدپور، بر مزار پدران قهرمان شان در مهاباد رفتند و یاد و نام آنان را گرمی داشتند. برادر زنده یاد محسن محمدی کوچکسرای بر سر مزار این شهید راه آزادی در قائم شهر سبزه گره زد و نوشت: «سبزه سیزده امسال رو با آرزوی داشتن بهاری متفاوت، نابودی ظالمین زمان و پیدا کردن قاتل برادرم گره می زبم.»

خروش جوانان در شب تولد جاوید نام حمید رضا روحی

شامگاه چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۴۰۲، با فراخوان پیشین، مراسم شب تولد جاوید نام حمیدرضا روحی، برابر منزل پدر شهید حمید رضا در شهر زیبا (تهران) برگزار شد. مردم با حضور در این مکان یاد این شهید راه آزادی را گرمی داشتند. کانال تلگرامی «۱۵۰۰» تصویر عکسهایی از خروش مردم را پوشش داده است. ماموران سرکوبگر رژیم عکسها و گلهایی که به این مناسبت در محل زندگی او نصب شده بود را کنده و با خود بردند.

در این شهر مردم و به ویژه جوانان با تظاهرات و سردادن شعار یاد و نام حمید رضا روحی را گرمی داشتند. تعداد پر شمار مردم در بلوار جوانمردان و مسیرهای منتهی به منزل شهید حمید رضا روحی همراه با سردادن شعار حرکت می کردند. مردم ترانه «بارون اومد و یادم داد» برای تولد حمید رضا می خواندند.

گردهمایی در پنجمین سالگرد جانباختن فعالان محیط زیست در مریوان

روز پنجشنبه ۲ شهریور ۱۴۰۲، مراسم یادبود پنجمین سالگرد جانباختن فعالان محیط زیست شریف باجور، محمد پژوهی، رحمت حکیمی نیا و امید کهنه پوشی، با حضور هزاران نفر در آرامستان «دارسیران» به شکل پرشوری برگزار شد. آنها در روز ۳ شهریور ۹۷، در جریان مهار آتش سوزی جنگلهای دهستان «سرکل» به طرز مشکوک جان خود را از دست دادند. شریف باجور فعال مدنی و فعال محیط زیست، شهروند مریوان و از اعضای هیات مدیره انجمن «سبز چیا» و مسئول اطفای حریق این انجمن بود.

خروشی پرتوان در اولین سال سالگرد شروع جنبش انقلابی

در سالگرد آغاز جنبش انقلابی رژیم با ایجاد حکومت نظامی اعلام نشده، با دستگیریهای گسترده خانواده های شهیدان قیام، فعالان زنان و نیروهای کار، فعالان فرهنگی - هنری و زندانیان سیاسی سابق در آستانه سالگرد قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و آغاز جنبش انقلابی، پیام وزش طوفان خشم مردمی را باخود به همراه داشت. دستگاه سرکوب فشار بر کوشندگان صنفی، سیاسی و مدنی را افزایش داد و همزمان درجه اعمال خشونت و وحشیگری را با هدف وحشت پراکنی و محتاط سازی جامعه افزایش داد. حاکمیت دلایل قانع کننده ای برای بیم و نگرانی اش داشت؛ از یک سو یورش آن برای به عقب راندن جنبش اجتماعی بی ثمر مانده و از سوی دیگر، تشدید شرایط فلاکت بار اقتصادی، تضادهای فرعی با آن را در میان طبقات و لایه های گوناگون اجتماعی به مرکز رانده و تضادهای فعال را ژرفش بخشیده. در جامعه پارادایم جدیدی بر پایه آزادی، رهایی و کرامت انسانی شکل گرفته که در جریان زندگی عادی، قوانین، دستورالعملها و هنجارهای استبداد مذهبی را بر نمی تابد و به گونه فعال علیه آن دست به اقدام می زند. با نگاهی مختصر به آنچه که در سطح کشور جریان دارد از یک طرف و از طرف دیگر، اطلاعاتی که حاکمیت خود از اقداماتش علیه زنان در همه جای ایران منتشر می کند، به روشنی می توان وجود یک حرکت اجتماعی فراگیر با ذهنیت و عمل جمعی را بازشناخت که دستگاه حاکم تمامی نیروهایش را به چالشی سخت گرفته است.

اجبار به برقراری حکومت نظامی غیر رسمی و ممنوع کردن هر گونه تجمع، گوشزدی به دهنهای کف کرده پایوران رژیم بود که از «جمع کردن بساط» معترضان حرف می زدند.

آدینه ۲۴ شهریور ۱۴۰۲

*خیزش مردم زاهدان با شعارهای: می کشم می کشم آن که برادرم کشت/ مرگ بر خامنه ای/ مرگ بر جمهوری اعدامی/ یا مرگ یا آزادی/ زندانی سیاسی آزاد باید گردد/ قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان.

*بوجود تمامی فشارهای نهادهای حکومتی، شمار زیادی از مردم در شهر اسلام آباد غرب (شاباد) به روستای تاجر اکبر کلهر رفته و در مراسم خاکسپاری زنده یاد حامد باقری شرکت کردند.

*در محله ها و مناطق تهران از جمله چیتگر/ کاشانی/ تهرانپارس/ میدان انقلاب/ جردن/ تهرانسر/ اکباتان/ نارمک/ پردیس/ جردن/ آتی ساز/ یوسف آباد/ سعادت آباد/ مرزداران/ شهر زیبا/ خیابان آزادی/ گیشا و شهروندان شعار شبانه سردادند.

*در مریوان شهروندان ایجاد راهبندان با آتش کرده و سرودهای انقلابی از بلندگوها پخش کردند.

*در بانه، بوق ممتد و شعاردهی مردم در ایست بازرسی سپاه.

*در پیرانشهر؛ بوق ممتد خودروها

*در سنندج و آبدانان برافروختن آتش در خیابانها و ایجاد راهبندان و سر دادن شعارهای: مرگ بر خامنه ای/ مرگ بر دیکتاتور/ قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان/ خامنه ای ضحاک می کشیمت زیر خاک/ خامنه ای قاتله حکومتش باطله/ مرگ بر خامنه ای لعنت بر خمینی/ مرگ بر جمهوری اسلامی سر دادند.

*بانو گوهر عشقی، مادر دادخواهی که ستار بهشتی، فرزندش، در زندانهای جمهوری اسلامی شهید شد، در پیامی ویدیویی خطاب به مردم ایران گفت: «سالگرد جان باختن مهسا امینی را فراموش نکنند.» خانم عشقی در این ویدئو از مردم خواست «جوانهایی که در راه ایران جان دادند را فراموش نکنند» و افزود «دخترم مهسا امینی که سالگردش است را یادتان نرود». این مادر دادخواه در عین حال از افرادی که جویای احوالش بودند، تشکر کرد.

*تحصن زنان زندان اوین: هفت زندانی سیاسی زن، در زندان اوین اعلام کردند که در حمایت از مردم و اعتراض علیه حکومت از ۲۴ شهریور در حیاط زندان تحصن می کنند.

در این تحصن؛ آزاده عابدینی، سپیده قلیان، شکیلا منفرد، گلرخ ابرایی، نرگس محمدی، محبوبه رضایی و ویدا ربانی حضور خواهند داشت.

زنان زندانی اعلام کردند: «یک سال از کشته شدن دختر ایران زمین، مهسا امینی (ژینا) به دست ماموران حکومت گذشت. بغض کشته شدن و اعدام مظلومانه دختران و پسران سرزمینمان در خیابانها و زندانها، کور کردن معترضان، بازداشت، شکنجه و زندان به پا خاستگان، زخمی است بر جان و روانمان، اما شعله امید و انگیزه ای است برای تداوم مبارزه تا لحظه پیروزی مان... ما زنان زندانی سیاسی اوین در کنار همه آزادیخواهان و برابری طلبان جهان، در حمایت از مردم ایران و اعتراض به سیاست های خشونت آمیز، سرکوبگرانه و بی رحمانه حکومت دینی استبدادی از روز ۲۴ شهریور ۱۴۰۲، در حیاط بند زنان اوین تحصن خواهیم کرد و با مردم ایران هم صدا خواهیم بود.»

بقیه در صفحه ۳۱

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۳۰

*دو دانشجوی نخبه، علی یونسی و امیرحسین مرادی در زندان اوین در سالگرد قیام سراسری اعتصاب غذای کردند. خواهر علی یونسی در صفحه شخصی خود خبر از این امر داد. این دو زندانی سیاسی اعلام کردند برای رسیدن به آزادی، نابودی دیکتاتوری، چه تاج و چه عامه، از سالگرد دستگیری تا کشته شدن مهسا امینی اعتصاب غذا می کنند.

شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲

با وجود سرکوب شدید نیروهای امنیتی و حضور گسترده ماموران در شهرها و خیابانهای مختلف، در دستکم ۲۲ شهر ایران گردهماییهای اعتراضی شکل گرفت.

*اعتصاب عمومی پیشه وران کردستان در شهرهای سقز/مهاباد/سنندج/دیواندره/دهگلان/مریوان/بوکان/کرمانشاه/بانه/اشنویه/کامیاران/روانسر/پیرانشهر/ارومیه/میاندوآب/ایلام/پاوه/بیجار/ماکو/کنگاور/سردشت شکل گرفت.

*در همین روز معترضان در نقاط مختلف تهران دست به تجمع زدند. این تجمعها در خیابان شریعتی، نارمک، هفت حوض، جمالزاده، خیابان پیروزی و ... صورت گرفت.

*گزارشها و ویدیوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی حاکی از آن است که جمعی از مردم معترض زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان، شامگاه شنبه و در سالگرد مهسا

(ژینا) امینی بار دیگر به خیابانها آمده و اقدام به برپایی تجمع اعتراضی در چند منطقه این شهر کردند. طبق ویدیوهای منتشر شده، معترضان در زاهدان در جریان تظاهرات شنبه شب،

ضمن افروختن آتش در چند منطقه این شهر، شعارهایی چون «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» سر دادند. سایت «حال وش»، که رویدادهای

اعتراضی و نقض حقوق بشر در سیستان و بلوچستان را پوشش می دهد، نیز اقدام به انتشار ویدیوهای از تظاهرات شهر زاهدان کرد و افزود که شماری از مردم این شهر شامگاه شنبه

۲۵ شهریور در سالگرد مهسا امینی به خیابان آمده و اعتراض کردند. در تعدادی از این ویدیوها، شماری از معترضان در زاهدان در حالی مشاهده می‌شوند که پلاکاردهایی با مضمون «همه

برای سرنگونی دیکتاتور» و «پیش به سوی اعتصاب و اعتراض» در دست دارند. *به گزارش شبکه حقوق بشر کردستان، جمعی از مردم معترض در محله های میرآباد و

مجبورآباد بوکان اقدام به برپایی تجمع کردند و «نیروهای سپاه پاسداران اقدام به تیراندازی» به سمت معترضان کردند. این سایت همچنین با انتشار ویدیویی از گشت زنی پهبادهای

شناسایی سپاه پاسداران بر فراز آسمان شهر بوکان گزارش داد.

* گزارشها در شبکه های اجتماعی حاکی است که مناطقی از شهر کرمانشاه نیز شامگاه شنبه صحنه تظاهرات جمعی از مردم معترض بود. اعتراضهای در کرمانشاه از جمله در محله نوبهار

این شهر تا پاسی از شب ادامه داشت. شبکه حقوق بشر کردستان نیز در گزارشی از تیراندازی نیروهای حکومتی در محله نوبهار کرمانشاه به سمت معترضان خبر داد و افزود که در پی

اعتراضهای در کرمانشاه، دستگاههای امنیتی جمهوری اسلامی بر شمار نیروهای یگان ویژه و نیروهای امنیتی لباس شخصی، در خیابانهای اصلی و پارکهای این شهر افزوده اند.

*گزارشها و ویدیوهای منتشر شده حاکی از آن است که جمعی از مردم معترض سنندج، شامگاه شنبه همزمان با «سالگرد مهسا امینی و آغاز اعتراضهای زن، زندگی، آزادی» در چند

منطقه این شهر، اقدام به افروختن آتش و سردادن شعار علیه جمهوری اسلامی کردند. یکی از این ویدیوها دهها تن از مردم معترض سنندج را در حالی نشان می‌دهد که با روشن

کردن آتش و پرتاب سنگ در حال مقابله با یورش نیروهای ویژه و گاز اشک آور هستند و همزمان شعار «مرگ بر خامنه‌ای» سر می دهند. در تصاویری دیگر شماری از معترضان در

محله حسن آباد و عباس آباد سنندج با افروختن آتش اقدام به مسدود کردن بخشی از خیابانها کرده و شعارهای اعتراضی سر می دهند.

*شهر سقز، زادگاه و محل آرامگاه مهسا (ژینا) امینی، که در پنج روز اخیر صدها نیروی یگان ویژه و نیروهای سپاه پاسداران در سطح خیابانها و میدانی آن مستقر شدند، شنبه شب شاهد

اعتراضهای پراکنده در برخی از محلات بود که با برخوردی خشونت آمیز و در مواردی شلیک نیروهای حکومتی مواجه شد. سایت حقوق بشری «هنگاو» گزارش داد که نیروهای

امنیتی جمهوری اسلامی از جمله در محله «بهارستان بالا» شهر سقز به سمت مردم معترض تیراندازی کردند. این گزارش می افزاید که حتی در ساعتهای پایانی شنبه شب، تعدادی از

پهبادهای شناسایی همچنان بر فراز شهر سقز در حال گشت زنی هستند. * چندین منطقه از شهر مریوان از جمله چهار راه بیمارستان یکی از تقاطعهای اصلی بلوار

کردستان این شهر، و همچنین محله های «بهاران» و «کوره موسوی» صحنه تظاهرات جمعی از مردم معترض بود. ویدیوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی نشان می دهد که

معترضان در مریوان با وجود فضای به شدت امنیتی و استقرار گسترده نیروهای حکومتی در

سطح خیابانها و میدانهای این شهر، در تظاهرات شامگاه شنبه که عمدتاً اعتراضهای محله محور بوده است، اقدام به سر دادن شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» کردند. معترضان همچنین در برخی خیابانهای شهر مریوان با افروختن آتش، بخشی از خیابان را

مسدود کردند و در چند منطقه نیز با بوقهای ممتد اقدام به ایجاد راه بندان اعتراضی کردند. *جمعی از مردم شهر دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد شامگاه شنبه به خیابان آمده و

«تظاهرات گسترده ای» برپا کردند. در جریان تظاهرات مردم این شهر، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی اقدام به شلیک سلاحهای ساچمه زن به سمت معترضان کردند و همزمان

معاون استاندار کهگیلویه و بویراحمد از بازداشت ۱۵ تن از معترضان در دهدشت خبر داد. طبق

تصاویر ویدیویی منتشر شده نیروهای یگان ویژه و نیروهای امنیتی لباس شخصی مشاهده می شوند که با حمایت خودروهای ضد شورش به معترضان یورش برده و به دفعات اقدام به

شلیک گاز اشک آور و همچنین شلیک با سلاحهای ساچمه زن به سمت معترضان می‌کنند. سید جواد هاشمی‌مهر، معاون سیاسی و امنیتی استاندار کهگیلویه و بویراحمد بازداشت ۱۳ نفر

مرد و دو نفر زن را در گفت و گو با کینایوز تأیید کرد. باوجود گزارشهایی مبنی بر شلیک ساچمه او گفت که کسی زخمی نشده است. این مقام استانداری گفت که تجمع در چهار راه

شهید مفتح (معروف به آقا شیروان) شکل گرفت. رضا اکوانیان، روزنامه نگار حوزه حقوق بشر، در شبکه ها نوشت که تجمعی در امامزاده جابر دهدشت (جابرستی) شهر دهدشت شکل

گرفته است. *شهروندان گرگان با آتش زدن لاستیک و سطل آشغال، راهبندان ایجاد کرده و به شعار دادن پرداختند.

*شماری از مردم اراک شعار «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه» سر دادند. زنان معترض در تجمعها حضور محسوس داشتند. تجمعهای اعتراضی بیشتر شامل چند ده معترض یا کم و

بیش ۱۰۰ معترض بود و بیشتر شعارها معطوف به نهادهای سرکوب و رهبران جمهوری اسلامی بود. از دیگر شعارهای معترضان شعار «مرگ بر سپاهی، مرگ بر خمینی، مرگ بر

خامنه ای» بود. *باوجود حضور گسترده نیروهای سرکوب و از جمله نیروهای یگان ویژه در سطح شهر رشت،

شنبه شب، تجمعهای اعتراضی در این شهر شکل گرفت. به گزارش «رادیو زمانه»، بیشتر تجمعها در حوالی خیابان معلم بود. شهروندان جمع می شدند، بیشتر شعار «مرگ بر دیکتاتور»

سر می دادند و به محض هجوم موتورسوارهای نیروهای سرکوب جمعیت پراکنده می شد و مجدد شکل می گرفت. در شهر رشت خانه ها هم شعارهای شبانه سر دادند.

در ویدئویی که از اعتراضهای شبانه شهر رشت منتشر شد، زنی معترض به مامور سرکوب می گوید: «ها می‌گیم "مرگ بر دیکتاتور" به شما نمی‌گیم که. کرایه خونه ندارم. بچه ام بیکاره، پول نداره». مامور به زن پاسخ می‌دهد: «برو پی کارت».

*تجمع اعتراضی در شهر کرد در شامگاه شنبه شکل گرفت. روز بعد نیز زنان و جوانان مبارز و انقلابی شهرکرد تجمع کرده و از جمله شعار می دادند: «توپ، تانک، فشفشه-آخوند باید گم

بشه» و «مرگ بر خامنه ای».

*ویدئویی از لاهیجان نشاندهنده حضور پر تعداد نیروهای امنیتی در این شهر است و در بخشی از تصویر ماموران امنیتی با موتور به سمت گروه معترضان در خیابان می‌روند و به آنان

حمله می کنند. *بر اساس گزارشها و ویدیوهای رسیده از آمل، ماموران امنیتی در حمله به معترضان، عده ای را بازداشت کردند.

*در شهر مشهد اعتراضها در روز روشن آغاز شد. تجمعهای پراکنده و در سکوت در بلوار وکیل

آباد گزارش شد. رسانه های حکومتی در خود شهر مشهد و در سطح کشوری تصاویری از زائران حرم رضوی را منتشر می کردند و به طور ضمنی این بدنه مذهبی را نزدیک به حکومت

و در برابر معترضان معرفی می کردند. در بلوار کوثر مشهد، نیروهای سرکوب سعی کردند تجمعهای کم شمار را پراکنده کنند. در این محل خشونت نیروهای سرکوب به معترضان

گزارش شد و دستکم دو نفر بازداشت شدند. *معترضان در بندر انزلی با تجمع یا به صدا درآوردن بوق خودروهای شان دست به اعتراض

زدند

خیزش در سالگرد کشتار ۸ مهر ۱۴۰۱ در زاهدان

روز آدینه ۷ مهر ۱۴۰۲، در سالگرد کشتار ۸ مهر ۱۴۰۱، مردم آزادخواه بلوچ در شهرهای

زاهدان، راسک، خاش، سوران، تفتان و ... باوجود اقدامات گسترده سرکوبگرانه، پس از نماز جمعه در خیابانهای این شهرها دست به تظاهرات زدند و زیر شلیک گلوله و گاز اشک‌آور با

نیروهای سرکوبگر به مقابله پرداختند.

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۳۱

به گزارش دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران، تظاهرکنندگان با شعارهای «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر»، «می کشم می کشم آنکه برادرم کشت»، «بسجی سپاهی داعش ما شماید»، «بلوچ می میرد، ذلت نمی پذیرد» و «تجاوز جنایت مرگ بر این ولایت» بر عزم خود برای دادخواهی خون شهیدان تا سرنگونی فاشیسم دینی حاکم بر ایران تأکید کردند.

معترضان همچنین شعار می دادند: «کشته شده خدانور - به دست چند تا مزدور» که این اشاره ای بود به خدانور لجه ای که در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، در ۹ مهر از ناحیه کلیه مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به بیمارستان تأمین اجتماعی زاهدان منتقل شد، ولی در آنجا از درمان او خودداری شد و در ۱۰ مهر و در روز تولد ۲۷ سالگی اش درگذشت.

خدانور پیشتر به علت درگیری با فرزند یک بسیجی دستگیر شد و با رشوه خانواده آن بسیجی به مأموران آگاهی، از ساعت دو شب تا هفت صبح به میله پرچم بسته شد، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و تصویر دستبسته او که برای تحقیرش منتشر شده بود، ابعادی جهانی یافت. مأموران جنایتکار خامنه‌ای در زاهدان در مناطق شیرآباد، مشترک، کشاورز و خیام به تظاهرکنندگان یورش برده و به سمت آنان تیراندازی کردند. دستکم ۱۹ تن از جمله چند کودک مجروح شدند. مزدوران به داخل مسجد مکی نیز گاز اشک آور پرتاب کردند اما مردم خشمگین و دلاور زاهدان ایستادگی کرده و با شعارهای «ترسید ترسید ما همه با هم هستیم» و «بی شرف بی شرف مزدوران را فراری دادند».

همزمان و در سالگرد جمعه خونین زاهدان، کسبه و بازاریان در زاهدان، چابهار، سراوان، دشتیاری، سفیدابه نیمروز و... دست به اعتصاب زدند. بازار مشترک در زاهدان به طور کامل تعطیل بود. همزمان جوانان دلیر بلوچ شب گذشته و امروز در مناطق مختلف زاهدان با روشن کردن آتش و بستن راهها خاطره شهیدان ۸ مهر پارسال را گرمی داشتند.

به گزارش «حال وش»، درست یک سال پیش، شهر زاهدان در پس زمینه اعتراضات سراسری در ایران، شاهد قتل عام حدود یکصد شهروند بلوچ از جمله دستکم ۱۵ کودک توسط نیروهای انتظامی-امنیتی شد که این فاجعه اکنون به نام «جمعه خونین زاهدان» شناخته می شود. در یکسالی که گذشت شهروندان بلوچ به صورت پیوسته به اعتراضات خود ادامه دادند با این حال تا این لحظه هیچ فردی به خاطر ایفای نقش در قتل عام معترضان مورد تعقیب و برخورد قضایی جدی قرار نگرفته است.

اعتصاب گسترده پیشه وران

در اعتراض به اجرای حکم اعدام زندانیان سیاسی

به گزارش «هه نگاو»، روز سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲، پس از انتشار فراخوان هفت سازمان مدافع حقوق بشر، شهروندان در دستکم ۱۲ شهر کرمانشاه (کرماشان)، سنندج (سنه)، بوکان، روانسر، مهاباد، دیواندره، مریوان، دهگلان، قروه، سروآباد، بانه و سقز در اعتراض به اجرای حکم اعدام چهار زندانی سیاسی گرد به صورت فراگیر اعتصاب کردند.

ساعت پنج بامداد روز دوشنبه ۹ بهمن ۱۴۰۲ (۲۹ ژانویه ۲۰۲۴)، حکم اعدام پژمان فاتحی ۲۸ ساله و اهل کامیاران، محسن مظلوم ۲۷ ساله و اهل مهاباد، وفا آذربار ۲۶ ساله و اهل بوکان و محمد (هژیر) فرامرزی ۲۸ ساله و اهل دهگلان (دیولان)، پس از هجده ماه بازداشت در زندان قزلحصار کرج اجرا شد.

مردم دهگلان (دیولان) مقابل منزل پدر و مادری جاوید نام محمد فرامرزی تجمع کردند. مردم کامیاران مقابل منزل دایی پژمان فاتحی در روستای الک تجمع کردند. سردادن شعار «شهید نمی میرد» و «کاک پژمان قهرمان است، شهید گُردستان است» توسط حاضران در مراسم تحریح جاوید نام پژمان فاتحی. در روستای الک (کامیاران) اعتصاب غذای زندان قزلحصار کرج در اعتراض به موج اعدام ها، همه زندانیان زن زندان اوین در بند زنان در اعتراض به اجرای اعدام چهار زندانی سیاسی گرد اعتصاب کردند و این روز آغاز «سه شنبه های نه به اعدام» به ثبت رسید. زنان بوکان جلوی منزل جاوید نام وفا آذربار تجمع کردند و به زبان گُردی شعار «شهید نمی میرد» سر دادند.

همزمان با اعتصاب عمومی در کردستان، بازاریان سیمیرم در اعتراض به صدور حکم اعدام برای دو تن از معترضان خیزش ژینا به نامهای «فاضل بهرامیان» و «مهران بهرامیان» دست به اعتصاب زدند.

شعار شبانه در تهران و برخی شهرهای دیگر؛ صدای جنبش انقلابی

شماری از شهروندان در تهران و برخی دیگر شهرها در شامگاه شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲، «شعار مرگ بر خامنه» ای سردادند. در تهران: شهرک اکباتان، تهرانپارس، چیتگر، آریاشهر، شهرک باقری، جنت آباد، میدان آرژانتین، شریعی، شیخ بهایی، نارمک، تهرانپارس، پونک، مجیدیه، بلوار فردوس، بیست متری افسریه، میدان امام حسین، مناطق ۱۰، ۷، ۶، ۱۷، تهران، شهرک نفت، شهرزیبا، صادقیه، ظفر، تهرانسر، شهرک غرب، و کرج (مهرشهر، ویلاشهر، عظیمیه، گلشهر، مهرویلا)، کرمانشاه، دورود، ملایر، سنندج، همدان و شهرهای کرمانشاه، ملایر، کرج (عظیمیه)، مشهد.

برخی از شعارها «مرگ بر خامنه‌ای» / «مرگ بر دیکتاتور» / «مرگ بر خامنه‌ای، لعنت بر خمینی» / «مرگ بر جمهوری اسلامی» / «بسجی جیره‌خور، آخرشه خوب بخور» / «مرگ بر جمهوری اعدامی» / «مرگ بر بسیجی» / «مرگ بر خامنه‌ای قاتل» / «زن، زندگی، آزادی» / «مرگ بر خامنه ای ضحاک».

مراسم چهارشنبه سوری و جشن آتش در سه شنبه شب ۲۲ اسفند ۱۴۰۲

در شامگاه سه شنبه شب ۲۲ اسفند ۱۴۰۲، مردم در سراسر کشور آتش افروختند و دور آتش جمع شده و رقص، پایکوبی و شادی کردند و در برخی از شهرها شعارهای «مرگ بر خامنه ای» / «مرگ بر دیکتاتور» / خامنه ای ضحاک می کشیمت زیرخاک و...» سر دادند. در برخی از مراسمها عکسهای خمینی و خامنه ای را به آتش کشیدند.

چهارشنبه سوری، جشن آتش دستکم در شهرهای زیر برگزار شد:

تهران، شیراز، اهواز، اراک، شهرکرد، کرمانشاه (الهیه و بهداری)، مشهد (بلوار نماز)، قم، همدان (شهرک بهشتی پشت مجتمع غدیر)، گرگان، قزوین (میدان گلها)، زاهدان، مهاباد، اصفهان (لنجان، فولادشهر، شاهین شهر)، لاهیجان، ساوه (شهرک صنعتی، شهرک علوی)، بندر انزلی، سرپل ذهاب، سنندج، پیرانشهر، گوهردشت)، گهرود در چهارمحال و بختیاری، ارومیه (شهرک سپاه، الهیه)، کرج (پردیس، کمال آباد، گلشهر، عظیمیه، خرمدشت)، کرمان، یزد، سرابله، دزفول، میانه، بندرعباس، بروجن، جهرم، بابل، سمنان، خاش، رشت، یاسوج، بوشهر، شهریار، بروجرد، هشتگرد، تبریز (رشدیه)، خوانسار، ساری، کاشان، شیروان، میانوآب، جیرفت، دیواندره، جوانرود، ملکان، ایلام، اسلام آباد، اردبیل، نائین، بجنورد، گرمدره، اسلامشهر، روانسر، زنجان، لنگرود، خوی، خرم آباد، الیگودرز، گچساران، ماهشهر، نیشابور، قروه و...

با یاد شهیدان در جشن آتش

* در شب چهارشنبه سوری دایه شریفه مادر سربدار، شهید جاوید نام رامین حسین پناهی طناب دار جمهوری اسلامی را به آتش کشید!

* بر سر مزار جاوید نام مجید طوس پرور از شهیدان جنبش انقلابی در اسلامشهر

* بر سر مزار زنده یاد دکتر آزاد حسین پوری

* مراسم جشن آتش در مهاباد بر سر مزار شهیدان برگزار شد.

* خانم مژگان فتحاری، مادر دادخواه جاوید نام مهسا ژینا امینی همزمان با چهارشنبه سوری عکسهای اولین شهید قیام سال ۱۴۰۱ را منتشر کرد.

* خانم لیلا مهدوی مادر دادخواه جاوید نام سیاوش محمودی در چهارشنبه آخر سال بر مزار فرزند دلیندش جشن ترقه و آتش برگزار کرد.

* خانواده زنده یاد ابوالفضل آدینه زاده در مراسم چهارشنبه سوری تصاویری از این شهید قهرمان منتشر کردند. خانم مرضیه آدینه زاده، خواهر جاویدنام ابوالفضل، ضمن انتشار یک ویدیو نوشت: «... هرمانستی که از راه می رسه برای ما نفس گیره، جای خالی عزیزدلمون بیشتر از همیشه احساس می شه، که آخ اگر بود چنین و چنان... برای همین آتیش انتقام توی قلمون بیش از پیش شعله می کشه.»

* خانم فاطمه حیدری خواهر جاوید نام جواد حیدری از شهیدان جنبش انقلابی نوشت: «داداش اسمالم نیومدی، ولی ما اون قدر می آییم که هیچ وقت فکر نکنی تنهایی...»

* مراسم چهارشنبه سوری بر سر مزار جاوید نام میلاد سعیدیان جو، برادر این شهید قهرمان با اشاره به بی‌تابیهای مادرش، نوشت: «امشب طبق رسم و رسوماتی که هر ساله چهارشنبه آخر سال داشتیم دور هم جمع شدیم. کنار بابا و میلاد قهرمان، بدی و زشتیهای زندگی را سوزاندیم. امشب به جای شادی مادر از روی دلتنگی اشک بر گونه هاش جاری شد و خواهران فریاد امشب دلم تنگه برایت خواندند.»

* آقای میثم پیرفلک پدر جاوید نام کیان پیرفلک به مناسبت روز باستانی چهارشنبه سوری ویدئویی منتشر کرده که در آن کیان به نکات امنیتی اشاره می کند و از همه می‌خواهد که این نکات را رعایت کنند.

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۳۲

*خانم هنگامه چوبین، مادر شهید قهرمان آرتین رحمانی نوشت: «ما چشم براه روزی هستیم که در آخرین سور چهارشنبه/ از روی آتش بپریم و آزاد شویم / آنگونه که شما پریدید/ اما سوختید...»

همزمان خانواده های شهیدان راه آزادی؛ محسن محمدی کوچکسرای، مهسا موگویی، امید مویدی، عرفان خزایی، پویا احمدپور، مهرشاد شهیدی و... در شب چهارشنبه سوری با انتشار ویدئو و دلنوشته یاد و نام آنان را گرامی داشتند.

گزارشی کوتاه از چند شهر شورشی

*در گوشه و کنار تهران جشن آتش را برگزار کردند و شهر را نورباران کردند. جوانان شورشگر تهران با برافروختن آتش مسیر تردد مزدوران سرکوبگر را بستند. خیابانهای تهران «قفل» شد

دنیای اقتصاد نوشت: خیابانها و بزرگراههای تهران از ساعت ۳ بعداز ظهر امروز، «کاملاً قفل» شده است.

تهران (قرچک ورامین، گیشا، پونک غرب، پردیس، اکباتان (با یاد آرمیتا گراوند)، جیتگر، سیلان شمالی، شمیران نو، جوادیه، بلوار کشاورز، شهرک بام، ستارخان، پردیس فاز ۳، فلاح، نازی آباد، سعادت آباد، شریعتی، منطقه هفده، شمیران، نیاوران

*در رشت مراسم جشن آتش با شور تمام برگزار شد. شهروندان رشت در میدان شهرداری این شهر جمع شده و ضمن رقص و پایکوبی، شعار «آزادی، آزادی، آزادی» سردادند.

تعدادی از زنان در همراهی با آواز مردی که خود را به شمال حاجی فیروز درآورده بود، در خیابان می رقصیدند. مردم رشت در محله منظره نیز با برافروختن آتش، مراسم چهارشنبه سوری را برگزار کردند.

*در شهرها و روستاهای کردستان، زنان و مردان در ارتفاعات آتش روشن می کرده و مشعلهایی را می چرخاندند و با ساز و آواز و پایکوبی به استقبال بهار می روند.

هزاران زن و مرد در سنج و روستاهای اطراف آن مثل اوبهنگ، مراسمهای چهارشنبه سوری و پیشواز نوروز را با برافروختن آتش فریاد «زن ژان آزادی» (زن زندگی آزادی) برگزار کرده و می کنند.

بخش هفتم

دیدگاهها و رویکرد ها

۱- سازمان ما در منشور و در مصوبات اجلاسهای شورای عالی بارها بر این که ما کمونیستها برای برچیدن نظام مبتنی بر استثمار مبارزه می کنیم تاکید کرده است. در سند پیوست شماره یک گزارش سیاسی مصوب هشتمین اجلاس شورای عالی سازمان، اعلام کردیم که: «سازمان ما خود را در جبهه نیروهای کار تعریف می کند و برای سوسیالیسم و تحقق شعار "از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش" مبارزه می کند.»

سازمان ما مدافع اتحاد کمونیستها همزمان با به رسمیت شناختن گرایشها و دیدگاههای گوناگون با حفظ مرزهای معین و خط سرخهای روشن است. از این جهت ما بار دیگر «از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه پیروان جنبش پیشتاز فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.»

۲- جنبش انقلابی جاری ادامه تلاش مردم ایران از آستانه انقلاب مشروطیت تاکنون برای دمکراتیزه کردن حیات جامعه و مشارکت مستقیم در سرنوشت خود است. نزدیک به صد و بیست سال است که زنان و مردان ایران زمین با جنبشهای سترگ خویش برای تحقق آزادی مبارزه می کنند.

به گمان ما ایران در مرحله انقلاب سوسیالیستی نبوده و در برابر آن وظایف انقلاب دمکراتیک قرار گرفته است. از این رو کانونی ترین شعار باید در مورد استبداد دینی و برجسته ترین نماینده آن یعنی ولی فقیه و برای جمهوری دمکراتیک باشد. به گمان ما نیروی پیشروی چپ از طریق شرکت در پروسه انقلاب به هر شکل و میزانی که توان دارد و نیز طرح عمده ترین و کانونی ترین شعارها بر اساس ارزیابی از تضاد عمده و مرحله انقلاب می تواند مداخله گر باشد.

۳- ما خاطره تمامی زنان و مردانی که در بیش از صد و بیست سال گذشته در رزم بی امان با ستمگران، در راه آزادی و عدالت به شهادت رسیدند را گرامی می داریم و به همه زندانیان سیاسی که زیر فشار و شکنجه دژخیمان خامنه ای مقاومت می کنند، درود می فرستیم.

ما به پایداری خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران سرکوب و دستگیری فعالان جنبشهای اجتماعی، اعضای سندیکاها، تشکلهای مستقل کارگران، معلمان، کشاورزان، پرستاران، دانشجویان، هنرمندان و صدور احکام زندان برای فعالان نیروهای کار، فعالان سیاسی عقیدتی، خانواده شهیدان و... را محکوم می کند و خواستار آزادی بی درنگ تمام زندانیان سندیکایی، سیاسی، اجتماعی و عقیدتی است.

۴- ما مخالف شکنجه و مجازات اعدام هستیم و از جنبش دادخواهی خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی و عقیدتی و از کمپین «سه شنبه های نه به اعدام» حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

ما خواستار اقدام بی درنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از اعدام زندانیان، نقض حقوق بشر و پایمالی حقوق و سرکوب فعالان سیاسی و مدنی در ایران هستیم. ما مصرانه خواهان بازدید گزارشگران ویژه حقوق بشر از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با خانواده شهیدان و زندانیان سیاسی هستیم.

۵- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زنان و مردان در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی، برخورداری ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در تمامی پهنه های دولتی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض مذهبی مبارزه می کند.

ما خواهان فرصتهای برابر در زمینه های آموزش، بهداشت، حرفه و... برای تمام مردم مستقل از جنسیت، نژاد، مذهب و تعلق اجتماعی هستیم.

ما از همه جنبشهای اجتماعی برای تحقق این خواسته ها و از هر تلاش برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست بر اساس توسعه پایدار حمایت می کنیم.

ما «منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران» که روز سه شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ منتشر شد را در چارچوب برنامه انقلاب دمکراتیک ارزیابی کرده و از آن حمایت و پشتیبانی می کنیم.

۶- ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه داده حمایت می کنیم. ما ضمن همبستگی با جنبش اعتراضی نیروهای کار و بخشهای متشکل آن، به شمول شوراهای سندیکاها و اتحادیه ها، از خواسته های فوری و پایه ای کارگران و مزدبگیران پشتیبانی می کنیم.

۷- در شهریور ماه سال ۱۳۸۲ ما تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه امکانات جهانی (مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر و...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرتنگونی رژیم.»

در قطعنامه مصوب پنجمین اجلاس شورای عالی سازمان ضمن تایید مواضع بالا تاکید کردیم: «استفاده از امکانات مذکور در صورتی که به دخالت در امر انقلاب مردم ایران و یا تن دادن به آلترناتیو سازها برای آینده ایران و یا کمک به جنگ خارجی منجر شود، نافی استقلال به شمار می رود.»

۸- به گمان ما راه حل اصولی و واقعی برای صلح پایدار، با پایان اشغال سرزمینهای فلسطین مطابق قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت که در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ میلادی (۱ آذر ۱۳۴۶ خورشیدی) به اتفاق آراء تصویب شد و ایجاد دولت مستقل فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ با پایتختی بخش شرقی بیت المقدس میسر است. هر راهبردی که نابودی اسرائیل و حماس را در پیش گیرد،

جنبش رنگین کمان بیشماران

(بهمن ۱۴۰۳)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

در ماه بهمن شرایط فلاکت‌بار زندگی شهروندان در ابعادی کلان تشدید شده است. رسانه‌های حکومتی به وفور در مورد شرایط فاجعه‌بار زندگی مردم و به ویژه تهیدستان به وفور خبر و گزارش پوشش داده‌اند. رسانه حکومتی ابرار در شماره روز شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۳ هشدار داد که «ادامه نارضایتیها منجر به قیام می‌شود».

رسانه تعادل در شماره روز دوشنبه اول بهمن ۱۴۰۳ نوشت: «خسارت‌های جانی و مالی که آلودگی هوا ایجاد می‌کند نشان از وضعیت وخیمی دارد که اگر هر چه زودتر چاره‌ای اندیشیده نشود معلوم نیست ماجرا به کجا ختم خواهد شد؛ سقط جنین؛ به دنیا آمدن نوزادان مرده؛ یا متولد شدن کودکانی با مشکل اوتیسم و معلولیت‌های ذهنی و جسمی تأثیر آلودگی هواست.» در همین روز کار و کارگر خبر داد که «۶۰ درصد جمعیت نمی‌توانند حداقل کاری مورد نیازشان را دریافت کنند.» همین رسانه در روز سه شنبه ۲ بهمن ۱۴۰۳، سید معیشتی را «حدود ۴۰ میلیون تومان برآورد» کرد.

روز سه شنبه ۹ بهمن ۱۴۰۳ خبرگزاری حکومتی ایلنا در گزارشی با تکیه بر آمار و ارقام رسمی اعلام شده نتیجه گرفته که «در حال حاضر اگر قرار باشد دستمزد کارگران متناسب با نرخ تورم افزایش یابد، می‌بایست کارگران در ایران ماهیانه ۴۹ میلیون تومان حقوق بگیرند.» این در حالی است که در سال ۱۴۰۳ (سال جاری) دریافتی کارگران با دو فرزند به رقم ۱۰ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده است.

چارسوق در شماره روز پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ اعلام کرد که «سیب زمینی هم از سفره‌ها پرکنشید و قیمت هر کیلو سیب زمینی در تهران به ۶۰ هزار تومان رسیده است.» کار و کارگر در شماره روز یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ تعداد جوانان بیکار در کشور را «۱۲ میلیون نفر» اعلام کرد. ستاره صبح در شماره روز دوشنبه ۲۹ بهمن نوشت: «ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان به جایی رسیده است که از گرسنگی نمرود را افتخار می‌داند.» نیروهای کار در واکنش به این شرایط فاجعه‌بار در ماه بهمن ۲۶۱ روز حرکت اعتراضی انجام دادند. گزارش کوتاه این حرکتها را این مجموعه خواهد خواند. حرکت‌های اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در همین شماره ماهانه نبرد خلق پوشش داده می‌شود. در همین ماه شاهد سه شبه‌های اعتراضی زندانیان سیاسی، ادامه‌گردهمایی‌های خانواده‌های شهیدان و مردم در مزار شهیدان قیام بودیم.

اعتصاب گسترده بازاریان و مغازه‌داران دستکم در ۱۳ شهر

روز چهارشنبه ۳ بهمن، اعتصاب گسترده بازاریان و مغازه‌داران در سنندج، سقز، بانه، بوکان، مهاباد، دیواندره، کرمانشاه، پاره، کامیاران، مریوان، ایلام، قروه و اسلام‌آباد غرب بنا به فراخوان شش حزب فعال در کردستان ایران، در اعتراض به احکام اعدام پخش‌ان غریزی و وریشه‌مرادی، صورت گرفت. همزمان مازیار طاطایی، یکی از وکلای پخش‌ان غریزی، مددکار اجتماعی کرد از «تعلیق اجرای حکم اعدام» او خبر داد. به گزارش هنگاموا، در پی اعتصاب گسترده شهروندان در سطح سقز، نیروهای امنیتی رژیم با حضور شخص علی رضا رضایپور، بیادستان عمومی این شهر شمار زیادی از مغازه‌ها را پلمب و به محل کسب و کار شهروندان خسارت وارد کردند. سنندج، بازداشت چهار نفر از کسبه‌گرد به دلیل مشارکت در اعتصابات کردستان.

شعارهای شبانه به مناسبت سالگرد انقلاب

یکشنبه ۲۱ بهمن

*پردیس - طنین شعارهای مرگ بر خامنه‌ای
*تهران جنت‌آباد جنوبی - طنین شعارهای مرگ بر خامنه‌ای / خامنه‌ای حیا کن، بشار اسد رو نگاه کن!
*تهران، اکباتان - فریادهای خامنه‌ای ننگت باد
*تهرانپارس - فریادهای مرگ بر دیکتاتور
*آرایشهر تهران - با شعارهای خامنه‌ای حیا کن بشار اسد را نگاه کن
*اکباتان - طنین شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر حکومت بچه‌کش»

بقیه در صفحه ۳۵

گزارش سیاسی...

بقیه از صفحه ۳۳

شریک کشتار و جنایت در جنگ‌های مداوم بین اسرائیل و فلسطین است. در همین حال باید توجه داشت که راه «دولت» که از هنگام پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ به عنوان راه حل مطرح روی میز همه طرف‌های درگیر است، در عمل راکد مانده است. این امر بیش از آنکه به دلیل بی‌تمایلی فلسطینیان باشد، سرچشمه در عدم اقدام عملی از سوی آمریکا و اروپا برای فشار بر دولت اسرائیل و اجرای مفاد پیمان یاد شده دارد. به همین دلیل نیز تاکنون راه حل «دولت» از جانب آنها از مرز پشتیبانی لفظی فراتر نرفته و در پروسه گذشت دهه‌ها، در نقش راه‌گریزی برای اعاده حقوق مردم فلسطین برای داشتن کشور خود و پایان اشغالگری عمل می‌کند.

در شرایط کنونی هم باید آتش بس دائمی برقرار شده و به محاصره ضد انسانی غزه پایان داده شود. همزمان سیاست هر فرد و جریانی که خواهان صلح و به رسمیت شناختن راهبر «دولت» است، باید برای منفرد کردن نیروهای بنیادگرا از طریق تقویت نیروهای صلح طلب و مترقی دو طرف تلاش کند. در این تردیدی نیست که با این راهبردها نتایج و خامنه‌ای به شدت و با تمام نیرو مخالف و از این رو همسو و در عمل متحد هستند.

بحران اخیر یکبار دیگر به روشنی نشان داد تا زمانی که جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی اش از یک سو و راستگرایان و نژادپرستان اسرائیلی از سوی دیگر در کار هستند، صلح پایداری برای مردم فلسطین، اسرائیل و منطقه خاورمیانه وجود نخواهد داشت.

۹- هدف عاجل و مقدم سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران سرنگونی رژیم حاکم بر ایران با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن است. به خاطر دستیابی به این هدف و کاستن از هزینه‌های گزاف مبارزه علیه استبداد دینی ما به ائتلاف سیاسی شورای ملی مقاومت ایران پیوستیم و به سهم خود در این ائتلاف ایفای نقش می‌کنیم.

به همان گونه که در نهمین اجلاس شورای عالی سازمان اعلام کردیم: «ما قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می‌شماریم. سازمان ما ایجاد هسته‌های مخفی مقاومت، تشکیل هسته‌های کوچک رسانه‌ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته‌های مخفی عمل و شوراهای هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی‌شمار کانون‌های شورشی می‌داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش‌آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می‌کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵/۲ فوریه ۲۰۱۷)

۱۰- ما از گردهمایی‌های ایرانیان خارج از کشور که علیه استبداد مذهبی حاکم، و با مرزبندی شفاف با دیکتاتوری «شیخ و شاه» برگزار می‌شود، حمایت می‌کنیم.

۱۱- انقلاب مردم ایران با همه اصالت و عمق آن و باوجود آفت و خیزهای آن باید پیروز شود و شرایط برای تحقق خواسته‌های دیرین مردم فراهم گردد. بدون سرنگونی رژیم چهل و جنایت حاکم با همه باندهای درونی آن، هیچ‌یک از خواسته‌های مردم تحقق پذیر نیست. از این رو ما زنان و مردان آزادیخواه ایران زمین را به اتحاد و مبارزه به منظور ایجاد جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری دمکراتیک، سکولار و مستقل فرا می‌خوانیم.

«ما بی‌شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می‌شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی

زنده باد انقلاب، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

*بیانیه گام دوم در این آدرس منتشر شده است:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۱۶۷۳۱۶۷>

(این گزارش توسط سخنگوی سازمان، مهدی سامع قبل از برگزاری دوازدهمین اجلاس شورای عالی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به تشکیلات ارایه شد و طی دو جلسه در روزهای یکشنبه ۲۸ و دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۳، پس از بحث و بررسی و با تغییراتی به اتفاق آراء، به تصویب شرکت کنندگان در اجلاس شورای عالی سازمان رسید.)

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۳۴



بازنشستگان جدید فروشگاه رفاه، به موضوع سنوات بازنشستگی است. آنها می‌گویند باید سالی یکماه را بابت سنوات ما محاسبه می‌کردند که هنوز پرداخت نشده است.

چهارشنبه ۳ بهمن: کارگران بازنشسته شرکت آب منطقه ای استان تهران و البرز (سدهای امیرکبیر، لتیان و لار) عضو تعاونی مسکن برای اعتراض به بلا تکلیفی ۱۳ ساله دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۷ بهمن: شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان اداره کل تامین

اجتماعی استان گیلان در رشت و سازمان تامین اجتماعی تهران تجمع کردند. همزمان شمار دیگری از این بازنشستگان مقابل ساختمانهای سازمان تامین اجتماعی اهواز و شوش، تجمع کردند. بر اساس گزارش ایلنا، بازنشستگان تامین اجتماعی خواستار ترمیم مستمرها طبق خط فقر و ارائه خدمات درمانی رایگان و کیفی هستند. همزمان شماری از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان های دفتر صندوق بازنشستگی شهرهای اصفهان، اهواز، کرمان و دامغان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، اجرای همسان سازی واقعی تا تعیین سید معیشت (طرح اصلاحی ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۲)، برداشتن سقف حقوق، اعطای افزایشات ۶۵٪ سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰، عیدی حداقل دو برابر حقوق و درمان رایگان، از جمله مطالبات این بازنشستگان است.

دوشنبه ۸ بهمن: جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات در تبریز، سنندج، زنجان، ایلام، تهران، اصفهان، اهواز، کرمانشاه و ارومیه تجمع کردند. به گزارش شورای بازنشستگان، عدم اجرای بدون تنازل آئیننامه رفاهی ۸۹، فریز مطالبات، عدم پرداخت معوقات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشستگان از ۲۰٪ به ۵۰٪، عدم تسویه هزینه‌های درمان توسط بیمه معلم و دانا، عدم اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون خدمات کشوری و تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص بازنشستگان ۹٪ بعد از خصوصی سازی، از جمله موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است. همزمان گزارشاترانی از تجمع این بازنشستگان در شیراز، خرم آباد، ساری و رشت نیز منتشر شده است.

یکشنبه ۱۴ بهمن: جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمان سازمان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، رشت و مقابل فرمانداری شوش در این شهرستان دست به تجمعات اعتراضی زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، معترضان نسبت به تبعیض، گرانی، تورم و دریافتی زیر خط فقر اعتراض دارند و با مطالبه تحقق حقوق خود دست به تجمع زدند. همزمان شماری از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان های صندوق بازنشستگی فولاد در شهرهای اصفهان، تهران، قائم شهر، اهواز و کرمان تجمعات اعتراضی برگزار کردند.



دوشنبه ۱۵ بهمن: جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات در تهران، اراک، تبریز، شیراز، ایلام، بیجار، خرم آباد، ساری، رشت، سنندج، ایلام، تهران، اصفهان، میروان، همدان، کرمانشاه، شهرکرد، ارومیه، اهواز، زنجان و بابل دست به تجمع زدند.

سه شنبه ۱۶ بهمن: گروهی از بازنشستگان فرهنگی، علوم پزشکی، تامین اجتماعی و مخابرات، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان استانداری کرمانشاه تجمع کردند. معترضان شعارهایی به شرح زیر سردادند:

«این هوای آلوده، قاتل قلب و ریه!» / «فقط کف خیابان بدست میاد حقمان!» / «نابود باد بندگی، زنده باد زندگی!» / «با این حقوق ناچیز، جانها به لب



رسیده!» / «گاز و برق و معیشت، دزدیده شد از مردم!» / «بیت‌المال و خزانه، جولانگاه دزدانه!» / «معلم زندانی آزاد باید گردد!» / «کارگر زندانی آزاد باید گردد!» / «ته جنگ می خواهیم نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار!» / «دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست!»

بقیه در صفحه ۳۶

*تهران جنب زندان اوین همزمان با نورافشانی حکومتی شنیده می‌شود که معترضان از خانه‌های خود شعارهایی چون «مرگ بر خامنه‌ای»، «لعنت بر خمینی»، «مرگ بر دیکتاتور» سرداده‌اند.

*شیراز - طنین شعار فریادهای مرگ بر دیکتاتور *مهرشهر کرج - فریادهای مرگ بر دیکتاتور ویدئوهایی نیز از سر دادن شعارهای اعتراضی در چند شهر دیگر از جمله کرمانشاه، مشهد و اراک منتشر شده است.

چندین شب خیزش مردم دهدشت

شنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۳

*از شامگاه سه شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۳، خیزش گسترده شهروندان دهدشت علیه قطع مکرر برق، مشکلات اقتصادی و سرکوبیهای حکومتی آغاز شد و در چندین



شب متوالی ادامه یافت، با واکنش شدید نیروهای امنیتی همراه بود و گزارشات متعددی از شلیک مستقیم مأموران به مردم و جانباختن دو جوان معترض در این شهر، منتشر شده است. معترضان در جریان این تجمعات شعارهایی از جمله «مرگ بر دیکتاتور»، «امسال سال خون است، سید علی سرنگون است» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» سردادند. بنا بر گزارش وبسایت هه نگو در روز چهارشنبه ۲۴ بهمن، مأموران اطلاعات سپاه، پنج شهروند به نام‌های عاطفه طاهرانیا، امیرحسین جعفری نوجوان ۱۷ ساله، کامران بوذری، جابر فروغی، و پوریا براتی را بازداشت کردند و به مکانی نامعلوم بردند.

شهروندان اراک: سه شنبه ها یک صدا هوای پاک حق ما

روز سه شنبه ۳۰ بهمن برای دهمین هفته متوالی در دور جدید، جمعی از اهالی اراک با راهپیمایی و تجمع و سردادن شعارهای «سه شنبه ها یکصدا هوای پاک حق ما»، «مازوت سوزی جنایت سکوت ما خیانت»، «اراک داد بزن حق تو فریاد بزن»، «هوای پاک حق اراک»، «به جای مردان سیاست بنشینید درخت تاهوا تازه شود» و... برای ششمین بار در این ماه به اعتراض شان نسبت به مازوت سوزی نیروگاه و آلودگی هوا، ادامه دادند.

به گزارش امتداد، در روز سه شنبه ۱۶ بهمن، بیش از یک هزار نفر از شهروندان اراک برای نخستین بار، در اعتراض به مازوت سوزی نیروگاه شانزد، در پارک ملت این شهر تجمع کردند.

جنبش سراسری بازنشستگان

دوشنبه یک بهمن: تجمع بازنشستگان مخابرات در تبریز، سنندج، ایلام، تهران، اصفهان، کرمانشاه، رشت، همدان، ارومیه، شهرکرد، بیجار، خرم آباد، بابل، اهواز و زنجان.

به گزارش ایلنا، عدم اجرای بدون تنازل آئیننامه رفاهی ۸۹، فریز مطالبات، عدم پرداخت معوقات، افزایش سهم بیمه تکمیلی بازنشستگان از ۲۰٪ به ۵۰٪، عدم تسویه هزینه‌های درمان توسط بیمه معلم و دانا، عدم اجرای تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون خدمات کشوری و تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص بازنشستگان ۹٪ بعد از خصوصی سازی، از جمله موضوعات مورد اعتراض این بازنشستگان است. همزمان شماری از فرهنگیان که در سال ۱۴۰۲ بازنشسته شدند، در اعتراض به عدم پرداخت پاداش پایان خدمت خود، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش در تهران، دست به تجمع زدند.

در همین روز رسانه حکومتی توسعه ایرانی نوشت: «حقوق بازنشستگان ۴۰۰ درصد از هزینه های زندگی عقب است.»

سه شنبه ۲ بهمن: تعدادی از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در تهران و مقابل ساختمان موسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان صنایع فولاد در کرمان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، اجرای همسان سازی واقعی تا تعیین سید معیشت (طرح اصلاحی ۱۷ مهر ماه ۱۴۰۲)، برداشتن سقف حقوق، اعطای افزایش های ۶۵ درصدی سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰، عیدی حداقل دو برابر حقوق و درمان رایگان، از مطالبات بازنشستگان عنوان شده است. در همین روز جمعی از بازنشستگان فروشگاه رفاه در مقابل دفتر مرکزی شرکت فروشگاههای زنجیره ای رفاه در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران بازنشسته این فروشگاه می‌گویند مسئولان آن با وجود تعهدی که داده‌اند، از پرداخت آن سر باز می‌زنند. اعتراض اصلی

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۳۵

شنبه ۲۰ بهمن: پرستاران و کادر درمان بیمارستان رسول اکرم تهران نسبت به عدم پرداخت به موقع مطالبات از جمله حق کارانه، حق اضافه کار، حق غذا با شعار «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، دست به تجمع زدند.

یکشنبه ۲۱ بهمن: جمعی از اعضای تعاونی مسکن بیمارستان ابوذر اهواز برای اعتراض به بلا تکلیفی مقابل مقابل استانداری در کلانشهر اهواز تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان اعتراض خود را نسبت به عدم تحویل مسکن های مورد تعهد، ابراز کرده و خواهان رسیدگی به مطالبات شان شدند.

پنجشنبه ۲۵ بهمن: جمعی از پرسنل بیمارستان امام علی و بیمارستان کمالی استان البرز، پس از چندین ماه اعتراض در خصوص عدم پرداخت مزایا و کارانه دست به تجمع زدند. به گزارش کانال شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، مسئولان بیمارستان قول دادند تا چند روز دیگر به شرایط موجود رسیدگی کنند و مزایا و اضافه کاری ها پرداخت شود اما متأسفانه ترتیب اثر داده نشد. همزمان تجمع اعتراضی داروسازان اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان.

شنبه ۲۷ بهمن: پرستاران و کارکنان فوریتهای پزشکی مشهد مقابل دانشگاه علوم پزشکی این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پرستاران معترض می گویند: پیگیریهای ما در ماههای گذشته به جایی نرسیده و همچنان حقوق اولیه ما رعایت نمی شود. پرستاران مشهد خواستار اصلاح نظام پرداخت، ارتقای تعرفه های پرستاری بر اساس قانون، حذف اضافه کار اجباری و بهبود کار کادر درمان هستند و می گویند: با وجود وعده ها مسئولان کاری برای کادر درمان نکردند و تمام مطالبات ما بی جواب مانده است.

یکشنبه ۲۸ بهمن: بیش از یکصد نفر از پرستاران و کادر خدماتی بیمارستان ملکی تامین اجتماعی میلاد در اعتراض به عدم اصلاح تعرفه های خدماتی خود و عدم افزایش حقوق خود در محوطه داخلی این بیمارستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مطالبه افزایش تعرفه های خدمات درمانی پرستاران و افزایش حقوق مراکز درمانی تامین اجتماعی در روزهای اخیر از جمله مطالبات کادر درمانی بیمارستانها بوده است. معترضان در جریان این تجمع شعارهای اعتراضی سردادند؛ از جمله: «دلار شده صد تومن، مزد مبنا ۷ تومن»، «تعرفه مون کجا رفت، ببین جیب کیا رفت» و «تا مزدمون پایینه، هر شب قرار همینه»، «پرستار نباشه سیستم از هم می پاشه» و «پرستار داد بزن، حق تو فریاد بزن».

سه شنبه ۳۰ بهمن: گروهی از پرستاران و کادر درمان بیمارستان الزهرا اصفهان، در محل کار خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. پرداخت نشدن عادلانه تعرفه، کارانه و اضافه کار و پایین بودن سطح دستمزد از جمله دلایلی است که این کارکنان به آن اعتراض دارند. همزمان جمعی از پزشکان و متخصصان استان کهگیلویه و بویراحمد برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مبنی بر حداقل ۱۵ ماه کارانه معوق حدود ۲۴۵ میلیارد تومان مقابل استانداری دریاسوچ تجمع کردند. در همین روز شماری از پزشکان متخصص در یاسوج در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد در این شهر، دست به تجمع زدند. به گزارش تابناک، رئیس دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در خصوص برگزاری این تجمع اعتراضی گفت: بین ۱۵ تا ۱۷ ماه از مطالبات مزدی این پزشکان پرداخت نشده و آنها خواستار توجه مسئولان به این موضوع هستند. وی همچنین مطالبات دیگر پزشکان مذکور را پیگیری روند پرونده قتل مسعود داوودی عنوان کرد.

حُرکت های اعتراضی کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

دوشنبه یک بهمن: ادامه اعتراضات کارگران صنعت نفت نسبت به تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی به تخصصی و پشتیبانی برای ایجاد تفرقه، تعیین سقف حقوق، اصلاح نشدن کف حقوق برای کارکنان جدیدالاستخدام، ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوقهای بازنشستگی، تعیین سقف بازنشستگی و پرداخت نشدن کامل سنوات، اخذ مالیات غیر قانونی و عدم اجرای کامل ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت با تجمع کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عنلیاتی لاوان

سه شنبه ۲ بهمن: کارگران پتروشیمی نگین مکران (شرکت سینا و زیرمجموعه شرکت فرجود) در چابهار برای باری دیگر برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و وعده های توخالی دست از کار کشیدند و در محل کارشان تجمع کردند. به گزارش حال وش، این کارگران که حدود ۱۰۰ نفر هستند، حقوق ماههای مهر، آبان، آذر و دی خود را دریافت نکرده اند. این در حالی است که آقای لطیفی، معاون شرکت فرجود، پیش تر به کارگران وعده داده بود که حقوق آنها تا تاریخ ۳۰ دی ماه پرداخت خواهد شد.

بقیه در صفحه ۳۷

یکشنبه ۲۱ بهمن: جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمانهای استانداری خوزستان در اهواز، فرمانداری شهرستان شوش و سازمان تامین اجتماعی در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. همزمان جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان صندوقهای بازنشستگی صنایع فولاد در شهرهای اصفهان و اهواز دست به تجمع زدند.

شنبه ۲۷ بهمن: کارگران بازنشسته در صنعت نفت (هشتاد و پنج هزار) همانطور که فراخوان داده بودند از شهرهای مختلف به تهران رفتند و مقابل وزارت نفت تجمع بزرگی برگزار کردند. در این تجمع کارگران بازنشسته با شعار «ما منتظر وزیر نفتیم، هیچ جا نمی ریم همین جا هستیم» خواستار حضور وی در جمع خود و پاسخگویی اش شدند. معترضان همچنین با شعار «همسانسازی حق ماست، حق مسلم ماست» بر همسانسازی حقوقها و افزایش آن تأکید کردند.

یکشنبه ۲۸ بهمن: جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمانهای استانداری خوزستان در اهواز، فرمانداری شهرستان شوش، سازمان تامین اجتماعی در کرمانشاه و اداره کل تامین اجتماعی استان گیلان واقع در رشت دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان در رشت با سردادن شعارهای اعتراضی و در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار آزادی شریفه محمدی و دیگر فعالان زندانی شدند. همزمان جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد مقابل ساختمان صندوقهای بازنشستگی صنایع فولاد در شهرهای اصفهان و اهواز دست به تجمع زدند.

دوشنبه ۲۹ بهمن: گروهی از بازنشستگان مخابرات مقابل ساختمانهای این شرکت در شهرهای شیراز، سنندج، تهران، تبریز، کرمانشاه، همدان، ارومیه، ایلام، اصفهان، اهواز، خرم آباد، ساری، رشت، زنجان، مریوان و بیجار دست به زدند.

سه شنبه ۳۰ بهمن: گروهی از بازنشستگان صنعت نفت با شعارهای «فقط کف خیابون بدست میاد حقمون»، «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه» و... مقابل صندوق رفاه و امور بازنشستگی واقع اهواز دست به تجمع زدند.

کنش حق طلبانه پرستاران و کادر درمان

سه شنبه ۲ بهمن: کارکنان اورژانس پزشکی بیرجند برای اعتراض به سطح نازل حقوق، شرایط سخت کاری و ساعت کار طولانی و بی خیالی مسئولان استان دست به تجمع مقابل استانداری خراسان جنوبی زدند. به گزارش ایلنا، این نیروها با بیان اینکه با افزایش ناچیز حق الزحمه ساعتی اضافه کار مشکلات مان برطرف نمی شود؛ خواستار اصلاح تعرفه گذاری و شیوه پرداخت به کادر درمان شدند و اضافه کردند: باید نظام پرداخت در بهداشت و درمان از اساس متحول شود. آنها افزودند: استانداری و سایر نهادهای مسئول توجهی به شرایط سخت کار نیروهای اورژانس و خواسته های آنها ندارند.

پنجشنبه ۴ بهمن: داروسازان مشهد برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات دست به تجمع در اداره کل تامین اجتماعی استان خراسان رضوی واقع در بلوارخیام جنوبی این کلانشهر زدند و خواهان تسویه مطالبات ۵ ماهه اخیر سازمان تامین اجتماعی طی دو هفته آتی و همچنین پیگیری اصلاح قراردادهای سازمان های بیمه گر بر مبنای ماده ۳۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی مقررات مالی دولت ۲، شدند.

شنبه ۱۳ بهمن: شماری از بهروزان و کادر بهداشت مشهد با برگزاری تجمعی اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش تلگرام کمپین سراسری پیگیری مطالبات پرستاران، بهروزان و کادر بهداشت مشهد، مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی این شهر تجمع کردند. این شهروندان در تجمع مذکور با پراشیدن بنرهایی نسبت به عدم دریافت مطالبات خود اعتراض کردند.

پنجشنبه ۱۸ بهمن: شماری از پرستاران و کادر درمان بیمارستان شهدای لردگان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان این بیمارستان، دست به تجمع زدند. به گزارش کمپین سراسری پیگیری مطالبات پرستاران، تجمع این پرستاران و کادر درمان در اعتراض به عدم اجرای دقیق قانون تعرفه گذاری پرستاری، سختی شرایط کار و وضعیت بد معیشتی آنها صورت گرفته است.



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۳۶

- اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام
- عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته
- حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران
- بازگرداندن مالیاتهای وضع شده مطابق با قوانین موجود
- اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

شنبه ۲۰ بهمن: کارگران سایت پتروشیمی نگین مکران، تحت مدیریت شرکت سینا و زیرمجموعه شرکت فرجود در شهر چابهار، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه سه ماهه خود و اعمال تبعیضات سیستماتیک علیه کارگران بلوچ، دست به اعتصاب زدند. به گزارش حال وش، این کارگران که حدود ۱۰۰ نفر هستند، حقوق ماههای آبان، آذر و دی خود را دریافت نکرده و بیست روز پیش دست به اعتصاب زدند و تنها حقوق ماه مهر را دریافت کردند. کارگران بلوچ این شرکت علاوه بر تأخیرهای طولانی در پرداخت حقوق، به تبعیض آشکار در میزان دستمزد و نحوه برخورد مدیران اعتراض دارند.

سه شنبه ۲۳ بهمن: گروهی از کارگران پیمانکاری و پروژه ای شرکت پالایش گاز فجر جم در بوشهر، در محل کار خود دست به تجمع زدند و با سردادن شعارهایی اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند. کارگران شعار می دادند: «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه». شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت ضمن گزارش این خبر نوشت: «در روزهای پیش از تعطیلات عید که بیشتر از هروقت دیگری مبیایست پاسخگوی نیازهای خانواده هایمان باشیم، به خواسته هایمان توجهی نمی شود و با تهدید و ارباب حراست و مدیران روبرو هستیم.»

پنجشنبه ۲۵ بهمن: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران دست به تجمع زدند. این تجمع در محل کار کارکنان معترض واقع در منطقه نفتی لاوان تشکیل شد. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، «حذف مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت یک-پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت» از جمله مطالبات کارگران است.

شنبه ۲۷ بهمن: بیش از ۲۰۰ نفر از کارکنان پروژه ای شرکت تیام صنعت پالایشگاه شیراز برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند و از انجام فعالیت روزانه خودداری کردند. این کارگران در اعتراض به تعویق پرداخت دو ماه دستمزد و عدم پاسخگویی کارفرما دست به اعتصاب زده اند.

دوشنبه ۲۹ بهمن: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران دست به تجمع زدند. این تجمع در محل کار کارکنان معترض واقع در منطقه نفتی لاوان تشکیل شد. به گزارش افکار نفت «حذف مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت یک-پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت» از جمله مطالبات این کارگران به شمار می آید. همزمان کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر برای دومین روز متوالی در محل کار خود دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران معترض خواستار تبدیل وضعیت شغلی مطابق با شرکت های همجوار، اجرای مصوبات مجمع عمومی، پرداخت اضافه کار، پاداش بهره‌وری و مزایای مناسبتی هستند. کارگران تأکید کردند که تنها حقوق قانونی خود را مطالبه می کنند و از مسئولان و مدیران شرکت خواستند مشکلات معیشتی آن ها را حل کنند. در همین روز گروهی از کارگران پروژه مخازن بندر جاسک واقع در استان هرمزگان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در محل کار خود دست به تجمع زدند. این کارگران معترض اعلام کردند که سه ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند.

سه شنبه ۳۰ بهمن: اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری، پروژه ای، شرکت پالایش گاز فجر جم. کارگران شعار می دادند: کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اهم مطالبات معترضان عبارتند از: افزایش مزد، حذف شرکت های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسانسازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، تأمین امنیت شغلی و رعایت کرامت انسانی، اختصاص گازکارت، مرخصی و اضافه کاری منطبق بر قوانین و پرداخت حقوق و مزایا به صورت منظم و عادلانه

از جمله مطالبات این کارگران عنوان شده است. **پنجشنبه ۱۸ بهمن:** جمعی از کارگران ارکان، ثالث شاغل در منطقه عملیاتی لاوان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، در محل کار خود دست به تجمع زدند. بر اساس گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اهم خواسته های همکاران رسمی عبارتند از:

بقیه در صفحه ۳۸

چهارشنبه ۳ بهمن: جمعی از جوانان بیکار روستاهای نفت خیز بخش غیزانیه اهواز در اعتراض به عدم استخدام آنها، مقابل درب شرکت نمک زدایی دست به تجمع زدند. **آدینه ۵ بهمن:** برای ششمین روز متوالی، شماری از رانندگان تانکرهای حمل سوخت کرمانشاه، ایلام، لرستان و کردستان در اعتراض به عدم توجه به مطالبات شان در پایانه مرزی پرویزخان واقع در قصر شیرین، اعتصاب کردند. به گزارش تلگرام شورای آزادخواهان کرمانشاه، اعتصاب این رانندگان در اعتراض به قیمت پایین کرایه حمل بار و جریمه بالای گازوییل در مرزهای غربی از جمله پایانه مرزی پرویزخان واقع در قصر شیرین صورت گرفته است، این اعتصاب موجب توقف حمل و نقل مواد نفتی در منطقه شده و همچنان ادامه دارد. **شنبه ۶ بهمن:** با فراخوان قبلی، شماری از کارگران ارکان ثالث نفت و گاز که از سراسر کشور به تهران آمده اند، مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران معترض، مواردی همچون «تبدیل وضعیت شغلی، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و عقد قرارداد با وزارت نفت» را از جمله مهم ترین مطالبات خود دانستند.

دوشنبه ۸ بهمن: شماری از کارکنان عملیاتی در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان، دست به تجمع زدند. بر اساس گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارگران خواستار حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و خارج کردن فوق العاده های این مناطق از سقف حقوق هستند.

همزمان کارکنان ارکان ثالث شرکت پالایش گاز فجر با تجمع و راهپیمایی و برهایی که در دست داشتند اعتراض خود را نسبت به پایین بودن مزد و پیمانکاران مفتخور ابراز کردند. در این ماههای پایان سال و موعد تعیین حداقل دستمزد سراسری برای سال آینده اعتراض این کارگران به شورای عالی کار به عنوان یک مشت مفتخور بیکار صدای اعتراض همه ما کارگران بود.

پنجشنبه ۱۱ بهمن: تجمع کارکنان ارکان ثالث و پیمانکاری شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه نفتی لاوان. به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت، این حرکت همبستگی ای با همکاران در شرکت پالایشگاه گاز فجر جم بود که در روزهای قبل اعتصاب و تجمع و راهپیمایی داشتند و انجمنهای صنفی و تشکلهای دولت ساخته قصد داشتند اعتراض همکاران ارکان ثالث را بخاطر بی پاسخ ماندن خواسته های خود و شرایط غیر قابل تحمل اقتصادی به سکوت بکشاند.

یکشنبه ۱۴ بهمن: کارگران ارکان ثالث در سکوی «کیو وان» (Q1) و چند سکوی فرعی دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران خواستار اجرای دقیق و صحیح رأی ۳۱۸۸ و اعمال درست طرح طبقه بندی مشاغل شدند.

دوشنبه ۱۵ بهمن: شماری از کارکنان عملیاتی در شرکت نفت

فلات قاره در منطقه لاوان، دست به تجمع زدند. کارگران خواستار حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و خارج کردن فوق العاده های این مناطق از سقف حقوق هستند.

سه شنبه ۱۶ بهمن: کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری و رانندگان شرکت پالایش گاز فجر جم در ادامه اعتراضهای هفتگی خود، در محل این پالایشگاه تجمع کردند. به گزارش افکار نفت، افزایش مزد متناسب با گرانی و وضعیت بازار، حذف شرکت های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسانسازی حقوق و بهره مندی از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، تأمین امنیت شغلی و رعایت کرامت انسانی، اختصاص گازکارت، مرخصی و اضافه کاری منطبق بر قوانین و پرداخت حقوق و مزایا به صورت منظم و عادلانه از جمله مطالبات این کارگران عنوان شده است.

پنجشنبه ۱۸ بهمن: جمعی از کارگران ارکان، ثالث شاغل در منطقه عملیاتی لاوان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، در محل کار خود دست به تجمع زدند. بر اساس گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اهم خواسته های همکاران رسمی عبارتند از:

- حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی

- خارج نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق



جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۳۷

پتروشیمی کارون (شرکت پیمانکاری پترو نیرو صبا) در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق.

دوشنبه یک بهمن

*بیماران SMA با تجمع مقابل وزارت بهداشت و سردادن شعارهای «نه صدقه نه منت دارو می خواهیم با عزت»، «نفس نداریم دیگه دارو نمی شه بیمه» و...یک شماره دیگر ازسریال اعتراض به عدم پوشش کامل بیمه دارورا به نمایش گذاشتند.

*جمعی از جوانان کبوترخانی برای اعتراض به بلا تکلیفی زمینهای واگذار شده دست به تجمع در این منطقه از شهرستان رفسنجان در استان کرمان زدند. به گزارش روراستی، تعدادی زمین در سالهای ۷۳ و ۷۴ که نه طرح هادی بوده و نه ضوابط و مقررات توسط شوراهای وقت واگذار شده و الان به عنوان اراضی ملی و خارج از طرح هادی قرار گرفته اند.

*شماره از کارگران کارخانه صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) واقع در رضوانشهر، دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران مذکور در این تجمع خواهان دریافت مطالبات مزدی خود شدند.

سه شنبه ۲ بهمن

تعدادی از نیروهای آتش نشانی در این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این آتش نشانان به کاهش حقوق خود اعتراض دارند و می گویند بسیاری از پرسنل دیگر بخشهای شهرداری کرج نیز با این مشکل روبرو هستند. آنها خواهان رفع این مشکل هستند.

چهارشنبه ۳ بهمن

*همزمان با نخستین سفر پزشکیان به همراه هیات دولت به خوزستان، و حضور وزیر نفت در آیین بهره برداری از بزرگترین کارخانه نمک زدایی کشور، جوانان بیکار روستاهای نفت خیز بخش غیزانیه اهواز در اعتراض به عدم استخدام جوانان، مقابل درب شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. اهالی این روستاها معتقدند که با وجود صدها چاه نفت و تاسیسات عظیم نفت و گاز اما شرکت ملی نفت هیچ خدماتی در راستای مسئولیتهای اجتماعی به آنها ارائه نمی دهد و در محرومیت بسر می برند.

*کارگران شرکتی مخابرات استان آذربایجان شرقی برای سومین روز متوالی، در اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، معترضان گفتند، بعد از ۵ ماه بلا تکلیفی و عدم دریافت پاسخی از سوی مدیریت شرکت نسبت به مطالبات خود و ناعدالتیهای بسیار در پرداخت یا رفع دیون، در محل کار حضور پیدا می کنیم اما کار نخواهیم کرد. عدم دریافت حق سنوات و همچنین مشکلات مربوط به هزینه های درمان از جمله موارد مورد اعتراض این نیروها است.

پنجشنبه ۴ بهمن

*شماره از رانندگان تانکرهای حمل سوخت برای دومین روز متوالی در شهرهای قصرشیرین و میوان در اعتراض به عدم توجه به مطالبات شان، دست به اعتصاب زدند. اعتصاب این رانندگان در اعتراض به قیمت پایین کرایه حمل بار و جریمه بالای گازوییل در مرزهای غربی چند شهر از جمله پرویزخان واقع در قصرشیرین و باشماق در میوان، صورت گرفته است.

*کارگران اخراجی معدن پنجاه متری سیدالشهد اسفندقه (شرکت پیمانکاری الماس) شهرستان ارزوئیه در استان کرمان تجمع کردند. این کارگران که سالها در این پروژه کار کرده اند و از یکم دی ماه از کار اخراج شدند خواهان عقد قرارداد با کارفرمای اصلی و ادامه کار در معدن می باشند.

آدینه ۵ بهمن

*گروهی از مردم بوکان در اعتراض به تعرض جنسی و آزار دختر شش ساله ای به نام نیان چلبیانی (جبریل پور) که منجر به مرگ او شد، در این شهر تجمع کردند. چهار نفر از جمله پدر این کودک در ارتباط با این پرونده بازداشت شده اند. نیان روز ۲۸ دی در بیمارستانی در ارومیه جان سپرد و روز بعد در روستای سرچنار بوکان به خاک سپرده شد. او بر اثر تجاوز دچار «خونریزی شدید رحم» شده و بر اثر مصرف قرص کلبه های از کار افتاده بود و در حالیکه آثار «سوختگی و کتک» بر بدنش داشت به بیمارستان منتقل شده بود.



*رانندگان تانکرهای حمل سوخت، به دلیل نارضایتی از کرایه پایین، در گذرگاه مرزی پرویزخان برای ششمین روز اعتصاب کردند. رانندگان خواستار افزایش کرایه ها و بهبود شرایط کاری خود هستند. براساس گزارشهای رسانه ای شده در شبکه های اجتماعی، حدود ۶۰۰ کامیون

در مرز باشماق میوان متوقف و رانندگان آن نسبت به کرایه حمل پایین که از سوی عراق تعیین شده، معترض هستند.

*شماره از شهروندان در قاضی آباد خرم آباد در یک حرکت اعتراضی نسبت به هرگونه ساخت و ساز و تخریب طبیعت در حریم مدیه کوه و کمربند سبز محله قاضی آباد این شهر با راهپیمایی به محل کارگاه مستقر در کوه مدیه رفتند و اقدام به اعتراض کردند. به گزارش رنکا، معترضان هم چنین تاکید کردند: با توجه به موقعیت این مکان به جز اجرای کمربند سبز شهر و طرح آبخیزداری و آبخوانداری، هیچ گونه سازه و بنایی مجاز نیست و در این رابطه به حکومت اخطار های شدید دادند.

شنبه ۶ بهمن

*شماره از کارکنان دفاتر تعاونیهای شهرستانی سهام عدالت کشور، مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و دارایی واقع در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این گروه از کارکنان سهام عدالت که از استانها و شهرستانهای مختلف برای پیگیری وضعیت شغلی خود عازم تهران شده اند، می گویند: پس از ۱۸ سال فعالیت در ۳۵۲ دفتر شرکتهای تعاونی سهام عدالت، هنوز وضعیت شغلی مان مشخص نیست و در عین حال به دلیل پرداخت نشدن حدود ۲۲ ماه از مطالبات مزدی مان، در وضعیت بد معیشتی قرار داریم.

*شماره از کشاورزان شادگان در اعتراض به عدم تخصیص حقا به کشاورزی، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

*گروهی از تنباکوکاران میوان مقابل اداره دخانیات این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کشاورزان نسبت به پرداخت نشدن مطالبه خود از سوی شرکت دخانیات میوان اعتراض دارند.

*جمعی از کارگران کشاورزی منطقه تهراب شهرستان میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان برای اعتراض به سطح نازل حقوق و شرایط سخت کاری و تبعیض دست به تجمع زدند. به گزارش کمپین فعالین بلوچ، کارگران شاغل در اعتراض به تبعیض حقوق دریافتی شان نسبت به کارگران غیر بومی و شرایط کاری خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

*برای چندمین بار، متقاضیان مسکن ملی شهر مهاجران برای اعتراض به افزایش قیمت وعدم تحویل واحدها مقابل استانداری مرکزی در شهرستان اراک تجمع کردند. تجمع کنندگان گفتند: روند کند ساخت خانه ها و واگذاری دیر هنگام مسکن، زمینه ساز افزایش قیمت است.

یکشنبه ۷ بهمن

*جمعی از اعضای انجمن موبایل و برخی از واردکنندگان، مقابل ساختمان سازمان توسعه تجارت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان به دلیل چالش در ثبت سفارش آیفون در سامانه جامع تجارت، دست به تجمع زده اند.

*شماره از کارکنان دفاتر تعاونیهای شهرستانی سهام عدالت کشور، مقابل ساختمانهای وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واقع در تهران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، یکی از این کارگران عنوان کرد: ۲۲ ماه حقوق پرداخت نشده سال گذشته و جاری طلبکاریم و در عین حال از حدود ۱۰ سال پیش وضعیت شغلی مشخصی نداریم.

*تحصن کشاورزان در فلکه خوراسگان و روشن کردن آتش برای آزادی کشاورز زندانی. ماموران برای دستگیری تعدادی از فعالان اعتراضات کشاورزان که در حال کشت چغندر قند سر زمین شان بودند رفته و در محل دو نفر را دستگیر می کنند. در ادامه دو نفر دیگرشان را با خودرو جلویشان پیچیده اند که در اثر تصادف یک نفرشان کمرش شکسته و یک نفر دستش شکسته است. وقتی مردم خوراسگان به اعتراض تجمع کردند. رئیس کلاتری خوراسگان متوسل به خشونت وحشیانه شده و دست به زدن مردم و دستگیری و ... می زند.

دوشنبه ۸ بهمن

*شماره از شهروندان جوای کار در روستای دیل از توابع گچساران، مقابل فرمانداری این شهرستان در اعتراض به عدم استخدام شان در پتروشیمی گچساران و بی توجهی مسئولان به معضل بیکاری مردم این منطقه، با سر دادن شعار و برافراشتن بنرهای تجمع کردند. *کارگران ساراب سازان کبیر کنارک در اعتراض به بی توجهی به مطالبات خود دست از کار کشیدند. به گزارش کمپین فعالین بلوچ، کارگران شرکتی ساراب سازان کبیر کنارک در اعتراض به معوقات مزدی پنج ماهه و تبعیض در حقوق ماهانه بین کارگران بومی و غیر بومی در محل کار خود دست به اعتصاب زدند و از انجام فعالیتهای روزانه خود امتناع کردند.

چهارشنبه ۱۰ بهمن

*گروهی از کارکنان سازمان آتش نشانی مشهد، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این شهروندان نسبت به عدم دریافت مطالبات مزدی خود اعتراض دارند و خواهان رسیدگی به مشکلات خود هستند.

بقیه در صفحه ۳۹

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۳۸



* جوانان بلوچ در اعتراض به ادامه بازداشت سردار حاجی حمید گمشادزهی برخی از خیابانهای زاهدان را با آتش زدن لاستیک بستند. به گزارش تلگرام کمپین فعالین بلوچ، ایجاد راهبندان پس از آن صورت گرفت که جوانان بلوچ از طوایف مختلف بلوچستان با انتشار ویسهای در فضای مجازی به مقامات قضایی و امنیتی سیستان و بلوچستان هشدار داده بودند که در صورت عدم آزادی حاجی حمید، اعتراضات را از فضای مجازی به شهرها و مناطق مختلف بلوچستان خواهند کشید.

شنبه ۱۳ بهمن

* تجمع کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد خزر گیلان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل این واحد تولیدی انواع شمش فولاد واقع در شهرک صنعتی رشت.

یکشنبه ۱۴ بهمن

* شماری از مالکان زمینهای فاز ۲ شهرک خاوران تبریز، مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم تعیین تکلیف زمینها با وجود گذشت ۱۲ سال صورت گرفته است.

* تعدادی از شهروندان ساکن کوی گلدشت اهواز مقابل ساختمان استانداری خوزستان واقع در اهواز دست به تجمع زدند. به گزارش ایرنا، این شهروندان به منظور مطالبه افزایش خدمات شهری و رفع مشکلات زیرساختهای آسفالت و آب و فاضلاب، تجمع کردند.

* تجمع باغداران انارستان کوهدشت در اعتراض به مشکلات و خسارات وارده و فنی کاری مسئولان به جای پاسخگویی به مطالبات شان مقابل فرمانداری این شهرستان در استان لرستان.

* جمعی از خریداران پروژه یاران کیش برای اعتراض به بلاتکلیفی ۱۰ ساله مقابل مجتمع تجمع کردند. این پروژه قرار بود در سال ۹۶ به اتمام برسد اما بر اساس اظهارات خریداران این پروژه، مالک عنوان کرده که پول کافی برای تکمیل پروژه ندارد.

دوشنبه ۱۵ بهمن

* کارگران شرکت چرخشگر تبریز در اعتراض به بی توجهی به مطالبات خود دست از کار کشیدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران شرکت چرخشگر تبریز در اعتراض به قطع اضافه کاری بعد از ظهر خود و و پایین بودن دستمزدها دست به اعتصاب و تجمع در محوطه این شرکت زدند. مسئولان شرکت از اعتصاب کنندگان خواستند در مسجد شرکت گرد هم آیند و مطالبات شان را مطرح کنند. سپس، اصغر خوش فهم، مدیر عامل شرکت در جمع کارگران حاضر شد و طبق معمول وعده هایی به کارگران داد. شایان ذکر است که تا کنون هیچیک از خواستهای کارگران برآورده نشده است.

* بیش از ۱۵۰ کارگر سد چم شیر گچساران (شرکت سایبر) در محوطه این کارگاه تجمع کردند. به گزارش خبر بیست، یکی از این کارگران گفت: «ماهیست که حقوقی دریافت نکرده ایم و با مشکلات معیشتی جدی روبه رو هستیم. تنها خواسته ما این است که مسئولان هرچه زودتر زمینه پرداخت معوقات را فراهم کنند.»

* تجمع متقاضیان پروژه مسکن ملی ۴۸۰ واحدی شهرک فرهنگیان همدان در اعتراض به بلاتکلیفی ۴ ساله. همزمان تجمع متقاضیان بنیاد مسکن قزوین در اعتراض به بلاتکلیفی مقابل استانداری.

سه شنبه ۱۶ بهمن

* خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام مقابل زندان اوین تجمع کردند. پدران، مادران و سایر اعضای خانواده، با در دست داشتن عکسهای عزیزان شان، خواستار لغو احکام اعدام شدند. به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معترضان همچنین پلاکاردهایی با شعارهایی مانند «نه به اعدام» و «لغو حکم اعدام» در دست داشتند و از مقامات خواستند که اجرای این احکام را متوقف کنند.

* گروهی از کارگران شرکتی بهره برداری از شبکه های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، در محل کار خود دست به تجمع زدند. به گزارش

بقیه در صفحه ۴۰

* کارگران فروشگاه زنجیره ای رفاه برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات از جمله سنوات مقابل ساختمان مرکزی این فروشگاه در خیابان طالقانی تهران تجمع کردند و با سردادن شعار «سنوات حق مسلم ماست» خواهان احقاق حقوق برحق شان شدند.

* جمعی از ساکنان خیابان نیلوفر شهر پرنده در اعتراض به نصب دکل مخابراتی شرکت ایرانسل در محل مسکونی تجمع کردند.

* تجمع اعتراضی اعضای تعاونی مسکن آفا اراک نسبت به بلاتکلیفی ۲۰ ساله مقابل استانداری مرکزی.

پنجشنبه ۱۱ بهمن

* کارگران کارخانه ریسندگی خاور برای اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق وحق بیمه، نداشتن امنیت شغلی و وعده های توخالی کارفرما و مسئولان استان گیلان دست به تجمع در این واحد تولیدی واقع رشت، کیلومتر ۶ جاده فومن زدند. درحال حاضر ۱۲۰ کارگر در کارخانه ریسندگی خاور مشغول به کار هستند و با نداشتن امنیت شغلی و معیشتی درحال دست و پنجه نرم کردن هستند.

آدینه ۱۲ بهمن

* جمعی از اهالی روستای شمشیر واقع در ۶ کیلومتری پاره و ۱۱۰ کیلومتری کرمانشاه برای اعتراض به تخریب طبیعت و کوهستان شاهو در جاده مشرف به روستای شمشیر تجمع کردند. یکی از تجمع کنندگان گفت: شاهو فقط متعلق به شمشیر نیست بلکه برای همه است و تخریب آن هم بضرر کل منطقه است و حفاظت از آن میراثی ماندگار است هدیه ای است برای نسل آینده است.



* هجدهمین برنامه روز جهانی تالابها با حضور جمعی از دستداران محیط زیست در جوار تالاب خشک شده گاوخونی و کوه سیاه در ورزنه برگزار شد. این حرکت به همت جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست اصفهان و جمعیت دستداران میراث طبیعی و فرهنگی ورزنه برگزار شد. به گزارش ایرنا، حاضران در این جمع با تشکیل زنجیره انسانی و در دست داشتن پارچه نوشته حاوی شعار «حفاظت از تالابها برای آینده مشترک» بر ضرورت احیای این تالاب تأکید کردند. روز جهانی تالابها هر سال در تاریخ دوم ماه فوریه (مصادف با ۱۴ بهمن امسال) با هدف افزایش آگاهی درباره نقش حیاتی تالابها برای مردم و سیاره زمین گرمی داشته می شود.

بیش از ۸۰ تالاب از انواع مختلف شور، شیرین، ساحلی و کوهستانی در کشور شناسایی شده است. تالاب گاوخونی دارای وسعتی حدود ۴۷۶ کیلومتر مربع است و در فاصله ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان، ۳۰ کیلومتری شهر ورزنه، جنوب غربی شهرستان ناین و غرب منطقه ندوشن از استان یزد و شمال غربی کویر ابرقو قرار دارد.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۳۹

چهره هایی از جمله نرگس محمدی، جعفر پناهی، آرش صادقی، کامبیز نوروزی زاده، حسین رزاق، شقایق مرادی، آریا شیخی، هستی امیری حضور داشتند. آنها پلاکاردهایی با شعار «اتحاد و اعتراض برای لغو اعدام» همراه داشتند. تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی از جمله خانواده وریشه مرادی، زندانی سیاسی کرد در معرض خطر اعدام هم در این تجمع حضور داشتند.

*تعدادی از متقاضیان مسکن ملی در اعتراض به بی توجهی به مطالبات شان، در چند روز گذشته به طور پیاپی مقابل ساختمان استانداری قزوین تجمع کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع کنندگان در اعتراض به افزایش آورده، تاخیر در تحویل، نداشتن امکانات ابتدایی، استفاده از مصالح نامرغوب و عدم تحقق وعده های داده شده مقابل استانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زده اند و با سر دادن شعارهایی خواهان پاسخگویی شفاف مسئولان به خواسته‌های شان هستند.

چهارشنبه ۲۴ بهمن

تجمع شماری از صنعتگران شهرک صنعتی چهاردانگ در تهران. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، صنعتگران با برافراشتن بنرهایی به قطع مکرر برق اعتراض کردند. *تجمع تعدادی از تولیدکنندگان منطقه صنعتی سیاه سنگ خرمشدت واقع در شرق تهران در اعتراض به قطعی مکرر برق.

*تجمع اعتراضی جمعی از اهالی شعبیه شوشتر در اعتراض به بیکاری مقابل استانداری خوزستان کلانشهر اهواز.

*جمعی از کارگران کارخانه ذوب آهن خزر گیلان برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی و بلاتکلیفی شغلی، در محوطه این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش گیلان امروز، کارخانه فولاد خزر با وجود ۴۰۰ کارگر و ظرفیت تولید سالیانه ۷۰۰ هزار تن شمش فولادی یکسالی می‌شود که به علت بدهیهای بیشمار به بخشهای مختلف از جمله برق، گاز و بدهیهای بانکی، تعطیل شده و هیچ گونه فعالیت مدون نداشته و کارگران و متخصصان این کارخانه در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

پنجشنبه ۲۵ بهمن

*کارگران شرکتی مخابرات استان آذربایجان شرقی برای سومین روز متوالی به اعتصاب و تجمع شان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات و وعده های توخالی، ادامه دادند. نیروهای پیمانکاری آذربایجان شرقی، پیشتر نیز تجمعاتی برگزار کرده بودند و در پی آن تجمعات، مدیر منطقه به آن‌ها وعده‌ی محقق کردن مطالبات و پرداخت حق سنوات داده بود که هنوز این اتفاق نیفتاده است.



شنبه ۲۷ بهمن

*بهورزان استان مازندران در اعتراض به وضعیت معیشتی و عدم توجه به وضعیت نیروی انسانی حوزه بهداشت، تجمع کردند.

*کارگران شرکتی مخابرات استان کرمان برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات از جمله حق سنوات، تبعیض در پرداختها و هزینه های درمان دست از کار کشیدند.

*تجمع اهالی روستای زراقلی در اعتراض به تصرف زمین های کشاورزی از طرف اداره اوقاف و ساخت باغ ویلا مقابل فرمانداری رامهرمز در استان خوزستان.

*کارگران پروژه ای شرکت تیام صنعت پالایشگاه شیراز به پیمانکاری سلحشور و کارفرمایی شرکت ODCC برای اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق و ملاخور کردن عیدی دست از کار کشیدند.

*تاکسی ون داران مشهد برای اعتراض به عدم نوسازی خودروها و عدم تحویل ونهایی که در پارکینگ مجد خاک می خورد، مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند.

بقیه در صفحه ۴۱

ایلنا، یکی از این کارگران گفت: «از سال ۹۵، حدود ۱۵۰ کارگر شرکتی این مجموعه خواهان تبدیل وضعیت و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما بوده‌اند، اما تاکنون تنها بخشی از آن‌ها مشمول این تغییر شده‌اند. در حالی که حدود ۳۵ کارگر با وجود ارائه مدارک لازم به سازمان آب و برق خوزستان همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برند.»

*شماری از کسبه و بازاریان تهران در اعتراض به گرانی و افزایش نرخ ارز، از انجام فعالیتهای خود امتناع کرده و دست به اعتصاب و تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، بازاریان در خیابانهای مولوی، خیام جنوبی و میدان قیام تهران دست به اعتصاب و تجمع زدند. *گروهی از کارگران کارخانه قند خاورمیانه در شوش برای چندمین روز متوالی در محل کار خود دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، یک منبع کارگری در شوش دلیل اعتراض کارگران کارخانه قند خاورمیانه را عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و مطالبه بهبود شرایط کاری عنوان کرد.

چهارشنبه ۱۷ بهمن

*گروهی از کارکنان شرکت ارتباطات زیر ساخت استان خوزستان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان استانداری واقع در اهواز، دست به تجمع زدند. به گزارش آوای کارون، این کارکنان با در دست داشتن پلاکارهای اعتراضی خواستار تبدیل وضعیت شغلی و یکسان سازی حقوق و مزایا خود شدند.

*جمعی از مالکان زمین در اعتراض به عدم رسیدگی دولت به مطالبات شان در تهران مقابل مجلس و در زنجان مقابل استانداری تجمع کرده‌اند. معترضان می‌گویند بیش از ۲۰ سال است در زنجان از تعاونی مسکن نورپران، زمین خریداری کرده‌اند اما مسئولان اجازه الحاق آن‌ها را به زمین‌های شهری نمی‌دهند. همچنین در تهران، برخی مالکان اراضی ۳۳گانه یا اراضی شمال و شرق تهران بیش از ۳۴ سال است که زمین‌های خود را خریداری کرده‌اند اما هنوز امکان ساخت‌وساز را در این اراضی ندارند.

*همزمان با سفر وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به کاشان و بازدید از بافت تاریخی این شهر، مالکان اراضی اطراف تپه سیلک کاشان برای اعتراض به سالها بلاتکلیفی دست به تجمع زدند.

*طلافروشان ایرانشهر برای اعتراض به نداشتن امنیت و سرقت مسلحانه روز گذشته از یک مغازه طلافروشی در خیابان طالقانی این شهر در استان سیستان و بلوچستان و زخمی شدن هم صنفی شان دست به اعتصاب زدن و از بالا کشیدن کرکره های مغازه های شان اجتناب کردند.

پنجشنبه ۱۸ بهمن

*تجمع کارگران شرکت جهاد نصر لرستان در اعتراض به نداشتن امنیت معیشتی و شغلی از جمله عدم پرداخت ۱۷ ماه حقوق و قراردادهای موقت یک ماهه مقابل استانداری لرستان خبر می‌دهد. کارفرما بجای پاسخگویی به مطالبات کارگران حق طلب آنها را به اخراج از کار تهدید می‌کند.

یکشنبه ۲۱ بهمن

*کارگران کارخانه چوکا در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و وعده های توخالی مسئولان برای باری دیگر دست به تجمع مقابل این واحد تولیدی واقع در شهرستان رضوانشهر، استان گیلان زدند.

سه شنبه ۲۳ بهمن



شماری از فعالان مدنی، سیاسی در اعتراض به صدور احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی، مقابل زندان اوین تجمع کردند. به گزارش هرا، نرگس محمدی، فعال حقوق بشر با انتشار تصاویری از این تجمع اعلام کرد که در جمع فعالان مدنی و در کنار خانواده های زندانیان زن و مرد محکوم به اعدام ایستاده ایم و باز «لغو اعدام» را فریاد می‌زنیم. در این تجمع،

اعتصاب کارگران کارخانه نساجی بروجرد با وعده پیگیری مسئولان کارخانه از شامگاه روز سه شنبه ۳۰ ماه خاتمه یافت.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۴۰

حرکتهای اعتراضی غارت شدگان



یکشنبه ۲۸ بهمن

* شماری از کارگران بیمه کشاورزی در مقابل سازمان اداری استخدامی کشوری در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، آنها خواستار رسیدگی به مشکلات خود و تحقق مطالبات خود از مسئولان شرکت بیمه کشاورزی هستند.

* شماری از کارکنان شرکت ارتباطات زیر ساخت خراسان رضوی در شهرستان تربت حیدریه دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت خود و نیز مطالبه یکسان سازی حقوق و مزایای آنها صورت گرفته است.

* جمعی از صاحبان اصناف در مجتمع صنعتی تجریشی در باقرشهر در اعتراض به قطع مکرر برق در این منطقه مقابل این مجتمع دست به تجمع زدند. مجتمع صنعتی تجریشی در شهرستان ری واقع شده است. بیش از ۸۵ درصد واحدهای این مجتمع تولیدکنندگان صنایع پلاستیک هستند و بیشتر آنان فیلم و کیسه پلاستیکی تولید می کنند.

دوشنبه ۲۹ بهمن

* گروهی از متقاضیان مسکن ملی خورسند در اعتراض به بی توجهی به مطالبات شان، در مقابل ساختمان بنیاد مسکن شهرستان شهربابک تجمع کردند. تجمع این شهروندان در اعتراض به عدم تحویل مسکن و دیگر مشکلاتشان صورت گرفته است.

* کارگران کارخانجات مخابراتی ایران (itmc) برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت به موقع دست به تجمع زدند. یکی از کارگران معترض گفت: حقوقمان ۵ ماه عقب افتاده، مدیر عامل زیر بار پرداخت حقوق نمی رود. کلا این آقا و مشاوران او تنها کارگران را به اخراج و یا کم کردن مدت قرارداد تهدید می کنند. وی افزود: ما کف حقوق اداره کار می گیریم ولی همان هم پنج ماه عقب افتاده و آنطور که پیداست امسال قصدی برای پرداخت حقوق ندارند.

* گروهی از کارگران شرکت کارخانجات مخابراتی ایران واقع در شیراز، در محل کار خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، پیگیریهای چندساله کارگران فقط با وعدههای تکراری مدیران همراه بوده و اقدامی برای حل مشکلات انجام نشده است. این کارگران در مقایسه با دیگر واحدهای تولیدی منطقه دستمزد پایین تری دارند و از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل محروم اند. با نزدیک شدن به پایان سال، نگرانیها درباره تأخیر در پرداخت عیدی نیز افزایش یافته است. آنان خواستار اجرای قانون کار و حمایت مسئولان هستند.

* شماری از مردم مهدی شهر در میدان اصلی این شهر و سپس محوطه ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش فارس، شهروندان مهدی شهر در اعتراض به مفقود شدن یک جوان، انتشار خبر قتل او و نبود کنترل کافی بر امنیت شهر تجمع کردند. فرماندار با حضور در میان معترضان وعده پیگیری پرونده را داده است.

سه شنبه ۳۰ بهمن

* همزمان با کارزار سه شنبه های نه به اعدام در زندانهای کشور، شماری از فعالان مدنی، سیاسی در اعتراض به صدور احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی، در مقابل زندان اوین تجمع کردند. نرگس محمدی، فعال حقوق بشر به همراه جمعی از فعالان مدنی و سیاسی از جمله صدیقه وسمقی، عالیه مطلب زاده، کامبیز نوروز زاده، هستی امیری، شقایق مرادی، علی نانوائی، مجید مسافر والهام صالحی در اقدامی اعتراضی طناب دار را به آتش کشیدند و شعار تا لغو حکم اعدام ایستاده ایم تا پایان را سر دادند.

* شماری از کارمندان نمایشگاه بین المللی تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرا، کارمندان نمایشگاه بین المللی تهران در این تجمع خواهان پرداخت دستمزدها و مطالبات معوقه خود شدند.

* متقاضیان مسکن ملی قزوین، پروژه سکاف، در اعتراض به بلاتکلیفی ۳ ساله مقابل اداره کل بازرسی استان تجمع کردند.

* جمعی از کارگران شرکت گسترش آهن راه آذربایجان در انتقاد به عدم پرداخت بیمه و مطالبات شان در برابر این اداره کل تجمع کردند و خواستار بن کارت و احیاء حقوق و پرداخت مطالبات شان شدند.

* گروهی از کارگران کارخانه نساجی بروجرد، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای چهارمین روز متوالی با پهن کردن سفره خالی مقابل این کارخانه، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت سه و نیم ماه معوقات مزدی و بیمه‌ای، تولید را متوقف کرده‌اند.

چهارشنبه ۳ بهمن: گروهی از مالباختگان شرکت گلباران دزفول، در اقدامی اعتراضی با پوشیدن کفن و سردادن شعارهایی، دست به راهپیمایی در خیابانهای دزفول زدند. بنابر اظهار سپرده گذاران این شرکت، باوجود اینکه مدیر این مجتمع تفریحی املاک زیادی دارد و سپرده گذاران برای سپرده های خود در این شرکت اسناد قانونی محکمی از قبیل چک و سفته دارند و مشکل خود را نیز در سطح کشوری، استانی، شهرستانی و قوه قضاییه مطرح کرده اند با این حال تاکنون اقدامی در جهت اعاده حقوق آنان صورت نگرفته است. مالباختگان شرکت نیوساد گستر ایرانیان(گلباران)دزفول با راهپیمایی وتجمع درسطح این شهرستان دراستان خوزستان وسردادن شعارهای «مسئول خیانت می کند قاضی حمایت می کند»، «خواسته ما هم اکنون فقط اجرای قانون»، «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»، «خیلی دروغ شنیدیم عدالتی ندیدیم»، «دادستان دادستان امروز فردا نکن حق مارا ادا کن» و...خواستار اجرای عدالت شدند.

مجتمع تجاری گلباران دزفول در شهریور ۱۳۹۸ در هشت طبقه و بالغ بر ۲۴ هزار متر مربع فضای خالص در دزفول توسط بخش خصوصی به بهره برداری رسید و دی ماه ۱۴۰۲ به علت مشکل پیش آمده تعطیل شد.

یکشنبه ۷ بهمن: جمعی از مالباختگان بانک رسالت، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان استانداری همدان دست به تجمع زدند. همزمان شماری از مالباختگان حواله خودرو در شهرستان جم، مقابل ساختمان بیدادگستری بوشهر دست به تجمع زدند. به گزارش آینه جنوب، با گذشت چهار سال هنوز تکلیف پرونده این شهروندان مشخص نشده و حدود ۵۰۰ خانواده مالباخته در این شرایط سخت اقتصادی در بلاتکلیفی به سر می برند.

یکشنبه ۱۴ بهمن: شماری از مالباختگان رمزارزهای کینگ مانی و یوتیبایت مقابل ساختمان وزارت دادگستری در تهران دست به تجمع زدند. به گزارش هرا، این شهروندان که اقدام به پرداخت وجه جهت خرید رمزارزهای مذکور از شرکت بادران گستران کرده بودند، خواستار رسیدگی قضایی، وصول مطالبات و برخورد با مدیران مجموعه و مسببان زیان مالی خود هستند. غارت شدگان کینگ مانی و یوتیبایت شرکت باران گستران در تهران در این تجمع شعارهای «مسئول بی کفایت استعفا استعفا»، «مسئول بی کفایت خجالت خجالت» سردادند.

چهارشنبه ۱۷ بهمن: شماری از مالباختگان صرافی کریپتولند، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان تهران، دست به تجمع زدند. به گزارش هرا، شهروندان معترض با سردادن شعارهای اعتراضی همچون «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» خواستار بازپسگیری اموال خود شدند که نزدیک به چهار سال از بلوکه شدن آنها می گذرد.

شنبه ۲۷ بهمن: جمعی از مالباختگان حواله خودرو جم برای اعتراض به بلاتکلیفی ۴ ساله مقابل بیدادگستری این شهرستان دراستان بوشهر تجمع کردند. به گزارش آینه جنوب، این پرونده کثیرالشاکی با محکومیت به پرداخت ۶۴۰ خودرو به ارزش ۶۰۰ میلیارد تومان است. با گذشت ۴ سال هنوز تکلیف پرونده مشخص نشده و حدود ۵۰۰ خانواده مالباخته در این شرایط سخت اقتصادی در بلاتکلیفی به سر می برند.

آتش بس در غزه؛ پیروزیهای ساختگی، شکستهای واقعی

تملق شاعرانه پزشک‌یان از دیکتاتور مُعظم

زینت میرهاشمی

منصور امان



این روزها کمتر رویدادی در پیوند با رژیم ولایت فقیه روی می دهد که با توصیف «شکست» همراه نشده باشد. تازه ترین آن، برقراری آتش بس موقت در جنگ اسرائیل و حماس است که فرصت داده است از میان غبار ویرانیه‌ها و جوی خون، نخستین نتایج آن پدیدار گردد.

۱۵ ماه پیش زمانی که حماس به ساکنان مرزی اسرائیل یورش برد و بیش از هزار تن آنها را کشتار کرد، این جریان بنیادگرا و متحدش در ایران، با بوق و کرنا دو هدف عمده را در توجیه این حمله کور عنوان می کردند:

نخست، تخریب روند عادی سازی مُناسبات اعراب و اسرائیل و بی موضوع کردن پیمان موسوم به «ابراهیم دوم»، گذاشتن مساله فلسطین روی میز طرفهای خارجی

در همین حال، رژیم ج.ا یک هدف ناگفته دیگر هم داشت که زیربنای سیاست جنگ افروزان آن به حساب می آید و آن تقویت نقش و نفوذ خود در منطقه توسط بحرانی که پدرخوانده آن شمرده می شود. حماس در میان تشویق و هلله آخوند خامنه ای و تفنگچیهایش شعله جنگ و یک بحران بین المللی را برافروخت، اما هدفها دور از دسترس باقی ماند و دستاوردها از سطح ادعا فراتر نرفت.

امید به وادار ساختن سران کشورهای عربی به فاصله گیری از اسرائیل و ایجاد یک میدان دوقطبی برآورده نشد. واکنش دولتهای عربی به جنگ غزه محتاطانه و حسابگرانه بود و مجموع اقدامات عملی آنها را می توان در برگزاری چندین کنفرانس و نشست و اعتراضهای رسانه ای خلاصه کرد. این موضع که بر پایه منافع درازمدت آنها قرار داشت، فضای لازم را برای ادامه روند سیاسی «پیمان ابراهیم» پس از پایان بحران کنونی حفظ می کرد. این فاکتور باضافه بازگشت ترامپ به قدرت، پروسه یاد شده را پیش می برد.

حل عادلانه مساله فلسطین که حماس و ج.ا به گونه ریاکارانه ای طرح بین المللی آن را دلیل یورش ۷ اکتبر عنوان می کردند، در پی این حمله و گشادن دست اسرائیل برای تجاوزگری، لطمه شدیدی دیده است. حماس توانست پشتیبانی بین المللی گسترده ای برای نتانیاهو و دولت او گردآوری کند؛ تحوّل که سیاستهای جنایتکارانه تل آویو علیه خلق فلسطین را نیز به گونه موثری تقویت کرد. دست درازی فزاینده اسرائیل به کرانه باختری بخش دیگری از پروسه مخربی است که حماس و پشتیبانش به جریان انداخته اند. امروز با تبدیل تدریجی اسرائیل به ژاندارم منطقه، پایان اشغال و تشکیل دولت فلسطین بیش از هر زمان دیگر به دور دستها رانده شده است.

پیرامون سومین هدف و آنچه که به آماج ناگفته حاکمان ایران برمی گردد، به همان اندازه که برخورد آنها به فلسطین فرصت طلبانه و دغلکارانه است و از این رو دچار شدن آن به وضعیت کنونی خواب را از چشمان شان نمی رباید، اما از کابوس وضعیتی که خود بدان دچار شدند، رهایی نمی یابند. ۷ اکتبر نه تنها به تحکیم موقعیت آنها گُمکی نکرد، بلکه موجب وارد آمدن ضربات تعیین کننده ای به رژیم ج.ا شد که در عمل موجب بیرون رانده شدن آن از حوزه نفوذ خویش و از دست دادن «عقبه استراتژیک» اش گردید.

برای انکار و زیر فرش جارو کردن این نتایج فاجعه بار است که حماس و حُکام ج.ا گرد «آتش بس» هلله می کنند و برای یک «پیروزی» ساختگی هورا می کشند. آتش بس در غزه ایستگاه بین راهی یک سفر خسارت بار است که در طول آن مسافران خود را باخته و پُشت سر، زمین سوخته برجا گذاشته اند. سوگ یا شادی، این اما هنوز انتهای سفر نیست. ج.ا و حماس دینامیزی را به حرکت درآورده اند که تابع آنها نیست. آنها با نیروی آن به هر طرف کشیده می شوند، بدون آنکه بتوانند کُش مستقلی در برابرش داشته باشند. دیروز، فردای آنهاست.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۴ بهمن

موضع گیریهای متناقض خامنه ای طی ۱۰ روز پیش، از ساده سازی مذاکرات، باز کردن گوش و چشم مذاکره کنندگان و سر دادن شعار «مرگ بر آمریکا» در نشست مداحان تا «نه هوشمندانه، نه عاقلانه و نه شرافتمندانه» دانستن مذاکره، گمانه های متفاوت و برداشتهای گوناگون ایجاد کرده است.

زویای پنهان و نامتعارف بودن حرفهای ولی فقیه با تحرکات پایوران تیم پزشک‌یان، روشن نیست. هنوز آن چه که در پشت پرده و ملاقاتهای یواشکی و پیامهای پنهانی اتفاق افتاده، معلوم نیست؛ اما روشن است که سیاست یواشکی و پنهان کاری رژیم ایران روی ترامپ کارساز نیست.

اما سخن پراکنی ولی فقیه روز آدینه ۱۹ بهمن، آب جوش را بر زبان آن گروه از پایوران نظام ریخت که از مذاکره مستقیم با آمریکا برای حفظ نظام و خروج از بحران اقتصادی دفاع می کردند.

خامنه ای شعار مردمی «بی شرف بی شرف» که علیه خودش و مسیولان نظام در خیابان سر داده می شود را علیه کارگزاران پزشک‌یان با «شرافتمندانه» نبودن مذاکره به کار برد.

ماله کشان نظام در هنگام انتخابات نمایشی ریاست جمهوری تمامی نیرنگهای خود را به کار بردند تا مردم را راضی کنند که پزشک‌یان حل کننده بحران اقتصادی، رفع تحریمها، عادی کردن مناسبات با جامعه بین المللی و... خواهد بود. از این منظر بار دیگر باید به جبهه گسترده تحریم تریک گفت که گول فریبکاریهای آنها را نخوردند.

پزشک‌یان در نقش ملیجک خامنه ای، معنای کابینه «وفاق امنیتی نظامیها» و ذوب شدگی خودش را نشان داد. او سخن پراکنی خامنه ای که جان بیش از ۸۰ میلیون جمعیت ایران را به خطر می اندازد، با شعری از لاهوتی «سخنانی زیبا و رهگشا» توصیف کرد و بر «بی شرفی» دلبستگان به خودش هم مهر تایید گذاشت.

از یک سو خامنه ای ویرانی غزه را به عنوان «الگو» در ملاقات با رهبران حماس به مردم ایران معرفی کرد و از سوی دیگر پزشک‌یان در همین روز در کرمان وعده رسیدن به «قله» به شرط «تحمل گرسنگی» داد. این شکم سیر حکومتی گفت: «دشمنان فکر می کنند با تحریم از گرسنگی خواهیم مرد اما اینطور نیست؛ ما قادریم با قدرت به قله برسیم و در همه حوزهها در منطقه اول باشیم بنابراین همه باید خون دل بخوریم. باید زحمت کشید.»

شیوه پزشک‌یان علاوه بر «ناله درمانی»، رونمایی از بحران و فلاکت معیشت مردم، اما انداختن تقصیر بر دوش مردم است. راه حل او، تقویت فساد حکومتی، چپاولگری و از خودگذشتگی مردم در قبال این حکومت است. مردم «خون دل بخورند» اما امپراطوری خامنه ای، باندهای مافیایی فاسد و در کل قبیله ولایت فقیه به چپاول ادامه دهند. چنین مباد!

فراسوی خبر دوشنبه ۲۲ بهمن

رابطه میلیاردرهای «چای دیش» و یارانه سیصد هزار تومانی

منصور امان



موشکهای «اعتماد» ساز، نمایشی از بی اعتمادی در سرایشی سقوط

زینت میرهاشمی



در میانه خشم مردم معترض به شرایط جهنمی و فرو رفتن دو سوم جامعه در گرداب فقر و تنگدستی، سرکردگان رژیم بعد از رونمایی از شهرهای موشکی زیر زمینی، از ساخت موشک بالستیک جدید با برد ۱۷۰۰ کیلومتر، ۱۶ متر طول و ۲۵.۱ متر قطر به نام «اعتماد» که ظاهراً قرار است به اسرائیل برسد خبر دادند. این پروژنها و گزافه گوییهای سرکردگان سپاه تروریستی پاسداران در حالی است که از سخنرانی حقیرانه و عاجزانه خامنه ای، بوی «معامله» و گدایی مذاکره به مشام همه رسانه های حکومتی رسیده و تیتراهای آنها چراغ سبز خامنه ای را نشان می دهد.

نقدی، یکی سرکردگان سپاه مدعی شده که: «اگر نظام اراده کند می توانیم برد موشکهایمان را به سراسر کره زمین برسانیم.» نعره های او در انتقام گرفتن در وعده دادن سریالی صادق چندم هنوز همچنان بدون تحقق، فضا را آلوده نگاه داشته است.

هزینه این موشکها علاوه بر بار مالی آن که از غارتگری سفره های مردم تامین می شود، بار سیاسی آن تکان دادن پرچم جنگی نمایشی لشکر شکست خورده و ناتوان است که فقط جان مردم را تهدید می کند. رای منفی به جنگ طلبی و سیاستهای ماجراجویانه در شعارهای مردم معترض از بازنشستگان تا ستمدیدگان بازتاب می یابد.

روز یکشنبه ۱۴ بهمن، یكشنبه های اعتراضی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در شهرهای مختلف از جمله گیلان، اهواز، اصفهان و... برگزار شد. علاوه بر بازنشستگان، اعتراضهای دیگر از جمله اعتراض به مازوت سوزی و هوای آلوده در اراک، اعتراض دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و تجمع غارت شدگان و... هم جریان داشت.

بازنشستگان در شعارها و بروز خشم خود علیه بی عدالتی، تبعیض، فقر، گرانی و... بسیار صریح و روشن حکومت را آفریننده زندگی جهنمی که در آن گرفتار شده اند، می دانند. شعارهایی مانند: «جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه / روسری را رها کن، تورم و مهار کن / معترض زندانی، آزاد باید گردد / کارگر زندانی، آزاد باید گردد / معلم زندانی، آزاد باید گردد / فریاد فریاد از این همه بیداد / گرانی تورم، بالای جان مردم / شاغل و بازنشسته، اتحاد اتحاد / عدالت، عدالت، مدعی عدالت / زبر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی» همآوردی با حکومتی است که در حال نمایش بازوهای سرکوبگرانه اش به جای حل بحران معیشت مردم است.

در رویدادی دیگر، رسانه های حکومتی خبر از پذیرش غارتگر سازمان تامین اجتماعی، سعید مرتضوی به سمت کارآموز وکالت کانون وکلای یزد خبر دادند. او معروف به جلاذ کهریزک و قاتل زنده یادان زهرا کاظمی و امیر جوادی فر، محمد کامرانی و محسن روح الامینی، سه جوان دستگیر شده در اعتراضات سال ۱۳۸۸ است و آنقدر آلوده به فساد است که بخشی از پرونده های او در رسانه های حکومتی به روز شده است.

جلاذ مرتضوی «در زمان تصدی اش بر سازمان تامین اجتماعی میلیاردها تومان از اموال تامین اجتماعی را به نهادها و افراد خاص واگذار کرد / اعطای ۱۳۸ فقره کارت هدیه به نمایندگان مجلس و واگذاری غیر قانونی شرکت وابسته به تامین اجتماعی به بابک زنجانی» از جمله پرونده های او است.

البته در حکومت فاسدان و دزدان، قاتل بودن یک امتیاز برای حفظ عمود خیمه نظام است. بنابراین وقتی جلاذ قاضی می شود، لباس وکالت بر تن یک قاتل کردن، امری عادی است. تنها راه رسیدن به خواسته های عادلانه مردم و باطل کردن چرخه فساد و نمایشهای جنگی، سرنگونی حکومتی است که ژست اعتماد پوشالی به خود گرفته است.

فراسوی خبر ... دوشنبه ۱۵ بهمن

دو خبر که در کنار یکدیگر و همزمان انتشار یافته، چهره زشت و بیرحم فساد رژیم ولایت فقیه را بی پرده و شفاف به تماشا گذاشته است. در اولی، موضوع بیش از سه میلیارد دلاری است که پایوران آخوند خامنه ای در پرونده موسوم به «چای دیش» غارت کرده اند و در دومی، از خیز حاکمیت برای حذف یارانه سه دهک دیگر خبر داده می شود. همزمانی این دو خبر تصادفی نیست؛ این یک روال عادی در نظم جاری است که به موازات سقوط دائمی ارزش مزد، حقوق، مستمری و فشار بر جامعه، مسابقه چپاول بین رهبران و کارگزاران و پادوهای آنها جریان دارد. رقمهای سرگیجه آور از دزدی، اختلاس، تقلب و جز آن بدون وقفه در حال رشد است و با همان شتاب، فضای زندگی بر مردم هر روز اندکی تنگ تر و نفس گیر تر می شود. برای جامعه این رابطه دیرگاهی است که آشکار گردیده، معترضان وقتی شعار می دهند «به اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می شه»، به طور دقیق به همین رابطه اشاره می کنند.

فقط کافی است به هویت متهمان آشکار و پنهان چپاول سه میلیارد دلاری نگاهی افکنده شود تا رابطه فساد و کسالی که برای نان و سفره و حقوق مردم تصمیم می گیرند، آشکار گردد. دو وزیر پیشین، یک مدیر ارشد، یک سرکرده سپاه پاسداران، رئیس وقت بانک مرکزی و شبکه ای از بانکها، ادارات و گمرک به گونه سیستماتیک و درست در دست یکدیگر، چپاول «چای دیش» را سازمان داده و ممکن کرده اند.

به بیان دیگر، همانها که رایانه ها را قطع می کنند، در برابر افزایش عادلانه مزد می ایستند، بر ارز دولتی دارو و کالاهای اساسی قلم می کشند، عوارض آب و برق و گاز را جهش وار افزایش می دهند و گوشت و میوه و لبنیات را از سفره مردم برمی چینند، همانها فعالان مشغول غارت ثروتی هستند که می تواند این سختیها را بی موضوع کند و به درد و رنج جامعه پایان دهد.

کیست که نداند تشکیل دادگاه و رسیدگی نادر به پرونده های فساد حکومتی کمترین تغییری در روند تاراج منابع ملی زیر خیمه ولی فقیه نمی دهد. همانگونه که «رسیدگی» به پرونده شهرام جزایری، بابک زنجانی یا پدیده شاندیز موجب حتی کوچک شدن این غده چرکین در قلب و مغز نظام حاکم نشد. «چای دیش» هم برگ دیگری از دیوان فساد استبداد دینی است که به پایان نرسیده و اگر به آن مهلت بقا داده شود، هنوز برگهای سفید زیادی برای نوشتن دارد.

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۱ بهمن

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 487/ 19 Février 2025

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalgh>

شهادت فدایی در ماه اسفند



رفیق مناف فلکی

رفقا: رحیم سماعی - مهدی اسحاقی - علی اکبر صفایی فراهانی - غفور حسن پور اصلیل - احمد فرهودی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی مسچی - محمد هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شعاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمد علی محدث قندچی - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی

مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلام رضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - عبدالمناف فلکی تبریزی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمد علی تقی زاده چراغی - اصغر عرب هریسی - اکبر موید - علی تقی آرش - حسن سرکاری - محمدرضا کامیابی - مجتبی خرم آبادی - ابراهیم پور رضا خلیق - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - جمال الدین سعیدی - هوشنگ پور کریمی دریاکناری - عبدالرضا کلانتر نسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمد رضا بهکیش (کاظم) - یدالله گل مژده (نظام) - حمید آزادی - جعفر پنجه شاهی (خشاپار) - محمد علی معتقد (امیر) - حشمت الله شهبازی - زهره حاجیان سه پله - جواد غفوریان - محمود محمودی - جلیل حواری نسب - فرزاد قائمی - سعید عقیقی - علی خلیقی - هوشنگ اقبالی - عبدالرحیم (عزالدین) صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهالدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس خرده بین - قنبر پیشدست - ناصر نجم الدینی - داود امیر احمدی - هاشم احمدزاده - شاپور تقریبی - حمید رضوان - شهره صبوری - علی رضا ظریفی - علی رضا بامیان چوبداری - یعقوب شکرالهی (عباس) - محسن جیبان - فریبرز (فرشید) کشاورز - رضا حشمت زاده - مهشید معتضد - امیر اصغر نژاد - فرامرز باقرپور - فرمان عطیعی - علی اصغر زندیه - حمید آقارودی زاده - غلام رضا باقری آق بابا - علی رضا باقری - فریده یوسفی - غلام راستا - حسن پایدار - سهیل جهان ستان - علی فرهادی - قدرت الله مددی دارستانی - غلام کیانزاد - محمدرضا علی مددی - کاوس طور سوادکوهی - منوچهر ممیز - محمد حسن شریعتی - کاووس گلابوند - سید پرویز لسان - علی (فرزاد) بیگلری - عباس چمازکنی - فریدون کهزادی - حسین چرخیان - قدرت الله ارجمندی - ابراهیم تولایی - محمد رضا راستی - رضا سیدالشهدایی - حشمت خداداد - منصور حبیبی زاده و ... طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

یادواره شهیدان فدایی

رفقا شهره صبوری و فریبرز کشاورز

گردآوری و تنظیم امیر ابراهیمی

۱۳۶۰ در تهران به همراه همسرش، آقای فریبرز کشاورز و خواهر همسرش توسط سپاه پاسداران کمیته ۳۰۰۰ به اتهام ارتباط با سازمان فدائیان خلق شاخه اقلیت دستگیر شد. (کمیته ۳۰۰۰ کمیته مشترک ضدخرابکاری سابق که بعدها به زندان توحیدی تغییر نام یافت و در حال حاضر این شکنجه گاه بدنام موزه شده است.) او را بعد از بازجویی در این کمیته به زندان اوین بردند. در زمستان ۱۳۶۰ مدت کوتاهی را در اتاق ۶ بند ۲۴۰ بالا گذراند. خانم صبوری از اعدام خود خبر داشت و این را به چند تن از دوستان همبندی مورد اعتمادش گفته بود. وی در زمان بازداشت از حق داشتن وکیل و ملاقات با خانواده محروم بود. رفقا شهره و فریبرز؛ فدایی وار مهر سکوت بر لب داشتند و کوچکترین اطلاعاتی به مزدوران شکنجه گر ندادند. در نیمه دوم اسفند ۱۳۶۰ به همراه عدهای دیگر، به جوخه اعدام سپرده شد. یاد و نام شان جاویدان



رفقا شهره صبوری و فریبرز کشاورز

رفیق شهره صبوری در سال ۱۳۳۵ در اصفهان متولد شد و پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد مدرسه عالی برنامه ریزی و کامپیوتر در خیابان ظفر تهران شد. در مدرسه عالی با رفیق فرشید کشاورز آشنا شد.

رفیق فریبرز (فرشید) کشاورز در اهر (آذربایجان) متولد شد. رفیق فرشید پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد مدرسه عالی برنامه ریزی و کامپیوتر در خیابان ظفر تهران شد. در مدرسه عالی با رفیق شهره صبوری آشنا و در سال ۱۳۵۹ باهم ازدواج کردند.

این رفقا از فعالان جنبش دانشجویی علیه رژیم پهلوی بوده و در سازماندهی کوهنوردی برای دانشجویان فعالانه شرکت داشتند. رفیق شهره یکی از هفت نفر اعضای شورای دانشجویی دانشکده بود. رفقا شهره و فرشید پس از قیام در صفوف سازمان به فعالیت ادامه دادند. رفیق شهره صبوری در زمستان ۱۳۶۰ در خانه پدری رفیق فرشید دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. در آنجا چندین روز متمادی تحت شکنجه قرار گرفت.

از قول یکی از همبندان رفیق شهره در وسایت بنیاد عبدالرحمان برومند نوشته شده: «خانم صبوری در زمستان



نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم